

# ما جنگ نمی خواهیم!



گاهنامه‌ی "برابری" نشریه سیاسی، اجتماعی،  
اقتصادی و فرهنگی زنان شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

## گاهنامه‌ی «برابری» شماره دو، تابستان ۱۴۰۲

موضوع این شماره: ما جنگ نمی خواهیم!

گاهنامه‌ی "برابری" نشریه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان، زیر نظر شورای سردبیران: منیژه صبا، شهین حیدری، پروین عرفانی، شهره ایرانی، علی صمد

**همکاران این شماره:** دکتر رضوان مقدم، سوسن رخس، ملیحه حیاتی، گیتی عظیمی، پروین عرفانی، منیژه صبا، شهین حیدری، شهره ایرانی، سوسن، مینا، نسرين، طلوع، سیما، زهره، بتول، سیمین، پروانه، تاجی، مهشید، شادی، نسیم، ریحانه، زری، مژگان، هایده، فهمیه، پروانه دو، گودرز اقتداری، بیژن میثمی و علی صمد

آدرس تماس با گاهنامه "برابری" :

[gahnamebarabari@gmail.com](mailto:gahnamebarabari@gmail.com)

\*\*\*\*\*

### فهرست مطالب

- یادداشت: خشونت علیه زنان و کودکان در دوران جنگ / شورای سردبیران صفحه ۲
- آنجا که زن بودن خطرناکتر از سرباز بودن است / سوسن رخس، جامعه شناس صفحه ۲
- زنان و جنگ: نقش‌ها، تجربیات و تأثیرات / دکتر رضوان مقدم، جامعه شناس صفحه ۹
- اثرات نامتناسب جنگ و درگیری بر زنان و دختران / هاتی فلیز / ترجمه پروین عرفانی صفحه ۱۲
- مصاحبه های کوتاه با زنان در ایران در باره جنگ و نتایج آن / شورای سردبیران صفحه ۱۹
- جنگ و پیامد های ویرانگر آن / علی صمد صفحه ۳۱
- سلامت جنسی و بهداشت باروری زنان در خلال جنگ و نزاع ها / ترجمه ملیحه حیاتی صفحه ۴۱
- زنان فلسطینی در غزه / ترجمه پروین عرفانی صفحه ۴۴
- زنان در جنگ / ترجمه گیتی عظیمی صفحه ۴۶
- تاثیر جنگ بر کودکان در سراسر جهان / بیژن میثمی صفحه ۵۰
- صلح تلاشی همگانی برای جهانی بهتر و انسانی تر / علی صمد صفحه ۵۲
- زنان در محیط درگیری / دکتر گودرز اقتداری صفحه ۵۹

\*\*\*\*\*

## یادداشت: ما جنگ نمی خواهیم!



جوامع انسانی همواره با چالش‌ها، منازعات و جنگ‌ها روبرو بوده‌اند. این چالش‌ها ممکن است از تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی، دینی و سیاسی ناشی شوند. همچنین، عواملی مانند تغییرات اقلیمی و نابرابری اقتصادی نیز می‌توانند به افزایش اختلافات و تنش‌ها منجر شوند. اگرچه دستیابی به جهانی بدون جنگ دشوار است، اما تلاش‌ها برای رفع تبعیض، حفظ صلح، برابری و ترویج ارزش‌های انسانی همچنان ادامه دارند.

جنگ، پدیده‌ای وحشتناک و مخرب است که هیچ نقطه‌ای از یک کشور را از اثرات تخریبی آن در امان نمی‌گذارد. در هر جنگی، بسیاری کشته و معلول می‌شوند که اغلب تعدادشان بیشتر از نظامیان است. کودکان، معلولان، زنان و سالمندان بیشترین قربانیان جنگ‌ها هستند. تخریب زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیست نیز از دیگر پیامدهای جنگ است. عامل جنگ‌ها دولت‌های جنگ‌طلب و گروه‌های افراطی هستند که با زور خواسته‌هایشان را تحمیل می‌کنند. در این میان، کمپانی‌های اسلحه‌سازی از جنگ‌ها سودهای کلان و افسانه‌ای می‌برند.

در یک سیستم دموکراتیک، دموکراسی، آزادی و حقوق بشر از طریق جنگ به دست نمی‌آید. زندگی مسالمت‌آمیز و عاری از تبعیض، خشونت و بی‌عدالتی، سودمندتر است. باید حداکثر تلاش خود را برای بازگشت صلح و آرامش در جهان انجام دهیم. مبارزه برای صلح وظیفه‌ای ملی و جهانی است. ما به عنوان رسانه‌ای جمهوری‌خواه سکولار دموکرات، مدافع دموکراسی، آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی، می‌توانیم با دیگر جمهوری‌خواهان برای صلح و جهانی بهتر و بدون تبعیض فعالیت مشترک داشته باشیم.

جنگ‌ها در دنیای معاصر آسیب‌های جبران‌ناپذیری به همراه دارند. کودکان و زنان، به عنوان گروه‌های آسیب‌پذیرتر، از خشونت‌های جنسی و تبعیض جنسیتی در جنگ‌ها رنج می‌برند. در دوران جنگ، خشونت علیه زنان به شدت افزایش می‌یابد. کودکان جنگ‌زده بدبخت‌ترین قربانیان هستند که استرس، افسردگی، ترس و کابوس‌های دائمی را تحمل می‌کنند. حتی پس از پایان جنگ، هزاران انسان به علت انفجار مین‌های جنگی کشته و معلول می‌شوند.

ما جنگ نمی‌خواهیم و برای از میان برداشتن تضادها و کاهش شکاف‌ها، باید مبانی و ارزش‌های انسانی، صلح و دوستی را برای نسل‌های بعدی ترویج کنیم. جهان دموکرات، ضد تبعیض، آزادی‌خواه، صلح‌دوست، انسان‌گرا و آینده‌نگر باید تلاش کند تا زندگی صلح‌آمیز را برای همه انسان‌ها فراهم سازد. مشکلات هر جامعه به سرعت به دیگر جوامع منتقل می‌شود و هیچ کشوری نمی‌تواند از مسائل جهانی کنار باقی‌بماند. برای دستیابی به سرنوشتی عادلانه و سعادت‌مند، چاره‌ای جز گفتگو میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نداریم. صلح پایدار جهانی زمانی محقق می‌شود که زنان در همه ساحت‌های زندگی انسانی با حقوق مساوی حضور داشته باشند.

آزادی، عدالت و صلح برای همگان، نیازمند پایبندی دولت‌ها به حقوق بشر است. جنگ، حقوق بنیادین شهروندان را به خطر می‌اندازد، در حالی که صلح می‌تواند ضامن آن باشد. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که صلح، عدالت و حقوق بشر ارتباط تنگاتنگی دارند و لازم و ملزوم یکدیگرند. تمامی کشورهای جهان موظف به اجرای کنوانسیون جهانی حقوق بشر هستند. دولت‌های دیکتاتوری نباید انتظار داشته باشند که در هنگام نقض حقوق بشر، مورد انتقاد و فشار دیپلماتیک قرار نگیرند.

گاهنامه "برابری" در شماره دوم خود توانسته با جمعی از زنان و مردان نویسندگان از سنین مختلف به موضوع «خشونت علیه زنان و کودکان در دوران جنگ پردازد. در شماره جدید، مطالبی از خانم‌ها پروین عرفانی، سوسن رخس، رضوان مقدم، ملیحه حیاتی، گیتی عظیمی و آقایان گودرز اقتداری، بیژن میثمی و علی صمد انتشار یافته است. همچنین، ۱۹ مصاحبه جالب و خواندنی درباره "خشونت علیه زنان در دوران جنگ" توسط شورای سردبیران گاهنامه تهیه شده است. در پایان از طرف گاهنامه "برابری" از همکاری همه دوستان به ویژه بخش فنی نشریه صمیمانه تشکر می‌کنیم.

زنده باد صلح و برابری

شورای سردبیران گاهنامه "برابری"  
۲۹ ژوئیه ۲۰۲۴

\*\*\*\*\*

## آنجا که زن بودن خطرناکتر از سرباز بودن است / سوسن رخس، جامعه شناس



### مقدمه

روزی نیست که ما خبر از جنگی در گوشه ای از جهان نشنویم. بزرگترین و پرفروشترین خبر مطبوعاتی خبر جنگ است. جنگ هایی که در لحظه ای بسیار کوتاه ویران میکنند و جان هزاران انسان و هر موجود زنده دیگر را میگیرند. باعث آوارگی و بی پناهی میلیونها انسان می شوند. به محیط زیست ضربه های جبران ناپذیر وارد می کنند و به این شکل زندگی نسل های بعد را هم با مشکل روبرو می سازند. در این میان یکسری کشورهای به اصطلاح پیشرفته درآمدهای هنگفت از تولید و فروش اسلحه به خزانه های خود سرازیر می کنند. یکی از پردرآمدترین صنایع در جهان امروز صنعت اسلحه سازی است.

جنگ فرم های مختلف دارد. جنگ بین دو یا چند کشور همسایه به خاطر یک تکه زمین، آب و یا دلایل احمقانه مشابه که عمدتاً هم نشان از مردسالاری و قدرت طلبی دارند. جنگ و اشغالگری قدرتهای بزرگ استعمارگرکه برای تسلط بر جهان و به تسخیر درآوردن ثروتهای طبیعی و انسانی است. آسیا و آفریقا تاریخشان مملو از جنگ و اشغالگری قدرتهای استعماری است. فرم دیگر جنگ نزاعهای داخلی کشورها است که معمولاً بین دو یا چند گروه اتنیک و یا مذهبی اتفاق میافتد و یا بین نیرویی در قدرت و نیرویی خواهان قدرت بوقوع می پیوندد. نوع آخر جنگ، مبارزه مردم بی سلاح در یک کشور یا منطقه در مقابل حکومت های ستمگر است که بر آنان ستم می کنند.

آنچه که بسیاری از تاریخ نگاران و تحلیلگران مستند کرده اند این است که زنان بزرگترین بازندگان و قربانیان جنگ ها هستند. مردان جنگ ها را آغاز می کنند و پایان می دهند. زنان قربانیانی بدون حق انتخاب هستند. زنان به شکلهای مختلف بیشترین بها را می پردازند. من در این مقاله در آغاز به بررسی اثرات جنگ بر زنان و تغییرات اجتناب ناپذیری که بوجود میاید خواهیم پرداخت. در قسمت دوم فعالیتهایی را که برای ممانعت از آسیب دیدن زنان در جنگ ها انجام شده است و نتایج آن را تحلیل خواهیم کرد.

### سرنوشت زنان در جنگ و نزاع

## زنان قربانیان مرده و زنده جنگ ها

"در جنگهای مدرن زن بودن خطرناکتر از سرباز بودن است". این جمله را جنرال پاتریک کامرت که یکی از کماندوهای سازمان ملل برای برقراری صلح درکنگو بوده بیان کرده است.<sup>1</sup> جمله ترسناکی است چرا که یک حقیقت دردناک را بیان می کند. زنان بزرگترین قربانیان جنگ ها هستند. سربازان برای جنگیدن می روند و در این روند احتمال آسیب دیدن و کشته شدن را میدانند. اما زنان بدون هیچ گونه حق انتخاب قربانیان زنده و مرده جنگ ها هستند و زجر و خطرانی که جنگ برایش همراه میآورد بسیار بیشتر از یک سرباز است. آمار دقیقی از تعداد زنانی که در انواع مختلف نزاع های مسلحانه جان خود را از دست داده اند در دست نیست. اما بر مبنای گفتار شاهدین و محققین این حوزه و آمار نادقیق موجود اظهار می شود که زنان و کودکان دوسوم قربانیان غیر نظامی را در بیشتر جنگ ها و نزاع های داخلی تشکیل می دهند. بمبها جان انسانهای بی پناه را می گیرند و زنان در جنگ ها بی پناهند.

کشته شدن شاید بهترین اتفاق برای زنان به عنوان طعمه جنگ باشد. چونکه بسیاری از آنها که زنده میمانند روزی هزار بار آرزوی مرگ می کنند. دلیلش بلاها و زجرهایی است که تحمل می کنند. شکنجه جنسی شدن زنان به وسیله مردان نیروی دشمن بسیار در تاریخ ثبت شده است. تنها در قرن گذشته در جنگ های اول و دوم جهانی، جنگ ویتنام، جنگ ایران و عراق، نزاع های متفاوتی که در آفریقا اتفاق افتادند و همچنین جنگ یوگسلاوی سابق مدارک و گفتارهای زیادی از تجاوز به زنان و شکنجه های جنسی به ثبت رسیده است. به استناد تاریخ، در روزهای آخر جنگ دوم جهانی دو میلیون زن آلمانی مورد تجاوز سربازان متفقین (عمدتا سربازان روسی) قرار گرفتند.<sup>2</sup> ده درصد آنها در همان روزها مردند که بیشتر در اثر خودکشی بوده است. در جنگ های داخلی در کشورهای آفریقایی در سطحی غیر قابل تصور زنان به بردگی جنسی گرفته شدند. در خیلی از نمونه ها زنان مورد شکنجه جنسی دسته جمعی مردان دشمن قرار می گرفتند. همه جناح های در جنگ، زنان جناح مقابل را شکنجه جنسی می کردند. این رفتار نیروهای دشمن عمدتاً به عنوان خشونت و رفتار فردی نادرست و غیر اخلاقی تحلیل می شدند. اما بعد از جنگ رواندا و بوسنیا (یوگسلاوی سابق) به اثبات رسید که تجاوز جنسی فقط یک تصمیم فردی و به خاطر لذت و تفریح سربازان انجام نمی شود، بلکه یک نوع استراتژی جنگی است. کاملاً برنامه ریزی شده و سیستماتیک به عنوان یک تاکتیک جنگی استفاده می شود. زن خود یک اسلحه در دست دشمن است. تجاوز، حاملگی اجباری و مثله کردن زنان که اسیر دست دشمن می شوند برنامه ای در جهت ناپاک کردن یک گروه یا ملت، شکستن غرور مردان و نابودی نسل است. بخصوص در جوامعی که تعصبات مردسالارانه از اهمیت خاص برخوردار است و زنان بعنوان ناموس و ملک مردان محسوب می شوند زنان بهترین اسلحه برای درهم شکستن غرور و احساس مردانگی مردان و تضعیف روحیه مبارزه جویانه آنان هستند. به معنای دیگر زن به عنوان اسلحه ای بر علیه مردم خودش و مرد خودی استفاده می شود. این باعث می گردد که زنان علاوه بر دردهای جسمی و روانی ناشی از شکنجههایی که تحمل کرده اند این درد را هم باید با خود حمل کنند که ناموس مرد خود را و در بُعد وسیع تر، حیثیت مردم خود را بر باد داده اند و یا اتیک خود را ناپاک کرده اند. بیشتر این زنان از جامعه طرد می شوند و در تنهایی و خاموشی زجر می کشند. عده ای از آنها که تحمل شان تمام می شود به زندگی خود پایان می دهند. یک بُعد بسیار دردناک این پدیده کودکانی هستند که از این تجاوزها بوجود می آیند. این کودکان سرنوشت شومی انتظارشان را می کشد. آنها سنبل ناپاکی و در هم شکستن تعلق و غرورملی و یا اتیکی قلمداد می شوند. معمولاً کسی پذیرایشان نیست. این کودکان برای زنانی که آنها را به دنیا میآورند یادآور روزها و شب های شکنجه و درد هستند. توان فراموش کردن و پشت سر گذاشتن بدترین تجربیات زندگی را از آنها می گیرند. در بسیاری از موارد کودک تاوان جنایت مردی که او را بوجود آورده است را می پردازد.

یکی از دلایلی که آمار دقیقی از تعداد زنانی که در جنگها خشونت جنسی و فیزیکی را تجربه کرده اند وجود ندارد این است که نود درصد آنان هرگز حرف نمی زنند و همه درد را در سکوت و تنهایی تحمل می کنند. اما پژوهشگران این حوزه معتقدند از آغاز قرن گذشته میلیونها زن در جنگ ها مورد خشونت های شدید قرار گرفته و آسیبهای بسیار شدیدی دیده اند. یک دلیل سکوت زنان این است که صحبت کردن در مورد تجاوز جنسی به معنای دوباره تجربه کردن آن دردها ست و بسیار زجرآور است. دلیل دیگر آن ترس از تجاوزگر و اطرافیان اوست. برای مثال در جنگ های آفریقا و یوگسلاوی سابق در صورت دستگیری، تجاوزگران، زنانی که قربانیان این مجرمان جنگی اند و خواهان شهادت دادن بودند به وسیله تجاوزگران و اطرافیانشان مورد تهدید و ترور روانی قرار می گرفتند و ترس باعث می شد که سکوت کنند و شهادت ندهند.

## بردگی فیزیکی و جنسی زنان

در قرآن به صراحت بیان شده است که زنانی که در جنگ به اسارت سربازان اسلام در میآیند جزو غنایم جنگی

افراد زیادی در وصف فجایع جنگهای دهه نود میلادی به بعد از این جمله جنرال کامرت استفاده کرده اند از جمله ماریس متلادی، رهبر پارلمان 1 زنان پان-آفریقا در یک کنفرانس در آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۱. متلادی برای نقش ایفا کردن زنان در مذاکرات صلح مبارزه میکرد. از دفتر خاطرات ولادمیر گلناند، افسر ارتش اتحاد جماهیر شوروی در کتاب تجاوز در برلین از لوسی اش ۲۰۱۵

هستند و مردان مسلمان اجازه تجاوز به آنها را دارند<sup>3</sup>. در تاریخ اسلام ما می‌خوانیم که در جنگ‌ها زنان به عنوان غنایم جنگی روبرو شده و به بردگی جنسی و فیزیکی گرفته می‌شدند. سربازان می‌توانستند به آنان تجاوز کنند و آنها را به عنوان برده خرید و فروش کنند. بعد از رشد اسلام سیاسی از نیمه دوم قرن بیستم، درست بر طبق سنت صدر اسلام، در جنگ سوریه، عراق، یمن و جنگ‌های داخلی آفریقا، زنان به وسیله مردان گروه‌های مسلمان همچون داعش، بوکوحرام و حشدالشعبی بعنوان غنیمت جنگی روبرو شده و به بردگی گرفته شدند. به روایت زنانی که یا موفق به فرار شدند و یا آزاد شدند، خشونت‌هایی که بر آنان روا شده بسیار وحشتناک بوده است. بارها همچون جنس دست دوم و سوم و یا کهنه تر فروخته شده‌اند. هر چه بیشتر دست بدست می‌شدند ارزانتر فروخته می‌شدند. زنانی بودند که به قیمت زیر ۱۰ دلار فروخته شدند. زنان ایزدی در عراق و سوریه وحشتناک‌ترین چهره اسلام را تجربه کرده‌اند. بارها مورد خرید و فروش اعضای داعش قرار گرفته‌اند. این زنان هم می‌باید به عنوان کنیز در خانه خدمت می‌کردند و هم در هر لحظه که صاحبانشان درخواست می‌کردند باید که در اختیارشان قرار می‌گرفتند. بسیاری از آنان هم زمان برده جنسی چندین مرد بودند. یکی از این زنان برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۱۶، نادیه مراد است. او بعد از فرار از جنگ داعش، در کتاب "آخرین دختر، داستان من از اسارت و مبارزه علیه داعش" خاطرات دوران اسارتش را مستند کرده است. تجربه نادیه بسیار تکان دهنده است. غیر قابل تصور است که موجوداتی بنام مرد بتوانند مرتکب چنین جنایت‌های هولناکی شوند.

در سوریه فروش زنان می‌رفت که به یک شغل برای یکسری مردان تبدیل شود که با شکست خوردن داعش تا حدی جلوی این پدیده برآمده از جنگ عراق و بعد سوریه گرفته شده است. اما نمی‌توان گفت که کاملاً از بین رفته است. زنان سوریه ای داستان‌هایی از تجاوز و آزار جنسی بوسیله گروه حشدالشعبی به رهبری قاسم سلیمانی که مدعی مبارزه با داعش بودند، تعریف می‌کنند. در افغانستان مردان طالبان دختر کودکان را می‌ربایند و یا به قیمت ارزان از پدرانشان خریداری می‌کنند و به برده جنسی تبدیل می‌کنند. در یک سری مناطق ایران و عراق هم این پدیده گزارش شده است.

در مبارزات سیاسی - مدنی با سیستم‌های دیکتاتوری، در بسیاری از کشورهای اسلامی همچون ایران، عراق و افغانستان، حاکمان به زنان زندانی به عنوان اسیر جنگی نگاه می‌کنند. در واقع به محض دستگیری زن به یک غنیمت جنگی تبدیل می‌شود. سربازان اسلام آزار و اذیت زنان زندانی را کاملاً مجاز و درست می‌دانند. آزار جنسی به عنوان یک روش اعتراف‌گیری از زندانی هم استفاده می‌شود. در قانون شریعت بین اسیر جنگی و زندانی سیاسی - عقیدتی تفاوتی نیست. هر دو محارب هستند. تجاوز و تعرض به هر دو مجاز است. به همین دلیل زنان ایران، در طول ۴۵ سال گذشته، در زندانها مورد آزار جنسی زندانبانان و بازجویان قرار گرفته‌اند. عده‌ای از زنان زندانی دهه شصت (هشتاد میلادی)، بعد از سالها توان پیدا کردند که تجربیات دردآور خود را به زبان بیاورند. آنها خاطرات دردناکی از آن روزها بیان می‌کنند. امروز زنان زندانی بیشتر از دهه شصتی‌ها در مورد تجربیات بد خود صحبت می‌کنند. از یک طرف سوسیال‌مدیا امکانات بیشتری برای بیان تجربیات تعرض و تجاوز در زندانها و بازداشتگاهها را ایجاد کرده است و از طرف دیگر در ایران تا حدی تابو بودن موضوع تجاوز شکسته شده است. زنانی همچون نرگس محمدی، دینا قالیباف و بسیاری دیگر در مورد تعرض به خود به صراحت سخن می‌گویند.

## آوارگی و پناهندگی

آوارگی و پناهندگی از پیامدهای دردناک جنگ‌ها و نزاع‌ها هستند. هر سال میلیون‌ها انسان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود می‌شوند و آواره می‌گردند. آنها می‌روند تا از کشته شدن و مورد خشونت قرار گرفتن فرار کنند. آوارها را می‌گذارند و آواره می‌شوند. اما فرار کردن هم چندان کار ساده‌ای نیست.

بر طبق آمار کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۲۳، حدود ۱۱۷/۳ میلیون انسان به اجبار ترک وطن کرده و برای پناهنده‌گی به نقاط دیگر کوچ کرده‌اند. پنجاه درصد پناهندگان زنان هستند. مهاجرت هم برای زنان خطرناکتر از مردان است. بسیاری از این زنان در مسیر راه به وسیله قاچاقچیان انسان، سربازان و دیگر مردانی که سر راهشان قرار می‌گیرند شکنجه جنسی می‌شوند. یکی از نمونه‌ها که از مشاهدات شخصی نویسنده بوده است، زن ۳۵ ساله آفریقایی بود که مجبور شده بود اجازه دهد سربازان مرزی در یکی از کشورهای آفریقایی به مدت سه روز او را در اسارت نگه دارند و به او تجاوز کنند تا خود، سه فرزند و مادر پیرش بتوانند از مرز عبور کنند و خود را به یک کمپ پناهندگی در کشور همسایه برسانند. او دقیقاً بیاد نمی‌آورد که در سه روز به وسیله چند مرد مورد شکنجه قرار گرفته بود. قیمتی که او برای نجات خانواده اش از جنگ پرداخته بود ابتلا به بیماریهای متفاوت بود. او یک زن سی و پنج ساله بود و مجبور بود برای راه رفتن از دو عصا کمک بگیرد. تعداد زیادی از زنان در مسیر فرار، به دلیل شکنجه‌های جنسی، مبتلا به بیماریهای متفاوت، همچون اچ ای وی، و دیگر بیماریهای مقاربتی و همچنین بیماریهای همچون از دست دادن توان کنترل ادرار، آسیب کلیه و روده، و بیماریهای عصبی شده و بیشتر زندگی را در

بیمارستانها بسر می برند. بسیاری از دختران جوان و دختر کودکان به دام دلالتان جنسی میافتند و سر از بازار بردگان جنسی در میاورند. بسیاری از آنان هرگز راه برون رفت پیدا نمی کنند. بارها خرید و فروش می شوند و در چنگ باندهای فروش سکس اسیر می مانند و زمانی که تاریخ مصرف آنها تمام می شود کشته می شوند.



در بسیاری از کشورهای جنگ زده و یا دارای حکومت های دیکتاتوری همچون ایران افرادی هستند که انسانها را به صورت غیرقانونی از مرزها عبور می دهند تا به کشور ثالثی برای پناهندگی مهاجرت کنند. بسیاری از این قاچاقچیان متعلق به باندهای خلافکار هستند. بیرحم و بی تعهدند. تجاوز به زنان در بین آنها بسیار معمولی است. یکی از دردناکترین مشاهدات من خانواده ای بود متشکل از زن و شوهر و دو فرزند که چندین سال قبل تصمیم به مهاجرت از ایران گرفتند. در بین راه می بایست شب را در خانه ای می ماندند و فردای آن روز به راه ادامه می دادند. در آن شب سه مرد شوهر و دو فرزند این خانواده را در یک اتاق حبس کردند و زن را با خود به اتاق دیگری بردند. زن آن شب تا طلوع خورشید به وسیله آن سه مرد مورد شکنجه جنسی غیر قابل بیان قرار گرفت و شوهر در اتاق بغلی صدای ضجه ها و التماس های زنش را می شنید. صبح روز بعد قاچاقچیان آنها را به مرز ترکیه رسانده و در آنجا رها کردند. این خانواده، پس از مدتی و با زجر بسیار، موفق شدند خود را به یک کشور اروپایی برسانند و پناهنده شوند. اما در آن شب شوم زندگی آنان به پایان رسیده بود. آنها دچار مشکلات روحی شدند و سرانجام خانواده کوچک شان از هم پاشید. شوهر مدتی بعد، به زندگی دردناک خود پایان داد. زن که با مشکلات جسمی و روحی زیاد دست و پنجه نرم می کرد بیشتر اوقات را در بیمارستان بسر می برد. فرزندان این خانواده به پرورشگاه و خانواده های نگهدارنده کودکان بی سرپرست سپرده شدند.

زنانی که موفق می شوند خود را به کمپ های پناهندگی برسانند از خطر رهایی پیدا نمی کنند و در کمپ هم در شرایط بسیار اسفناکی بسر می برند. گزارش شده است که در کمپ ها زنان مجبورند از پوشک استفاده کنند چرا که استفاده از توالت و حمام که معمولا گروهی است و عده زیادی از آن استفاده می کنند برابر است با مورد حمله و آزار قرار گرفتن به وسیله مردان. به گزارش پزشکان بدون مرز آمار تجاوز در کمپ های پناهندگی در کشورهای چوچون یونان، لبنان و کشورهای اروپای شرقی بسیار بالاست<sup>4</sup>. این مشکل در کمپ هایی که با چادر درست می شوند شدت بیشتری دارد. در یک سری از کمپ ها کودک دختران و دختران نوجوان دزدیده شده و به دلالتان جنسی فروخته می شوند و به دست برده داران جنسی میافتند. سرنوشت این دختران بسیار شوم و نجات آنها بسیار سخت است<sup>5</sup>.

## تلاش برای محافظت از زنان در جنگ

### طرح زنان، صلح و امنیت

تا قبل جنگ های داخلی آفریقا و یوگسلاوی، در دهه هشتاد و نود میلادی، توجه خاصی به شکنجه زنان در جنگ ها نمی شد و آنها را تخطی فردی سربازان توضیح می دادند. اما جنگ های یوگسلاوی سابق، جنگ های بسیار خونبار آفریقا و بعد عراق، سوریه، یمن و لیبی که نیروهای دشمن به صراحت نشان دادند که شکنجه جنسی و فیزیکی زنان به عنوان یک نوع اسلحه بکار گرفته می شود. بعد از اینکه جنبش های زنان تلاش بسیار زیادی از کنفرانس ناپروبی تا پکن کردند، از بعد از کنفرانس جهانی زنان در پکن در سال ۱۹۹۵، سازمان ملل متحد موضوع امنیت زنان در جنگ و نزاع را در دستور کار قرار داد. نتیجه اش تصویب منشور ۱۳۲۵ در سال ۲۰۰۰ بود. بر اساس منشور

<sup>4</sup> (۲۰۲۱) [www.infomigrants.net/fr](http://www.infomigrants.net/fr) (۲۰۱۷), [www.france24.com](http://www.france24.com)

<sup>5</sup> [www.destinyrescue.org](http://www.destinyrescue.org)

ذکرشده زنان می باید در مذاکراتهای صلح، حفظ صلح و دیگر تصمیم های سیاسی-اجتماعی مشارکت داشته باشند. در تمام پیمان نامه های صلح می باید مسئله برابری جنسیتی و حفظ امنیت زنان گنجانده شود. شورای زنان سازمان ملل متحد "طرح زنان، صلح و امنیت" را به کشورهای عضو پیشنهاد کرد و از آنها تقاضا کرد که طرح را در سطح کشوری خود اجرا کنند.

در سالهای بعد منشورهای دیگری برای اجرای طرح بتصویب سازمان ملل متحد رسیدند. منشور ۱۸۲۰ (۲۰۰۸)، برسمیت شناختن تجاوز جنسی بعنوان یک تاکتیک جنگی، منشور ۱۸۸۸ (۲۰۰۹)، ایجاد تیمی از نماینده های متخصص در سازمان امنیت برای ایجاد راهکارهای قانونی برای جلوگیری از خشونت جنسی علیه زنان، منشور ۱۹۶۰ (۲۰۱۰)، ایجاد یک مکانیزم نظارت و گزارش خشونت علیه زنان در نزاع ها، و منشور ۲۰۱۶ (۲۰۱۳)، مجرم شناختن مردان متجاوز و کسانی که از این تاکتیک در نزاع ها استفاده می کنند. منشور ۲۱۲۲ (۲۰۱۳)، تاکید بر تشخیص دادن انواع خشونت و مبارزه با همه نوع خشونت علیه زنان و ایجاد راهکارهای توانمندی زنان در ایجاد صلح و امنیت بر مبنای برابری جنسیتی دارد. منشور ۲۲۴۲ (۲۰۱۵)، ایجاد یک ارگان غیر رسمی برای بررسی موانع در اجرای "طرح زنان، صلح و امنیت" را پیشنهاد می کند. منشور ۲۴۶۷ (۲۰۱۹)، پیشنهاد می کند که سازمان های غیر دولتی زنان در جهت پیاده کردن "طرح زن، صلح و امنیت" مشارکت داده شوند. دولت ها در تقویت و تخصص کردن سازمان های مذکور بکوشند.<sup>6</sup>

منشورها تاکید بر در نظر گرفتن برابری جنسیتی و جلوگیری از خشونت در قراردادهای صلح بر مبنای "طرح زنان، صلح و امنیت" دارند. در این طرح شرکت درمذاکرات صلح و تصمیمات سیاسی حق مسلم زنان است. بر طبق گزارش انیستیتوی بین المللی صلح حضور زنان در مذاکرات صلح شانس دوام قرارداد صلح به مدت دو سال را ۲۰ درصد و به مدت ۱۵ سال را ۳۵ درصد افزایش میدهد.<sup>7</sup> سازمان های زنان، به عنوان بخشی از جامعه مدنی، بخصوص در مناطق جنگی، تلاش زیادی در پایان دادن به جنگ ها و نقش داشتن در سیاست های صلح گرا و بازسازی ها دارند. با این همه، طی نیم قرن گذشته، تنها در ده از هشتاد و پنج قرارداد صلح مسئله زنان و جنایت هایی که به آنان روا شده مطرح شده است آن هم گذرا. با تمام فشارهای جنبش زنان و حمایت سازمان ملل متحد، قراردادهای صلح مردسالارانه هستند و "طرح زن، صلح و امنیت" تا کنون موفقیتی نداشته است. انستیتوی حقوق بشر کشور نروژ و انستیتوی زنان، صلح و امنیت در دانشگاه جرج تاون امریکا "ایندکس زنان، صلح و امنیت" سال ۲۰۲۳ را منتشر کرده اند که نشان میدهد "طرح زنان، صلح و امنیت" در ۱۷۰ کشور به تصویب رسیده است اما به درستی اجرا نمی شود.<sup>8</sup> بر خلاف تاکید منشور ۱۳۲۵ زنان تنها در ۱۵ درصد مذاکرات صلح تاکنون حق حضور یافته اند.

بر اساس منشورهای تصویب شده، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و دیوان بین المللی کیفری تجاوز و شکنجه زنان را در لیست جرائم جنگی و جنایت علیه بشریت قرار داده اند. مرتکبان به این جرم می باید به عنوان جنایتکاران جنگی مجازات شوند. در سال ۲۰۱۹ دادگاه بین الملل بوسکو ناگاندا<sup>9</sup> را به خاطر استفاده سیستماتیک از تجاوز جنسی به زنان در جنگ داخلی کنگو محکوم کرد. محاکمه ناگاندا چهار سال به طول انجامید. به گفته دادستان دادگاه بین المللی یکی از بزرگترین مشکلات حاضر نشدن زنان به شهادت در دادگاه و بازگو کردن تجربه خود بود. یکی از دلایل این مسئله تابو بودن تجاوز جنسی در بسیاری از مناطق دنیاست. دلیل دوم تهدید شدن قربانی تجاوز و خانواده اش توسط تجاوزگران و اطرافیانشان بود. تا کنون ناگاندا تنها کسی است که به دلیل شکنجه سیستماتیک زنان در دادگاه بین المللی محاکمه شده است. او هرگز جرم را نپذیرفت. هنوز در بسیاری از کشورها هیچ ساز و کار قضایی برای مجازات این مجرمان جنگی وجود ندارد و زنان، حتی اگر بخواهند، هیچ راهی برای پیگیری شکایات خود ندارند. با توجه به اینکه آزار جنسی زنان اسیر جنگی، به هر شکل آن در جنگ ها، در اسلام قانونی است مبارزه با این جنایت جنگی در کشورهای اسلامی بسیار مشکل است. حتی در کشورهای همچون ایران اگر زنان افشاگری کنند خود با پیگرد قانونی روبرو می شوند. مردان هم چندان از زنان و جنبش های زنان که تلاش می کنند با این جنایت علیه زنان مبارزه کنند حمایت نمی کنند و تلاش می کنند از آن عبور کنند. در یک سری گروه ها و اتنیک ها زنانی که تجربه خود را بیان می کنند مورد انتقاد قرار می گیرند که باعث بی آبرویی می شوند و تلاش می شود که بر این جنایت فجیع سرپوش گذاشته شود.

<sup>6</sup> www.unwomen.org

<sup>7</sup> www.peacekeeping.un.org

<sup>8</sup> www.wps.georgetown.edu

<sup>9</sup> بوسکو ناگاندا از گروه اتنیک کونگولس و متولد رواندا بود. در جنگهای و درگیریهای کونگو رواندا، بعنوان فرمانده گروههای شبهه نظامی، نقش کلیدی بازی کرده بود. او در سال ۲۰۱۳ خود را تسلیم دیوان لاهه کرد و در سال ۲۰۱۵ محاکمه شد. از جمله جرمهایی که به او نسبت داده شد بردگی جنسی گرفتن زنان و کودکان، اجازه تجاوز و شکنجه زنان به نیروی شبهه نظامی خود بود. او پسر بچه ها را ربوده و بعنوان سرباز از آنها استفاده میکرد. در ازای شرکت پسر بچه ها در جنگ به آنها یک زن جوان یا به عبارت دیگر یک دختر بچه هدیه میداد.



## مبارزه جنبش‌های فمینیستی



جنبش‌های فمینیستی در بسیاری از کشورهای جهان مبارزه علیه اسارت و شکنجه زنان را در دستور کار خود داده‌اند. در کشورهایی همچون افغانستان، سوریه، فلسطین، یمن، اوکراین و دیگر کشورهای درگیر جنگ زنان تلاش می‌کنند با استفاده از منشورهای سازمان ملل متحد و بخصوص منشور ۱۳۲۵ و " طرح زنان، صلح و امنیت" جلوی این نوع جنایت را بگیرند و مجرمان را وادار به پاسخگویی بکنند. هم چنین تلاش می‌کنند تا در برقراری و حفظ صلح نقش خود را ایفا کنند. شکی نیست که مبارزه بسیار سختی است اما بدون وقفه ادامه دارد.

در کشور ایران زندانیان و بازداشتی‌های زن مورد آزار و شکنجه جنسی قرار می‌گیرند. جنبش فمینیستی ایران و زنان زندانی، از درون و بیرون زندان، مبارزه با این جنایت رژیم را در دستور کار قرار داده و به شکل‌های مختلف، از جمله افشاگری و بیان تجربیات خود، به مبارزه با آن می‌پردازند.

### نتیجه

بر مبنای تقسیم بندی‌های بالا براحتی میتوان نتیجه گرفت که همه کشورهای کم توسعه یک یا چند نوع از جنگ را تجربه کرده ویا هنوز می‌کنند. بسیاری از کشورهای منطقه ما مدام در خطر حمله مسلحانه نیروهای دولتی و یا غیر دولتی همچون گروه‌های شبه نظامی اسلامی قرار دارند. در این میان زنان همیشه در خطر مضاعف زندگی می‌کنند. امکان به اسارت گرفتن شان، حال یا برای بردگی و یا برای حبس کردن در پشت میله‌های زندان، وجود دارد. به معنای دیگر زنان آسیا و افریقا دردهای شان مشترک است. آنان آسیب دیدگان انواع جنگ‌ها هستند بدون اینکه نقشی در بوجود آوردن جنگ ایفا کرده باشند. چه در مناطق جنگی، و یا در مسیر فرار از جنگ و حتا در کمپ‌های پناهندگی زنان در خطر هستند.

مبارزات زنان باعث شد تا تجاوز و شکنجه جنسی و فیزیکی زنان در جنگ‌ها و نزاع‌های داخلی، به عنوان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت به رسمیت شناخته شوند و منشورهای متفاوتی برای جلوگیری از این جنایت‌ها به تصویب سازمان ملل متحد رسیده است. با همه تلاش‌های انجام شده هنوز زنان در بسیاری از کشورهای درگیر جنگ به عنوان اسلحه علیه مردم خود استفاده می‌شوند. این جنایت در کشورهای اسلامی وسعت بیشتری دارد. دلیل آن هم این است که در اسلام زنان جبهه دشمن جزو غنایم جنگی هستند و به بردگی جنسی و فیزیکی گرفتن آنها قانونی است. به این دلیل مبارزه با این جنایت جنگی بسیار مشکل است. در کمترین کشوری ساز و کار لازم برای مجازات مجرمان جنگی وجود دارد و دولت‌ها نیروی زیادی برای پیگیری شکایات استفاده نمی‌کنند.

مشکل دیگر این است که در بسیاری از ملیت‌ها و اتنیک‌ها بیان این دردها تابو است و زنان وادار به سکوت می‌شوند. از طرف دیگر مجرمان و اطرافیان آنها با تهدید و ترور روانی زنان را از دادخواهی باز میدارند.

جنبش‌های فمینیستی در مناطق درگیر جنگ و نزاع داخلی، مبارزه علیه جنایت جنگی علیه زنان را در دستور کار خود دارند. در ایران هم مبارزه علیه آزار و شکنجه جسمی و جنسی زنان زندانی و بازداشتی ادامه دارد.

### منابع:

Henry,N (2007), The Impossibility of Bearing Witness: Wartime Rape and the Promise of Peace,  
[www.pubmedoncbi.nlm.nih.org](http://www.pubmedoncbi.nlm.nih.org)

Mourad.N (2013), The last girl: My Story of Captivity and My Fight Against Islamic State, translated by Jenna Krajeski, Little, Brown Book Group

Peacekeeping Organization (2024), Women's Participation in the Peace Process is not only a Right, it is the Way to Lasting Peace, [www.peacekeeping.org](http://www.peacekeeping.org)

Skjelsbak, I. & Tryggestad, T.L. (2008), Gender, War and Conflict, Oslo, Norway: pax, [www.perio.org](http://www.perio.org)

Pynchon, V. (2011), More Dangerous to be a Woman than a Soldier, [www.forbes.com](http://www.forbes.com)

UNHCR (2024), Refugee Date Finder, [www.unhcr.org](http://www.unhcr.org)

UNwomen Council (2023), Facts and Figures: Women, Peace, and Security, [www.unwomen.org/fact-and-figures](http://www.unwomen.org/fact-and-figures)

\*\*\*\*\*

## زنان و جنگ: نقش‌ها، تجربیات و تأثیرات / دکتر رضوان مقدم، جامعه شناس



### مقدمه

جنگ یکی از پدیده‌های پیچیده و مخرب تاریخ بشری است که همواره تأثیرات گسترده‌ای بر جوامع انسانی داشته است. در این میان، نقش زنان در جنگ‌ها و تأثیرات جنگ بر زندگی آنان، موضوعی است که به دلیل نگاه جنسیتی غالب، اغلب نادیده گرفته شده است. زنان در طول تاریخ و در جنگ‌ها نقش‌ها و تجربیات متنوع، دردناک و پیچیده‌ای را تجربه کرده‌اند، از سربازی، جاسوسی و پرستاری گرفته تا تحمل خشونت‌های جنسی، تجاوز، بردگی و تلاش برای بقا. زنان از یک طرف در طی جنگ‌ها برای مقابله با متجاوزان عاملیت داشته و از طرف دیگر قربانی جنگ‌هایی بوده و هستند که خود نقشی در بروز آن ندارند. تأثیرات جنگ بر زنان نه تنها شامل تأثیرات جسمی و روانی است، بلکه ابعاد اجتماعی و اقتصادی نیز دارد. این مقاله به بررسی نقش‌ها، تجربیات و تأثیرات جنگ بر زنان می‌پردازد و سعی دارد تا با استفاده از منابع معتبر، دیدی عمیق‌تر و دقیق‌تر از این موضوع ارائه دهد.

### نقش زنان در جنگ

زنان معمولاً در ایجاد جنگ‌ها نقش مستقیم و عمده‌ای ندارند، زیرا تصمیم‌گیری‌های مربوط به جنگ اغلب توسط رهبران سیاسی و نظامی که عمدتاً مردان هستند، گرفته می‌شود. زنان می‌توانند از طریق نقش‌های اجتماعی و فرهنگی خود، به تقویت یا کاهش تنش‌های اجتماعی کمک کنند. به عنوان مثال، زنان ممکن است از طریق آموزش و ترویج صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، به کاهش تنش‌ها کمک کنند. از دوران باستان تا کنون، زنان در جبهه‌های مختلف جنگی حضور داشته‌اند و نقش‌های مختلفی ایفا کرده‌اند. این نقش‌ها شامل سربازان، پرستاران، جاسوسان، تولیدکنندگان مهمات و حتی رهبران نظامی بوده است.

در طول تاریخ، زنان در برخی از جنگ‌ها به عنوان سربازان حضور داشته‌اند. به عنوان مثال، در دوران جنگ جهانی دوم، تعداد زیادی از زنان شوروی در ارتش سرخ به عنوان تک‌تیراندازان و خلبانان جنگی خدمت کردند. کتاب "زنانی که جنگیدند" نوشته لین اولسون و استنلی کلود به بررسی نقش زنان در جنگ جهانی دوم می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه زنان شوروی به عنوان یکی از موثرترین نیروهای جنگی در جبهه‌های مختلف حضور داشتند.

یکی دیگر از برجسته‌ترین نقش‌های زنان در جنگ‌ها، نقش پرستاران بوده است. در طول جنگ‌های مختلف، زنان به عنوان پرستاران و مراقبان مجروحان جنگی خدمت کرده‌اند. فلورانس نایتینگل به عنوان یکی از معروف‌ترین پرستاران جنگ کریمه شناخته می‌شود که با نوآوری‌های خود در مراقبت از مجروحان، تحولی در نظام پزشکی جنگ ایجاد کرد. (وودهام اسمیت، ۱۹۵۱)

جنگ ایران و عراق که از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ به طول انجامید، یکی از خونبارترین و طولانی‌ترین جنگ‌های قرن بیستم بود. در این جنگ، زنان نیز نقش‌های مختلفی ایفا کردند، از جمله به عنوان پرستار، که به مراقبت و درمان مجروحان جنگی می‌پرداختند. برخی از این زنان در طول خدمت خود در جنگ کشته شدند.

### استفاده از زنان به عنوان جاسوس

زنان نیز در نقش جاسوسان جنگی فعالیت‌های قابل توجهی داشته‌اند. به عنوان مثال، ماتا هاری، رقاص و جاسوس مشهور هلندی در جنگ جهانی اول به عنوان یکی از معروف‌ترین جاسوسان زن شناخته می‌شود. نقش او در جاسوسی و تأثیرات فعالیت‌هایش بر روند جنگ، موضوع بسیاری از پژوهش‌ها و کتاب‌ها بوده است (۱۹۸۶ه‌اوه)

در طول جنگ جهانی دوم، زنان نقش‌های مختلفی ایفا کردند، از جمله فعالیت به عنوان جاسوسان که نقشی حیاتی و تاثیرگذار در تلاش‌های جنگی ایفا نمودند. بسیاری از زنان با شجاعت و مهارت‌های جاسوسی خود به جمع‌آوری اطلاعات و انتقال آن‌ها به نیروهای متفقین کمک کردند. برخی از این زنان به دلیل شجاعت خود شهرت جهانی یافتند. نانسی ویک، معروف به "موش سفید"، یکی از برجسته‌ترین جاسوسان زن جنگ جهانی دوم بود. او به عنوان عضو مقاومت فرانسه فعالیت می‌کرد و با شجاعت و مهارت‌هایش نقش مهمی در جمع‌آوری اطلاعات و سازماندهی عملیات‌های مقاومتی داشت. نانسی ویک در عملیات‌های متعدد جاسوسی و تخریبی علیه نیروهای نازی شرکت داشت و به دلیل شجاعتش چندین بار مورد تعقیب نازی‌ها قرار گرفت. (فیتز سیمونز، پی ۲۰۰۲)

ورا اتکینز یکی از مهم‌ترین عوامل سازمان اس او ای بود که در هماهنگی و اعزام جاسوسان به فرانسه نقش حیاتی داشت. او پس از جنگ به بررسی سرنوشت جاسوسان مفقود شده پرداخت و تلاش کرد تا حقیقت درباره‌ی کسانی که در خدمت مقاومت فرانسه به اسارت درآمده بودند را کشف کند. (هلم، اس. ۲۰۰۵)

### نقش اقتصادی زنان در جنگ‌ها

نقش اقتصادی زنان در جنگ‌ها بسیار گسترده و متنوع بوده است. در طول جنگ‌های مختلف، زنان در حوزه‌های مختلف اقتصادی نقش‌های حیاتی ایفا کرده‌اند که به پشتیبانی از تلاش‌های جنگی و همچنین حفظ اقتصاد ملی کمک کرده است. در طول جنگ‌های جهانی اول و دوم، زنان نقش حیاتی در حفظ اقتصاد ملی و پشتیبانی از تلاش‌های جنگی ایفا کردند. با اعزام مردان به جبهه‌های جنگ، زنان وارد بازار کار شدند و در صنایع مختلف از جمله تولید مهمات، کشاورزی و خدمات حمل و نقل مشغول به کار شدند. (گلدشتاین، ۲۰۰۱)

زنان در حوزه کشاورزی و تولید مواد غذایی نیز نقش مهمی ایفا کردند. در بریتانیا و در جنگ‌های جهانی اول و دوم زنان در مزارع کار می‌کردند تا تولید مواد غذایی را حفظ کنند. در جنگ ویتنام، زنان ویتنامی در حمایت از تلاش‌های جنگی و حفظ اقتصاد ملی نقش‌های مختلفی ایفا کردند. آن‌ها در مزارع کار می‌کردند، به تولید مواد غذایی و تجهیزات نظامی مشغول بودند و حتی در جبهه‌های جنگ به عنوان پرستار و پشتیبان عمل می‌کردند. زنان ویتنامی در تولید مواد غذایی نقش اساسی داشتند و با کار در مزارع، تأمین مواد غذایی برای سربازان و مردم غیرنظامی را تضمین می‌کردند. (ترنر، کی سی ۱۹۹۸)

در جنگ ایران و عراق، زنان ایرانی نقش‌های اقتصادی مهمی ایفا کردند. با اعزام مردان به جبهه‌های جنگ، زنان وارد بازار کار شدند و در صنایع مختلف از جمله تولیدات صنعتی، کشاورزی و خدمات اجتماعی فعالیت کردند. زنان در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها به تولید محصولات مختلف از جمله پوشاک و مواد غذایی مشغول شدند. آن‌ها همچنین در صنایع دستی و تولیدات کوچک نیز نقش مهمی ایفا کردند. (معظمی، ف. ۲۰۰۲)

نقش اقتصادی زنان در جنگ‌ها بسیار حیاتی و تاثیرگذار بوده است. زنان با ورود به بازار کار و انجام وظایف مختلف اقتصادی، نقش مهمی در پشتیبانی از تلاش‌های جنگی و حفظ اقتصاد ملی ایفا کرده‌اند. این تجربیات نه تنها به

تغییر نقش زنان در جامعه و افزایش مشارکت آنان در بازار کار منجر شده است، بلکه به شناخت بهتر توانایی‌ها و ظرفیت‌های زنان در شرایط بحرانی نیز کمک کرده است. با وجود تمام تلاش‌های زنان برای بهبود شرایط زیست در جبهه‌ها و پشت جبهه آنها بیشترین آسیب‌ها را متحمل می‌شوند.

### **تجربیات زنان در جنگ**

تجربیات زنان در جنگ‌ها نیز بسیار متنوع و پیچیده است. این تجربیات شامل تحمل سختی‌ها و مصائب جنگ، تحمل خشونت‌های جنسی و جسمی، از دست دادن عزیزان و تلاش برای بقا در شرایط بحرانی می‌شود.

یکی از تلخ‌ترین تجربیات زنان در جنگ‌ها، مواجهه با خشونت‌های جنسی است. زنان به عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها در جنگ‌ها، اغلب هدف تجاوز و خشونت‌های جنسی قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، در طول جنگ بوسنی، تجاوز به زنان به عنوان یک سلاح جنگی استفاده شد و هزاران زن بوسنیایی قربانی این جنایات شدند. (استیگلمایر، ۱۹۹۴)

در طول جنگ ویتنام (۱۹۷۵-۱۹۵۵)، تعداد زیادی از زنان و دختران ویتنامی به طور سیستماتیک مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند. این جنایات‌ها به‌ویژه در مناطق روستایی که تحت کنترل یا نفوذ نیروهای نظامی آمریکایی بودند، به وقوع پیوست. یکی از معروف‌ترین موارد تجاوز جنسی و قتل‌عام در جنگ ویتنام، حادثه مای لای در سال ۱۹۶۸ بود. در این حادثه، سربازان آمریکایی به روستای مای لای حمله کرده و صدها زن، کودک و مرد را به قتل رساندند. زنان و دختران بسیاری پیش از قتل مورد تجاوز قرار گرفتند. (بیلتون، ام و سیم ۱۹۹۲)

زنان و دختران ویتنامی که مورد تجاوز قرار گرفتند، با عوارض جسمی ناشی از تجاوز مانند بیماری‌های مقاربتی و جراحات فیزیکی مواجه شدند. علاوه بر این، تأثیرات روانی شامل افسردگی، اضطراب و اختلال استرس پس از سانحه بود که بسیاری از قربانیان را تا پایان عمر تحت تأثیر قرار داد.

حمله داعش به مناطق ایزدی‌نشین در شمال عراق در سال ۲۰۱۴ یکی از هولناک‌ترین جنایات قرن بیست و یکم بود. داعش با تصرف این مناطق، هزاران زن و دختر ایزدی را به اسارت گرفت و آن‌ها را به عنوان برده جنسی مورد استفاده قرار داد. این جنایات‌ها نه تنها نقض فاحش حقوق بشر بود، بلکه به طور گسترده‌ای به عنوان نسل‌کشی شناخته شد. داعش هزاران زن و دختر ایزدی را به اسارت گرفت. این زنان به عنوان برده جنسی فروخته و مورد سوءاستفاده‌های جنسی قرار گرفتند. برخی از آنها نیز مجبور به ازدواج با جنگجویان داعش شدند. زنان ایزدی به بازارهای برده‌فروشی داعش در شهرهای مختلف منتقل شدند و به عنوان برده جنسی فروخته شدند. این جنایات‌ها به طور گسترده‌ای مستندسازی شده و بسیاری از بازماندگان شهادت داده‌اند که چگونه مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند. بسیاری از بازماندگان این جنایات‌ها توانسته‌اند فرار کنند و تجربیات وحشتناک خود را بازگو کنند. شهادت‌های آنان نقش مهمی در مستندسازی این جنایات‌ها داشته است.

از جمله نادیا مراد، یکی از بازماندگان ایزدی، تجربیات خود را در کتابی به نام "دختری از سنچار" بازگو کرده است. او پس از فرار از اسارت، به یک فعال حقوق بشر تبدیل شد و به‌طور گسترده‌ای درباره جنایات‌های داعش صحبت کرده است. نادیا مراد در سال ۲۰۱۸ جایزه نوبل صلح را به دلیل تلاش‌هایش برای مبارزه با خشونت جنسی در جنگ دریافت کرد.

تجاوز جنسی به زنان تأثیرات جسمی و روانی عمیقی بر زنان دارد. بسیاری از زنان پس از تجاوز با عوارض جسمی و بیماری‌های مختلف مواجه می‌شوند. همچنین، تأثیرات روانی ناشی از تجاوز، شامل افسردگی، اضطراب، و استرس پس از سانحه خواهد داشت.

### **از دست دادن عزیزان**

زنان در جنگ‌ها نه تنها خود با خطرات و مصائب جنگ مواجه می‌شوند، بلکه اغلب عزیزان خود را نیز از دست می‌دهند. این از دست دادن‌ها می‌تواند شامل همسران، فرزندان، پدران و برادران باشد. تجربیات زنانی که عزیزان خود را در جنگ از دست داده‌اند، در بسیاری از روایت‌های تاریخی و ادبی به تصویر کشیده شده است. به عنوان مثال، در کتاب "وداع با اسلحه" نوشته ارنست همینگوی، تجربه از دست دادن عزیزان در جنگ جهانی اول به شکلی تأثیرگذار به تصویر کشیده شده است.

### **تلاش برای بقا**

زنان در جنگ‌ها با وجود تمامی سختی‌ها و مصائب، همواره تلاش می‌کنند تا خود و خانواده‌هایشان را در شرایط بحرانی حفظ کنند. این تلاش‌ها می‌تواند شامل تامین مواد غذایی، مراقبت از مجروحان، محافظت از کودکان و حتی

مشارکت در فعالیتهای مقاومتی باشد. کتاب "بادبادک باز" نوشته خالد حسینی به خوبی تجربه تلاش زنان افغان برای بقا در شرایط جنگی را به تصویر می‌کشد. (حسینی، ۲۰۰۳) علاوه بر این یکی از وظایف اصلی زنان در جنگ‌ها حفاظت از کودکان در برابر خطرات مستقیم جنگ مانند بمباران‌ها، حملات نظامی و خشونت‌های مسلحانه است. زنان در جنگ‌ها نقش‌های حمایتگری حیاتی و چندگانه‌ای در حفاظت از کودکان ایفا می‌کنند. زنان تلاش می‌کنند تا کودکان را به مناطق امن منتقل کنند و از آسیب‌های فیزیکی آنها جلوگیری کنند، همچنین تامین نیازهای اساسی، ارائه حمایت عاطفی و روانی، ایجاد محیط‌های امن و پایدار، و حفظ و انتقال فرهنگ و هویت، به بقای کودکان و تقویت جوامع شان کمک می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

زنان در طول تاریخ جنگ‌ها نقش‌های مهم و متنوعی ایفا کرده‌اند و تجربیات و تاثیرات جنگ بر آنان بسیار گسترده و پیچیده است و شامل تاثیرات جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود. از نقش‌های سربازی و پرستاری گرفته تا تجربیات تلخ خشونت‌های جنسی و تلاش برای بقا، زنان همواره در میانه جنگ‌ها حضور داشته‌اند و تاثیرات جنگ بر آنان همواره چندوجهی بوده است. با توجه به این واقعیت‌ها، لازم است که در مطالعات جنگ و صلح، به نقش و تجربیات زنان توجه ویژه‌ای شود و حمایت‌های لازم برای کاهش تاثیرات منفی جنگ بر آنان فراهم گردد.

ژوئیه ۲۰۲۴

### منابع

- Buvinić, M., Das Gupta, M., Casabonne, U., & Verwimp, P. (2013). Violent Conflict and Gender Inequality: An Overview. *The World Bank Research Observer*, 28(1), 110-138.
- Bilton, M., & Sim, K. (1992). *Four Hours in My Lai*. Penguin Books
- Enloe, C. (2000). *Maneuvers: The International Politics of Militarizing Women's Lives*. University of California Press.
- FitzSimons, P. (2002). *Nancy Wake: A Biography of Our Greatest War Heroine*. HarperCollins Publishers.
- Goldstein, J. S. (2001). *War and Gender: How Gender Shapes the War System and Vice Versa*. Cambridge University Press.
- Helm, S. (2005). *A Life in Secrets: Vera Atkins and the Missing Agents of WWII*. Nan A. Talese
- Hemingway, E. (1929). *A Farewell to Arms*. Charles Scribner's Sons.
- Hosseini, K. (2003). *The Kite Runner*. Riverhead Books.
- Howe, R. (1986). *Mata Hari: The True Story*. Dodd, Mead & Company.
- Marwick, A. (1965). *The Deluge: British Society and the First World War*. Bodley Head.
- Moazami, F. (2002). *War and Women in Iran: From War Widows to Entrepreneurs*. Middle East Report.
- Mollica, R. F., McInnes, K., Poole, C., & Tor, S. (1998). Dose-effect relationships of trauma to symptoms of depression and post-traumatic stress disorder among Cambodian survivors of mass violence. *British Journal of Psychiatry*, 173, 482-488.
- Olson, L., & Cloud, S. (2001). *A Question of Honor: The Kosciuszko Squadron: Forgotten Heroes of World War II*. Knopf.
- Stiglmeier, A. (Ed.). (1994). *Mass Rape: The War against Women in Bosnia-Herzegovina*. University of Nebraska Press.
- Turner, K. C. (1998). *Even the Women Must Fight: Memories of War from North Vietnam*. Wiley.
- Woodham-Smith, C. (1951).

\*\*\*\*\*

## اثرات نامتناسب جنگ و درگیری بر زنان و دختران/نوشته: هاتی فلبر/ترجمه: پروین عرفانی



### ۱. مقدمه

«اغلب، دینامیک تناقضات جنسیتی، انعکاس در فرهنگ سکسیستی و جنسیتی دارند: از مردان انتظار می رود بجنگند و زنان مجبور به فرار می شوند.»

در زمان جنگ در اقصی نقاط جهان، زنان و دختران بیش از همه آسیب پذیر هستند. به هنگام جنگ، نابرابری‌ها افزایش می یابند، زیرساخت‌ها و روابط اجتماعی متغیر می‌شوند و حقوق مدنی و شهروندی در معرض خطر قرار می گیرند. به دلیل مجموعه ای از این عوامل، زنان عواقب و لطمات پایدار حاصل از جنگ و درگیریها را متحمل می شوند. زنان به انواع و اشکال مختلف و متعدد از وقوع جنگها و درگیریها رنج می برند. عدم دسترسی به منابع غذایی، نداشتن امنیت، جابجایی و آوارگی، افزایش قاچاق انسانی و اختلال در دسترسی به مراقبت های پزشکی و بهداشتی از جمله مصائبی هستند که زنان با آنها درگیر می شوند. از طرف دیگر، علی‌رغم داده های موجود حاکی از موفقیت زنان در پیشبرد مذاکرات صلح، زنان عموماً از شراکت در مذاکرات صلح و پیشگیری از درگیریها کنار گذاشته میشوند. به علاوه، زنان توسط طرفین درگیر در جنگها مورد تجاوز و تعرض جنسی قرار میگیرند. در طی تاریخ، تجاوزات سیستماتیک جنسی از جمله تاکتیک های جنگی به شمار آمده است. علی رغم آنکه زنان مشارکت مستقیم حداقلی در جنگها دارند، آنها بیشترین صدمات را متحمل می شوند. بسیاری از این مسائل، پیامدهای بلند مدت جنگها در سده های گذشته هستند که متأسفانه بهبود قابل توجهی نیافته اند. در حالی که تلاش های کنونی سازمان ملل متحده و سایر عوامل بین المللی حائز اهمیت هستند، اما در جنگها و درگیریها آینده، زنان و کودکان باید از حمایت های بیشتر و اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از تاثیرات نامتناسب جنگ برخوردار شوند.

در بخش اول این مقاله به تفصیل به عدم دسترسی زنان به منابع غذایی در زمان جنگ، نداشتن امنیت، جابجایی و آوارگی، افزایش قاچاق انسانی و اختلال در دسترسی به مراقبت های باروری و بهداشتی پرداخته می شود. بخش دوم به بررسی طرد تاریخی زنان از مذاکرات صلح می پردازد. در بخش سوم بحران جاری زنان و دختران در اوکراین مورد بحث قرار می گیرد. در پایان، بخش چهارم، قطعنامه‌ها، برنامه‌ها و حمایت‌های سازمان ملل متحد مرور می شود.

### ۲. ناامنی غذایی و قحطی در زمان جنگ

گرسنگی «هم علت و هم نتیجه» درگیری و جنگ است. در مناطقی که گرفتار بحرانهای غذایی هستند، درگیری و جنگ عامل اصلی گرسنگی است. جنگ و درگیری اغلب کشاورزان را آواره می کند، محصولات کشاورزی را از بین می برد، بازارهای مواد غذایی را مختل می کند و قیمت آنها را افزایش می دهد. بسیاری از این اختلالات، به طور نامتناسبی، بر زندگی زنانی که ۶۰ تا ۸۰ درصد مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه، و بیش از ۵۰ درصد مواد غذایی در جهان را تولید می کنند، اثرات مخرب و تباہ کننده دارند. اختلال و گسیختگی در نقش قاطع و حیاتی زنان در سیستم های تولید غذایی علاوه بر آنکه تولید مواد غذایی را بهم می ریزد بلکه زنان را در معرض ناامنی و عدم دسترسی به غذا قرار میدهد. هرچند تعدد قحطی ها در جهان کاهش یافته است، اما جنگ و درگیریهای طولانی مدت به طور فزاینده ای عامل افزایش ناامنی غذایی، گرسنگی و سوء تغذیه هستند. اغلب، تصمیم گیری در مورد منابع غذایی و جیره بندی، در شرایط جنگی، بسیار دشوار می شود. نتیجتاً، این زنان هستند که، به عنوان نان آور اصلی، می باید برای خود، خانواده و فرزندانشان غذا تهیه کنند.

گروهی از زنان که تحت چنین شرایطی بیش از پیش آسیب پذیر هستند زنان باردار و مادران شیرده هستند. رژیم غذایی متعادل و منابع غذایی مطمئن برای داشتن شیر سالم و مغذی مادران شیرده بسیار مهم است. اگر مادر تغذیه کافی نداشته باشد، کیفیت شیر پایین می آید. در شرایط اضطراری مانند جنگها و درگیریها، تغذیه با شیر مادر برای محافظت از زندگی نوزادان، به دلیل وجود آنتی بادی ها در شیر مادر، از اهمیت حیاتی برخوردار است. آنتی بادی های موجود در شیر مادر، نوزادان را در برابر بیماری هایی مانند ذات الریه، که علت اصلی مرگ و میر کودکان در سراسر جهان است، محافظت میکند. در زمان جنگ، اغلب سیستمهای بهداشتی و امنیتی مختل میشوند و نوزادان در برابر بیماری و عفونت، آسیب پذیرتر می شوند. در واقع، در سال ۲۰۲۱، یک میلیون مادر باردار و شیرده «به شدت دچار سوءتغذیه» بوده اند، رقمی که اگر اقدامی در این زمینه صورت نگیرد، افزایش خواهد یافت. تغذیه برای مادر و نوزاد هر دو، حائز اهمیت بسیار است؛ سوء تغذیه زنان باردار و نوزادان را در معرض خطرات جدی قرار میدهد. جنگها و درگیری ها ناامنی غذایی، خطر گرسنگی و فحطی را برای زنان و کودکانی که در درگیریهای متقابل گرفتار شده اند تشدید می کند.

### ۳. آوارگی زنان و کودکان در زمان جنگ



"اکثریت قاطع" افرادی که در جنگها و درگیری ها مجبور به جا به جایی شده و آواره میشوند، زنان و کودکان هستند. در سال ۲۰۲۲، آمار آوارگان در سطح جهان به بیش از ۱۰۰ میلیون نفر افزایش یافت که رکورد تازه ای است. این عدد نشان دهنده یک روند صعودی آوارگان جنگی نسبت به سال گذشته به دلیل جنگ، خشونت و درگیریهای بلند مدت در اوکراین، اتیوپی، سوریه و میانمار است.

اغلب در موقع جنگ و درگیری، از مردان انتظار می رود بجنگند و زنان مجبور به فرار میشوند. در چنین مواردی، تامین امنیت اعضا خانواده تنها بر دوش زنان می افتد.

اگر زنان فرار نکرده و سرپناهی برای خود پیدا نکنند، با مشکلات و آسیب هایی مانند خطرات جسمی، جنسی و حتی مرگ مواجه می شوند. مضاف بر این، بسیاری از کسانی که به دلیل جنگ و درگیری جابجا و آواره شده اند، اصلا قادر به برگشت نیستند. در واقع، در سال ۲۰۲۱، کمتر از ۶ درصد از کل جمعیتی که به ناچار جابجا و آواره شده بودند، به کشور قبلی محل سکونت خود بازگشتند.

این بدان معناست که جابجایی و آوارگی به دلیل جنگ و شرایط اضطراری می تواند خانواده ها را در بلند مدت یا حتی به طور دائم از هم جدا کند. چنین شرایطی می تواند منجر به بروز آسیبهای جدی و پایدار در کودکان شود. تاریخ نشان می دهد که جدا کردن کودکان از سرپرست های اصلی آنها، اغلب مادران، باعث "آسیبهای پایدار" در آنها می شوند. به عنوان نمونه، در جنگ جهانی دوم کودکانی که از سرپرستان خود دور افتاده بودند، بیش از کودکانی که بمبارانها را تجربه کرده بودند، آسیب دیدند. نتیجتاً، میتوان اهمیت باورنکردنی وابستگیهای خانوادگی و آسیب های پایدار ناشی از جدایی از خانواده را، خاصه در شرایط اضطراری مانند جنگ، استنباط کرد. در انتهای این مقاله، اشاره ای میکنیم به فعالیت «صندوق جمعیت سازمان ملل متحد» که دختران و زنان باردار بسیاری را که برای حفظ جان خود مجبور به فرار می شوند، تحت حمایت خود دارد. اما اینگونه صندوق ها مطمئن برای دختران و زنان باردار بسیار نادر هستند.

#### ۴. افزایش قاچاق انسانی و خشونت جنسیتی در زمان جنگ



تاریخ شهادت می‌دهد که نرخ خشونت جنسیتی و قاچاق انسانی در زمان جنگ و درگیری به علت «تضعیف حاکمیت قانون و افزایش بی‌ثباتی و فقر» بالا می‌رود. شرایط ناستوار ناشی از جنگ، به افزایش جابجایی و آوارگی و بی‌نظمی عمومی می‌انجامد که خود زمینه را برای قاچاق افرادی که آسیب‌پذیر هستند، مانند زنان و کودکان، فراهم می‌کند. آوارگان جنگ، غالباً با خشونت، فقر، جدایی از خانواده، قرار گرفتن در شرایط بی‌قانونی، کمبود و یا عدم دسترسی به آموزش و پرورش روبرو میشوند، که اجازه رشد قاچاق انسان‌ها را افزایش می‌دهد. به علاوه، این افراد که چاره‌ای به جز گریز از جنگ و عواقب آن ندارند، توسط قاچاقچیان که قول حمایت و امنیت به آنان می‌دهند، مورد سواستفاده قرار می‌گیرند.

قاچاق انسانی اشکال مختلفی از جمله، کار اجباری، بردگی خانگی، کودک‌سربازی، قاچاق جنسی، و ازدواج اجباری به خود می‌گیرد. وجه مشترک کلیه موارد فوق، ویژگی استثمارگری آنهاست. امکان اعمال استثمار، در طول تاریخ، ناشی از نابرابری‌های ساختاری، تبعیض‌های جنسیتی و نژادی، فقر و ناکارآمدی سیستم‌های حمایتی از کودکان بوده است. این وضعیت اجازه انجام مذاکرات صلح و امکان بازگشت به صلح و امنیت را مختل می‌کند.

با وجودی که «پروتکل قاچاق انسانی سازمان ملل متحد»، قاچاق افراد با هدف ازدواج اجباری را به صراحت به عنوان نوعی از قاچاق انسانی به رسمیت نشناخته است، این عمل، اما، توسط بسیاری از گروه‌های حقوق بشری، به دلیل نداشتن اختیار و رضایت کامل حداقل یکی از طرفین، به عنوان قاچاق انسانی تلقی می‌شود. این شکل از استثمار در بیشتر مواقع زنان و دختران را، با توسل به بهانه‌های عامیانه‌ی مثل «جایگاه زن» در معرض خشونت، تعرض و درماندگی قرار می‌دهد. این فجایع در حاشیه جنگ‌ها و درگیری‌ها و به واسطه فقر و ناامیدی به وقوع می‌پیوندند. برخی از خانواده‌ها به نظرشان می‌رسد که راه حل تامین مخارج دیگر اعضا خانواده رضایت به ازدواج دخترانشان در ازاء دریافت مبلغی پول است. در شرایط سخت و خشن اجتماعی اقتصادی، یک نان‌خور کمتر داشتن در ازاء مبلغی بابت شیر بها، انتخابی است که قاچاقچیان انسان پیش پای خانواده‌های مستاصل قرار می‌دهند.

#### ۵. اختلال در دسترسی به مراقبت‌های باروری و بهداشتی در زمان جنگ

فروپاشی زیرساخت‌های اجتماعی در زمان جنگ آثار ویران‌کننده‌ای بر دسترسی زنان به مراقبت‌های باروری و بهداشتی نیز دارد. جنگ اغلب زیرساخت‌های بهداشتی را از هم فرو می‌پاشد: بیمارستان‌ها بمباران می‌شوند، پرسنل متخصص خسته و فرسوده می‌شوند، کادر بهداشتی کاهش می‌یابد، و سرویس‌های برق، آب، جمع‌آوری زباله و تدارکات مختل میشوند. تحت این اوضاع ارائه خدمات باروری، یا در اولویت نیستند و یا اصلاً نمی‌توانند محلی از اعراب داشته باشند. چون وجود اینگونه شرایط خطرناک منجر به بارداری‌های امن و سالم نمی‌شوند، بسیاری از زنان و دخترانی که دسترسی مرتب به خدمات پزشکی باروری ندارند متحمل سختی‌های بسیار می‌شوند.





صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA)، از مجموع بیمارستانهای پا بر جای این کشور، فقط ۲۰ درصد مجهز به ارائه خدمات بهداشتی مادر و کودک هستند. در یمن تقریباً هر دو ساعت یکبار یک زن هنگام زایمان جان خود را از دست میدهد در حالی که کم و بیش همه این گونه موارد قابل پیشگیری هستند. دیگر نمونه‌های تاریخی اینگونه آزارها و سوءاستفاده‌های هولناک علیه زنان و کودکان، کشتن بیش از یک میلیون کودک در هولوکاست و قتل و یا تجاوز به بسیاری از زنان و کودکان در نسل‌کشی رواندا است. اغلب زنانی که از این جنایات جان سالم به در برده‌اند باید تا پایان عمر با "تصاویر روشن و هولناک تجاوز، جنگ و مرگ" دست و پنجه نرم کنند. علاوه بر این، بسیاری از این زنان قربانی، از بیماریهای مقاربتی، حرف و کنایه‌های دیگران و بارداریهای ناخواسته رنج می‌برند. مشکلاتی که امکان کاهش آنها در صورت دسترسی مناسب به خدمات بهداشتی و مراقبت‌های باروری می‌تواند وجود داشته باشد.

#### ۶. حذف تاریخی زنان از مذاکرات صلح

گرچه این زنان هستند که بیش از دیگران گرفتار مصائب جنگ‌اند، اما آنها اغلب از مشارکت در مذاکرات صلح و پیشگیری درگیرها طرد میشوند. بنا به گزارش نهاد «زنان» سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۲۰، زنان فقط ۲۳٪ مذاکره‌کنندگان صلح تحت نظر سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دادند. همچنین، در سال ۲۰۲۰، در کشورهایی که گرفتار جنگ و درگیری بوده و یا آنهايي که در حال بازسازی هستند فقط ۱۹٪ مناصب انتخابی در اختیار زنان بوده است. اگرچه پژوهشهای انجام شده نگاهی بکنیم در می‌یابیم که این رقم، درصد بسیار دلسردکننده‌ایست. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مذاکرات صلح انجام شده توسط زنان از «تداوم بیشتر، امکان اجرایی موثرتر و تا ۶۴٪ امکان شکست کمتر» برخوردارند. نیاز به بهره‌مند شدن از نیروی زنان در این زمینه‌ها می‌تواند کارساز باشد.

دلایل متعددی را میتوان برای تاثیر و تداوم صلح مذاکره شده توسط زنان بیان کرد. اولاً، شیوه‌ی زنان در مذاکرات صلح نشانگر آنست که آنها همگرایی بیشتری با فرهنگها و قومیت‌های متفاوت دارند. روش پذیرا بودن تفاوت‌های قومیتی، تداوم توافق‌های صلح را استحکام بیشتری می‌دهد. دوماً، طرفین مذاکرات معمولاً زنان را «واسطه‌های شریفی» میدانند که خودشان به توافق رسیدن را بالا می‌برد. زنان اصولاً خارج از چارچوب حاکم و ساز و کار قدرت بوده و ابزار آن را کنترل نمیکنند و لذا دیگران آنان را میانجیگران بی‌طرف تری میدانند. سوماً، مضاف بر تکیه بر نکات معمول در مذاکرات مانند اصلاحات سیاسی و قانونی، بهبود معضلات اقتصادی اجتماعی، و نگرانیهای عدالت انتقالی، زنان احتمالاً توجه بیشتری به مسائل اجتماعی، که می‌تواند تداوم صلح را در بلندمدت امکان‌پذیر کند، دارند. نهایتاً، زنان تلاش میکنند منابع موجود را برای بازسازی نهادهای همگانی مانند مدارس، مراکز بهداشتی، تامین آب و مواد غذایی و واحدهای قضایی تخصیص دهند. اما مذاکرات صلح، همواره کار حاکمان، روشنفکران و آقایان بوده است. بین سالهای ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۹، به طور متوسط، در سطح جهان، فقط ۱۳٪ از مذاکره‌کنندگان، ۶٪ میانجیگران و ۶٪ امضاکنندگان توافق‌های صلح زن بوده‌اند. از جمله دلایل حاکم بر این مسئله این است که به زنان همواره با دید «قربانیان» جنگ که باید حمایت شوند و نه با دید «عاملان تغییر صلح» نگاه میشود. این نگاه خود عامل ایجاد موانعی در برابر تلاش برای حذف خشونت علیه زنان در زمان جنگ و بعد از جنگ است. زنان به واقع تسهیل‌کننده مذاکرات و توافقات سازنده هستند و بایستی برای هموار کردن مسیر صلح از همیاری آنان بهره‌مند شد.

## ۷. مطالعه موردی اوکراین



جنگ جاری در اوکراین، گواه بارزی از اثرگذاری غیر متناسب جنگ و درگیری روی زنان و دختران است. انتظار می رود که اثرات این جنگ دامن زنان و دختران را بیش از سایرین در برگیرد. از تاثیرات مخرب آن، از جمله می توان به افزایش قاچاق انسان و خشونت‌های جنسیتی، افزایش فقر، و ویرانی زیرساخت ها مانند بیمارستانها و سایر مراکز بهداشتی اشاره کرد. به همین لحاظ، دسترسی به اطلاعات، امکانات و خدمات فوق العاده ضروری جنسیتی و باروری پراکنده شده است. بعلاوه، در حال حاضر که از قابلیت‌های خدمات پلیسی کاسته شده، فرصت بروز خشونت‌های جنسیتی افزایش و احتمال گزارش آنها کاهش یافته است. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد راه حل کاربردی برای اینگونه مشکلات روزافزون ارائه کرده است. از سال ۲۰۲۲، سازمان مربوطه در تلاش بوده که خدمات ضروری به زنان و دختران را افزایش دهد. سازمان در مناطق دورافتاده درمانگاه‌های سیار مستقر کرده، و تیم‌های پشتیبانی به ارائه خدمات روحی/اجتماعی و بهداشت باروری پرداخته اند. سازمان همچنین، در حال افزایش خانه های امن و ارائه خدمات در فضای مجازی برای حمایت از قربانیان خشونت‌های جنسیتی و توزیع اقلام مورد نیاز بهداشت باروری، پزشکی و لوازم بهداشتی به درمانگاه ها در سراسر اوکراین بوده است.

علی رغم همه ی این تلاشها، تا کنون صدمات و خسارات زیادی حادث شده است. به طور مثال، آمار سقط جنین در اوکراین بین ۱۰ تا ۱۵٪، به نسبت قبل از جنگ، افزایش یافته است. به علت فروپاشی وسیع زیرساخت های اوکراین، بهره گرفتن از خدمات بهداشت جنسیتی و باروری و نیز برخی خدمات نجات بخش مانند سزارین و کیت تجاوز جنسی، برای زنان و دختران اگر نه غیر ممکن، بسیار مشکل شده است. از سال ۲۰۲۲ به بعد، صدها حمله به مراکز خدمات درمانی، زنان باردار و یا در حال زایمان اوکراینی را در مهلکه ی مرگ و زندگی قرار داده است.

خشونت خانگی و تجاوزات جنسی نیز از شروع جنگ به بعد افزایش چشمگیری پیدا کرده است. تخمین زده شده که در سال ۲۰۲۲، بیش از سه و نیم میلیون نفر، عمدتاً زنان و دختران، نیازمند حمایت علیه خشونت های جنسیتی بوده اند. بسیاری از این افراد امکان گریز از این شرایط را نداشته و به ناچار در دام سواستفاده کنندگان گرفتار میشوند.

کمبود سوخت و مواد غذایی ناشی از جنگ در اوکراین، اثرات عمیقی بر زنان و کودکان داشته است. حتی قبل از شروع جنگ هم، برخی خانوارهای به سرپرستی زنان از ناامنی غذایی رنج می بردند. در حال حاضر، این زنان به علت نداشتن دسترسی کافی به زمین، اعتبار و اشتغال رسمی، بسیار بیشتر از هم‌تایان مرد خود رنج می‌برند. خاصه که زنان در زمان کمبود مواد غذایی اغلب از مصرف کافی خودداری می کنند تا دیگر اعضا خانواده شان کمتر رنج ببرند. این خود به سوء تغذیه و گرسنگی می انجامد.

## ۸. قطعنامه ها، برنامه ها و پشتیبانی سازمان ملل متحد



بیش از دو دهه قبل، در اکتبر سال ۲۰۰۰، قطعنامه شماره ۱۳۲۵ سازمان ملل متحد به تصویب رسید. این قطعنامه «تقویت مشارکت زنان در تصمیم گیری، خاتمه خشونت های جنسی و عدم تقبل مسئولیت، و ایجاد سیستمی برای پاسخگویی» را به رسمیت شناخته است. قطعنامه به کلیه دست اندرکاران توصیه می کند مشارکت زنان و نیز طرح نقطه نظر های جنسیتی در کلیه امور مرتبط به صلح و امنیت را افزایش دهند. سازمان همچنین در این زمینه تعدادی بخشنامه ی اجرایی صادر و به طور ضمنی به کشورهای عضو و نهادهای مرتبط نکات بالا را تذکر داده است. این قطعنامه، علیرغم آنکه در ابتدا شائبه ی امیدی برانگیخته بود، در عمل منشا اثری نبود. زنان همچنان از خشونت های جنسی و دیگر عواقب جنگ و درگیری به شکل کاملاً نامتوازنی رنج می برند. ما باید در حمایت و پشتیبانی از زنان و کودکان در جنگها و درگیریها، در تمام نقاط جهان، کوشا تر باشیم.

از جمله اینگونه پشتیبانی ها، پیگیری پروژه های نهاد «زنان» سازمان ملل متحد در زمینه های «افزایش مشارکت زنان در تصمیم گیری، طرح دیدگاه های جنسیتی در سیاست گذاری، برخورد با خشونت های جنسی در درگیریها و تاکید بر پاسخگویی و استحکام جایگاه زنان، در زمان جنگ و بعد از آن است. در حالی که این گونه روشها مفید هستند، اما زنان، جهت استفاده بهینه، باید نقش موثرتری در مذاکرات صلح و سیاست گذاری در بازسازی های پساجنگ داشته باشند.

سازمان ملل متحد، با این اوصاف، نقش بسیار اساسی در کمک به زنان و دختران متاثر از جنگ و درگیریها ایفا می کند. برای نیل به این اهداف چندین برنامه تهیه و نهاد تشکیل شده اند. بطور مثال، برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد، به بیش از ۱۰۰ میلیون نفر، از جمله در یمن و اوکراین، با توزیع اضطراری مواد غذایی امدادسانی میکند. آژانس پناهندگی سازمان ملل متحد، نود و دو میلیون نفر که متاثر از عواقب درگیریها و بحرانا به ناچار جابه جا و آواره بوده اند را با تامین پناهگاه، خدمات پزشکی و آموزش و پرورش مورد حمایت قرار می دهد. نهاد «زنان» سازمان ملل متحد از مشارکت زنان در حفاظت از صلح پشتیبانی میکند و آنان را برای شناسایی، رسیدگی و جلوگیری از خشونت های جنسی آموزش میدهد. نیروی های حافظ صلح سازمان ملل متحد برای حمایت از غیرنظامیان، کاهش خشونت، بازگرداندن حاکمیت قانون، و لحاظ صدا و اولویتهای زنان در تصمیمات اتخاذ شده در زمینه صلح و امنیت، در همه ی سطوح مشغول به فعالیت هستند. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، نهاد بهداشت جنسی باروری سازمان، سالانه به بیش از یک میلیون زن باردارو شیرده با ارسال وسایل بهداشتی، کیت های بهداشت باروری، و آموزش و استخدام ماما و تیمهای سیار بهداشتی کمک می کند. صندوق جمعیت همچنین برای زنان و دخترانی که در شرایط بحرانی هستند، «جایگاه امن» فراهم میکند. در این جایگاه ها، برخی رسمی و برخی غیر رسمی، به زنان و دختران فرصت شبکه سازی مدنی سالم، دریافت کمک، کسب مهارت، دسترسی به حمایت در شرایط بروز خشونت های جنسیتی و دریافت خدمات پزشکی داده میشود. در سال ۲۰۲۲، بیش از یکصد میلیون زن و دختر از این خدمات بهره مند شدند و انتظار می رود با افزایش بودجه در سال ۲۰۲۳ تعداد بیشتری نیز بهره ببرند.

اینگونه برنامه ها در راس خدمات ارائه شده بوده و باید گسترش یابند. برای نیل به این مهم، منابع و بودجه های قابل اتکا و منعطف باید به این گونه برنامه ها اختصاص یابد. با توجه به افزایش چشمگیر آوارگان در سال ۲۰۲۲، این برنامه ها از اهمیت بالایی برخوردار هستند و امریکا و دیگر بازیگران صاحب قدرت بین المللی باید به آنها اولویت دهند. در فقدان اینگونه تلاشها، زنان و دختران بیش از پیش در معرض عواقب ویرانگر جنگ و درگیریها قرار میگیرند و به احتمال بالا تا مدت های مدید درگیر و گرفتار دور تباه کننده خشونت و استثمار خواهند بود. بنابراین ارائه و گسترش برنامه های خدماتی باید در مرکز توجه قرار گیرند.

عواقب نامتوازن جنگها و درگیریها، به اشکال گوناگون مانند ناامنی غذایی، جابجایی و آوارگی، افزایش قاچاق انسانی، و اختلال در دسترسی به خدمات باروری و پزشکی زنان را درگیر میکنند. با توجه به این حقایق تلخ، زنان غالباً عواقب سخت و پایدار مستقیم و غیرمستقیم جنگ را متحمل میشوند. علی رغم پژوهش‌هایی که نشان میدهند توافق‌های مذاکره شده توسط زنان استمرار بیشتری دارند، زنان در طول تاریخ از پروسه مذاکرات صلح مطرود شده‌اند. مانعی که باید برای دستیابی به صلح بلند مدت، کنار زده شود. ضمناً قطعنامه‌ها، برنامه‌ها و کمک‌های گذشته و فعلی سازمان ملل متحد، برای حمایت از زنان و دختران نیازمند، باید گسترش یافته و بودجه مورد نیاز آنها تامین شوند. این موضوع باید توسط ایالات متحده و دیگران، برای پشتیبانی بین‌المللی از حقوق بشر زنان و دختران، در اقصی نقاط جهان، در اولویت قرار گیرد.

ژوئن ۲۰۲۴

منبع به زبان انگلیسی:

<https://www.law.georgetown.edu/gender-journal/wp-content/uploads/sites/20/2023/04/The-Disproportionate-Effects-of-War-and-Conflict-on-Women-and-Girls.pdf>

\*\*\*\*\*

## مصاحبه‌های کوتاه با زنان در ایران در باره جنگ و نتایج آن



### توضیح گاهنامه برابری در رابطه با پرسش و پاسخ‌ها

هدف از طرح سوال‌های زیر در این مصاحبه، جلب توجه به نظرات، رویکردها و تجربیات زنان در مورد جنگ و خشونت‌های ناشی از آن است.

ما به دنبال درک واقعی‌تری از نگاه زنان به جنگ هستیم و می‌خواهیم بفهمیم چگونه جنگ به کشور، مردم و به ویژه زنان آسیب می‌رساند. زنان، با اینکه معمولاً در آغاز جنگ‌ها نقشی ندارند، در طول جنگ‌ها ناخواسته گرفتار می‌شوند و هزینه‌های سنگینی را متحمل می‌شوند، بدون اینکه نظرشان درباره شروع جنگ و پیامدهای آن پرسیده شود. جنگ تنها میدان نبرد نیست؛ بلکه تأثیرات عمیق و پنهانی بر زندگی روزمره، خانواده‌ها و جامعه دارد.

این مصاحبه‌ها فرصتی است تا زنان بتوانند صدای خود را به گوش دیگران برسانند و تجربیات و دیدگاه‌هایشان را به اشتراک بگذارند. شنیدن نظرات شما برای ما بسیار ارزشمند است و می‌تواند به درک بهتر تأثیرات جنگ بر زندگی زنان کمک کند.

با احترام

شورای سردبیران گاهنامه "برابری"

\*\*\*\*\*

## پرسش اول: نظر و برخورد شما به عنوان زن با جنگ چیست؟ آیا جنگ را اجتناب ناپذیر می‌دانید؟ چه آلترناتیوی برای اجتناب از جنگ پیشنهاد می‌کنید؟

**\*سوسن از ایران:** مسلماً من جنگ را راه حل برای رفع اختلافات نمیدانم و همیشه و در هر حال دیپلماسی بر جنگ ارجحیت دارد. البته که در دنیای کنونی جنگ به جنگ میدانی محدود نمی‌شود و جنگ اقتصادی و تحریمها هم برای کشورها هزینه جانی و مالی و سیاسی هنگفتی دارد.

در بسیاری از موارد جنگ اجتناب پذیر است ولی در موارد تعرض و ظلم و زورگویی، جنگ برای دفاع از هویت و سرزمین خود اجتناب ناپذیر می‌شود.

**\* مینا ساکن کرج:** جنگ را مترداف با جنایت تعریف می‌کنم. جنگ‌ها غالباً سودی ندارند و همیشه موجب بدبختی، خانه خرابی، آوارگی، فروپاشی خانواده‌ها و گسترش دشمنی و نفرت مردم کشورها با یکدیگر می‌شوند. تخریب و نابودی کشاورزی، قحطی و گرسنگی و افزایش بیماری‌های مختلف، از دیگر پیامدهای اجتناب ناپذیر جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی بین کشورها و بین مردم کشوری که درگیر جنگ می‌شوند است. به نظرم آلترناتیوی دیگری جز مخالفت کردن جدی با جنگ نمی‌شناسم. چون جنگ‌ها هدفی جز تخریب، نابودی، و کشتن مردم بیگناه و دیگر جانداران زنده در نظر ندارند. مخالفت با جنگ نوعی دفاع از منافع و آینده خود، هم نسلان، طبیعت و زندگی می‌دانم. در نتیجه مخالفت با جنگ را می‌شود به اشکال گوناگون پیش ببرد. مثلاً شرکت در تظاهرات و آکسیون‌های خیابانی (خب این آکسیون‌ها در ایران با وجود این حکومت دشوار است اما در مواقعی در محلات و شهرهایی امکان راه‌های اعتراض علنی علیه جنگ وجود دارد)، نوشتن مقاله علیه جنگ، تهیه پتی‌شن، انتشار پوستر، نشریه، فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علیه جنگ، نوشتن نامه به رهبران حکومتی، سران احزاب و نهادهای بین‌المللی، همکاری و همفکری با طیف‌های متنوع هم‌سن و سال برای توافق بر سر یک پلاتفرم در شهر یا کشور محل زندگی و نیز همکاری با هم‌نسلان در کشورهای دیگر امکان‌پذیر است. در شبکه‌های اجتماعی صدها شکل از سازماندهی و فعالیت را می‌شود به راحتی عملی کرد. باید اهلش باشی و بخواهی و با هوشیاری دست به اقدام بزنی.

**\*نسرین از ایران:** خیر جنگ را اجتناب ناپذیر نمیدانم، مذاکره و میانجیگری برای حل اختلاف را آلترناتیو جایگزین جنگ میدانم.

**\*طلوع از ایران:** تا وقتی که جنگ تامین‌کننده منافع قدرتهاست اجتناب ناپذیر است.

**\*سایما خانه دار از ایران:** جنگ را سرمایه‌داران برای فروش سلاح و نفع مالی براه می‌اندازند. جنگ تنها راه رفع اختلافات نیست با میانجی‌گری و مذاکره می‌توان اختلافات را حل کرد.

**\*زهره از تهران:** به نظر من جنگ یکی از ویران‌کننده‌ترین و نفرت‌انگیزترین فعالیت‌های بشری است که شاید به دلیل انباشت انرژی مصرف‌نشده در مردان بوجود می‌آید. در طول تاریخ مردان همیشه دلایلی برای جنگیدن داشته‌اند. که گاهی به نظر هم معقول بوده اما آیا وقتی چیزی که به ویرانی و کشتار ختم شود می‌تواند به عنوان معقول تلقی گردد؟ فکر می‌کنم تا وقتی رقابت بر سر منافع اقتصادی و حرص و طمع برای بیشتر داشتن وجود داشته باشد، جنگ اجتناب ناپذیر خواهد بود مگر اینکه نیروی زنانه بر جهان حاکم شود. همین نیرو و انرژی زنانه آلترناتیو جنگ است.

**\*بتول از ایران:** من به عنوان یک زن با حرفه کارشناس هنری که مشغول به فعالیت هستم و با روحیات هنرمندان بیشتر آشنا می‌باشم چه از طرف خودم و چه از طرف صنف هنرمندان، من جنگ را معضلی میدانم برای رسیدن جامعه به سمت و سوی پیشرفت، فرهنگ پیشرو و آگاهی. به نظرم جنگ مساوی با نابودی است. از بین رفتن‌ها هیچوقت برای انسانها سازنده نبوده! با ظهور دوران معاصر و تعامل‌های دولتمردان و انسان‌ها متاسفانه میتوان گفت جنگ‌ها اجتناب ناپذیرند! و نمیشود به راحتی از آن دوری کرد! سیاستمداران خودخواه و یک‌دندنده با تفکرات دیکتاتوری و تمامیت‌خواهی در جوامع انسانی کم نیستند و تاکنون در جهان موجب جنگ‌های تحمیلی شده‌اند! آلترناتیو جنگ صلح و تعامل جوامع و مردم همه دنیا با هم است. مردم جهان خواهان جنگ نیستند و امروز فقط از طریق رسانه‌های ارتباطات جمعی و اجتماعی می‌شود آگاهی را برای صلح و دوستی بالا برد. اگر حکومتی

خواستار جنگ باشد باید به طرق گوناگون جلوی جنگ طلبان ایستاد! این ایستادگی از طریق فرهنگ و هنر و شناخت بیشتر از همدیگر انجام می گیرد. به نظر من هنر تنها زبان مشترک دنیاست برای شناخت از هم.

**\* سیمین از ایران:** جنگ اجتناب پذیر نیست. علت آن به روشنی باید روشن شود. در جهان کنونی گفتگو، جای جنگ رو می گیره. از طریق تعامل می توان آلترناتیو مشخص کرد. الان زمان استعمار پیر و قدیم گذشته و با سلاح گرم نمی توان به رویارویی با نظر مخالف رفت.

**\* پروانه از ایران:** جنگ همواره منفور بوده ولی سیاست کشورها در حفظ قلمرو و صیانت از نفوذ و دست درازی بیگانگان بجای نوشیدن جام زهر باعث آتش افروزی بوده و این شاید در منظر دفاع منطقی بنظر برسد و شاید اگر دو طرفی که وارد این ورطه میشوند عواقب و اسیب ها را در دراز مدت آنالیز کنند و با تامل به راهکارهایی غیر از جنگ برسند.

**\* تاجی از ایران:** من از جنگ بدم می آید.

**\* مهشید از ایران:** به نظر من جنگ بطور کلی یک پدیده مخرب و شدیداً ویرانگر هست. جنگ باعث کشتار انسانها و ناامنی اجتماعی و ترس و وحشت در جامعه می شود. جنگ گاهی اوقات اجتناب ناپذیر است وقتی تمامیت ارضی کشور به خطر می افتد.

آلترناتیو های اجتناب از جنگ می تواند گفتگو، مذاکره، میانجیگری کشورهای قدرتمند برای حل مشکلات دو کشور و سازمان های بین المللی مثل سازمان ملل باشد. هر چند که کشورهای قدرتمند خودشان باعث جنگ در کشورهای کوچک می شوند تا منافع اقتصادی زیادی از این بابت ببرند.

**\* شادی دبیر بازنشسته از ایران:** از نظر من در هیچ شرایطی جنگ نمی تواند انتخاب درستی باشد. و هیچ انسان فرهیخته ای جنگ را نمی پذیرد، وقتی شما می توانید با علم و آگاهی طرف مقابل را قانع کنید، بهتر است صلح را بپذیرید. ولی زمانیکه طرف مقابل درک درستی از جنگ ندارد، و به عواقب آن توجه نمی کند، در آن شرایط جنگ اجتناب نا پذیر خواهد شد.

پیشنهاد برای جلوگیری از جنگ: عواقب آن برای مردم بیان شود، زیرا در هر جنگی نه تنها زیانهای اقتصادی با خود دارد، بلکه فشارهای روانی که به سالمندان و کودکان و زنها وارد می شود، جبران ناپذیر است.

**\* نسیم از ایران:** جنگ بسیار دهشتناک است و سرمایه های اجتماعی، زنان و کودکان را نابود می کند. از نظر روحی و زیستی و فیزیکی حق یک زندگی در صلح و آرامش را از انسان می گیرد و جایش را به ناامنی، ترس وحشت و مرگ و نیستی می دهد. بالطبع چنین وضعیتی برای یک کشور طبعات سنگینی از نظر اجتماعی، اقتصادی و انسانی و ... دارد. معمولاً حکومت های دیکتاتوری جنگ خیالی را تبدیل به حقیقی می کنند برای ماندگاری در قدرت.

در کشور های مسلمان جنگ ها بیشتر اتفاق افتاده است. ما به چشم خودمان این جنگ ها را در غزه ( میان فلسطینی ها و اسرائیلی ها و در جنگ هشت ساله ایران و عراق دیده ایم. بطور کلی جنگ زائر خطرناکی است. واقعا قلمم از نوشتن عاجز است. حرف زیاد دارم ولی حوصله ندارم. به ارزش های جنبش زن، زندگی، آزادی باید داشته باشیم. یعنی به جای جنگ، نیکو کاری کنیم. به جنبش های زنان و جوان توجه کنیم و شادی را با پوشیدن لباس های رنگارنگ و رقص زندگی کنیم.

**\* ریحانه از ایران:** جنگ به خودی خود پدیده ای زشت، مرموم و وحشتناک است و همواره جنگ موجب کشتار، غارت، ویرانی و آوارگی انسانها بوده است و در همین راستا زنان به دلیل اینکه در زمان صلح هم مورد سرکوب و بی عدالتی قرار می گیرند در اثر جنگ دچار آسیب مضاعف می شوند!

**\* زری از تهران:** به نظر من جنگ جز خانمانسوزی، فقر، خرابی و جنایت و هزاران مشکل اجتماعی و خانوادگی ثمره دیگری ندارد. اینکه جنگ طلبان امروزی بدنبال الگوهای جنگ های سنتی، مذهبی و تاریخی که موفقیت هایی بدنبال داشته است، میروند، از زمان، امکانات، موقعیت و بافت شهری و اجتماعی امروز غافلند و بر اعتقادات و افکار سنتی خود مصرانه در جا میزنند.

**\* مزگان از تهران:** جنگ برابر است با ویرانی و نابودی. هر جا که باشه همه اقشار جامعه مسلماً صدمه می بینن بخصوص زنان و کودکان. یادمون نرفته که تو اون ۸ سال جنگ ایران و عراق چه ها که بر همه ایران نگذشت و همینطور زنان خودمون که چقدر مورد انواع خشونت ها قرار گرفتن و همینطور کودکان بی گناه و چقدر جووونا که در جبهه ها جانشونو از دست دادن، تجربه تلخی بود. امیدوارم هیچ جایی از این کره خاکی جنگی نباشه و همه در صلح و آرامش زندگی کنن.

**\* هایدیه از بروکسل:** من همیشه موافق صلح و دوستی هستم، جنگ بجز خرابی ارمغانی ندارد و البته در دراز مدت میتواند موجب رشد و اشتغال در بازسازی کشور بشود! آترناتیو رو در همگونی همه اقشار جامعه میدانم همانطور که خودت اشاره کردی ۷ گروه جمهوری خواه با هم متحد شوند و حتا همکاری با گروه های غیر جمهوری خواه! يك كلام همه با هم و تقویت درون مرزی.

**\* فهیمه از ایران:** جنگ یعنی ویرانی، خرابی مرگ. در جنگ ها مشکلات مالی، جانی، خانوادگی و روحی و روانی بوجود می آیند. جنگ حتما راه حل دارد و در صورت عدم وجود دیکتاتوری و آگاهی عامه میتواند اجتناب ناپذیر نباشد.

**\* پروانه دو از ایران:** اگر حاکمان عاقل باشند بله میتواند اجتناب پذیر باشد. و گفتگو را آترناتیو درگیری میدانم.



## **پرسش دوم: وقتی جنگ به هر دلیلی میان دو یا چند کشور آغاز می شود چه صدماتی کشورهای درگیر می بینند؟ لطفا این صدمات را نام ببرید.**

**\* سوسن از ایران:** ۱- مهمترین آنها صدمات جانی است که نه تنها شامل سربازانی است که در جنگ کشته و یا زخمی می شوند بلکه بیگانهانی که هدف بمب ها و موشکها قرار میگیرند. خانواده های زیادی سرپرست و یا فرزندان خود را از دست میدهند و اثرات روحی، روانی آن را تا آخر عمر با خود حمل می کنند.

۲- هزینه اقتصادی جنگ هنگفت است و شامل از بین رفتن زیرساختها، هزینه آلات جنگی و حمایتی از ارتش و رکود اقتصادی که اصولاً در زمان جنگ چشمگیر میشود و می تواند کشورها را به عقب بازگرداند.

**\* مینا ساکن کرج:** کشورهای دور و نزدیک بجای همکاری های دو جانبه و چند جانبه و افزایش روابط دوستی به تخریب روابط، ارتباطات و منافع کوتاه مدت خود روی می آورند و چنین رویکردی روابط دیپلماتیک را تضعیف می کند و فاصله ها را میان دو یا چند کشور تضعیف می کنند و تحمل گرایی و دوستی میان طرفین سست و تضعیف می شود. داشتن روابط خصمانه، فضای جنگی را گسترش می دهد و صلح در این شرایط شانسی برای قد علم کردن ندارد. **در زمان** جنگ زندگی، منابع طبیعی و انسانی، زیرساخت ها، آموزش، عدالت، اقتصاد، فرهنگ و نیز به اقشار مختلف مردم مانند کودکان، سالمندان، جوانان و زنان ضربات جبران ناپذیری وارد می شود. در چنین فضای رادیکال و کشنده ای، تبعیض، نژادی پرستی، نیستی و ناامیدی به کشورهای درگیر جنگ آسیب می زند.

**\* نسرين از ایران:** صدمات اقتصادی، بحران های اجتماعی و روانی...

\* **طلوع از ایران:** صدمات عمیق اجتماعی، اقتصادی و عاطفی. مهمتر از همه آسیب به زیرساخت ها که جبران آن به خصوص در کشورهای توسعه نیافته بسیار طولانی مدت و دست نیافتنی است.

\* **سیما خانه دار از ایران:** صدمه جسمی، روحی، روانی، مالی

\* **زهرة از تهران:** ساختن همیشه سخت تر و طولانی تر از خراب کردن است. جنگ همه چیز را خراب میکند. چیزهایی که یک ملت در طول سالها با رنج و زحمت ایجاد کرده، تمام مظاهر تمدن، ساختمانها، روابط انسانی و اجتماعی، اقتصاد و از همه بدتر به حکومت های دیکتاتور و سرکوبگر فرصتی عالی می دهد برای خفه کردن بیشتر مردم.

\* **بتول:** مهمترین فاجعه انسانی است و از جنبه اقتصادی، انسانی، تکنولوژیک، فناوری و نظامی آسیب های روانی و جسمانی زیادی خواهد دید. تاثیرات منفی آن تا مدتها و سالهای مدید پس از جنگ باقی خواهد ماند. جنگ ایران و عراق تجربه ای ناهنجاری در رابطه با کشورمان از دوران جنگ است.

\* **سیمین از ایران:** صدمات مادی و بالاخص معنوی. نسلی در حال انقراض و نابودی است. علاوه بر آن صدمات معنوی آن نیز اجتناب ناپذیر است.

\* **پروانه:** صدمات و آسیب های ناشی از جنگ جز ویرانی، کشتار و آثار روانی دراز مدت نمی تواند باشد و پیروز در جنگ همان بازنده بودن می باشد.

\* **تاجی:** آسیب های ناشی از جنگ شامل فقر، فحشا، اضطراب، نگرانی، عدم امنیت و گم شدن در خود می شود

\* **مهشید:** صدمات حاصل از جنگ موجب تلفات انسانی، نابودی زیر ساخت های کشور مثل تاسیسات آب و برق، کارخانه ها، جاده ها، بیمارستان ها، مدارس، ساختمان ها و ... می شود. مهاجرت و آوارگی گسترش می یابد و با نبود برق، گاز، آب مواجه می شویم. وضع اقتصادی مردم خراب می شود. دزدی و جنایت افزایش می یابد و مراکز آموزشی بسته می شوند.

\* **شادی:** صدمات وارده از جنگ، موجب مرگ انسانها، نقص عضو، قحطی، فشارهای روحی و روانی به افراد جامعه وارد می شود و این موارد انکار ناپذیر اند.

\* **ریحانه:** عوارض جنگ برای کشورهای درگیر، علاوه بر ویرانی زیر ساختها، کشته شدن جوانان، از بین رفتن سرمایه های ملی و انسانی، و آوارگی موجب مشکلات شدید اقتصادی برای مردم و به تبع آن افزایش فقر و فحشا، سقوط علم و فرهنگ و هنر، و سرکوب آزادی ها میگردد، تجربه تلخی که مردم ایران بخوبی با آن آشنا هستند!

\* **زری از تهران:** ویرانی، تجاوز، مهاجرت، بی خانمانی، یتیم شدن و بی سرپرست شدن زنان و کودکان، از بین رفتن زیرساخت های کشور، تورم، بی اعتبار شدن ارز کشور و پاره پاره شدن احتمالی آن، بروز معلولیت های جبران ناپذیر روحی و جسمی ناشی از جنگ و خیلی مصیبت های دیگر می تواند نتایج حاصل از جنگ باشند.

\* **هایده:** صدمات را در نمونه های بارز کشور های در حال جنگ می بینیم، در اوکراین، در سوریه و یمن که به دنبال فقر، قحطی، تجاوز به زنان و کودکان و کشتارهای بی حساب را شاهد هستیم.

\* **فهیمة:** ویرانی، خرابی، قتل و غارت، تجاوز، معلولیت، بی خانمانی، از بین رفتن زیر ساخت های شهری، بی سرپرست شدن خانواده ها بخصوص زنها و بچه ها، بروز اختلالات روانی و ضد اجتماعی و....

\* **پروانه دو:** صدمات اقتصادی، روحی، جسمی.

**پرسش سوم: در جنگ کدام گروه های اجتماعی بیشتر صدمه می بینند؟**



\* **سوسن از ایران:** از نظر من طبقات پایین و متوسط به دو دلیل بیشتر صدمه می بینند چون اولاً بیشتر سربازان که به جنگ فرستاده می شوند از این طبقات هستند و دوماً از نظر اقتصادی در تنگنای بیشتری قرار می گیرند.

\* **مینا ساکن کرج:** جنگ ها موجب فقر و تبعیض در جامعه می شوند. زنان، کودکان، سالمندان و اقلیت های مختلف بیشترین صدمات را از جنگ می بینند.

\* **نسرین از ایران:** افشار ضعیف و آسیب پذیر اقتصادی، به اضافه زنان و کودکان

\* **طلوع از ایران:** مسلماً مردم فقیر و بی پناه و ضعیف قربانیان اصلی هستند.

\* **سیما خانه دار از ایران:** زنان، کودکان، سالمندان

\* **زهره از تهران:** در جنگ ها به نظر من گروه های اقتصادی ضعیف و مردم عادی بیشترین آسیب را خواهند دید چرا که از امکانات کمتری برای جایجایی یا فرار و حفظ خود و خانواده برخوردارند.

\* **بتول:** کودکان و زنان

\* **سیمین از ایران:** در جنگ مردان زنان و کودکان صدمه می بینند بالاخص زنان و کودکان.

\* **پروانه:** بنظر من مردم تنها بخش بیگناه آسیب دیده از صدمات جنگ ها هستند و حکومت ها در پس جنگ باز به فکر به اصطلاح قوی کردن جنبه نظامی قضیه هستند و به نوعی مست جدال و جنگ و امتحان قدرت نظامی و استراتژیک خود می باشند.

\* **تاجی:** مردم عادی.

\* **مهشید:** زنان، کودکان، سالمندان، بیماران، غیر نظامیان بیشترین آسیب را می بینند.

\* **شادی:** در جنگ گروه های آسیب پذیر کودکان سالمندان و زن ها می باشند.

\* **ریحانه:** در زمان جنگ همه گروه های اجتماعی دچار آسیب های جبران ناپذیر می شوند ولی افشار کم درآمد جامعه بیشترین آسیب را می بینند، چرا که تا سال ها بعد از اتمام جنگ هم باید اغلب آثار این صدمات را تحمل کنند! ضمن اینکه عمدتاً بچه های همین گروه اجتماعی باید در جنگ شرکت کنند و فدای مطامع جنگ طلبان شوند!

\* **زری:** مسلماً در جنگ بیشترین صدمه را زنان و کودکان می بینند.

\* **هایده:** در جنگ بیشتر زنان و کودکان مورد صدمه و آزارهای روحی روانی قرار می گیرند. نمونه بارز آن در غزه است.

\* **فهیمة:** به نظر من همه گروه ها در جنگ آسیب می بینند ولی چون اکثراً مردها می میرند، زنان و کودکان بیشتر آسیب می بینند.

\* **پروانه دو:** معمولاً آنهایی که نقشی در جنگ افروزی نداشتند مثل زنان، کودکان و افراد مسن.

**پرسش چهارم: نظرتان در مورد خشونت های ناشی از جنگ بر زنان و کودکان چیست؟ از جمله در موارد زیر (لطفاً برای هر مورد حداقل در صورت امکان یک یا دو خط توضیح دهید):**

**خشونت های فیزیکی، خشونت های جنسی، خشونت های عاطفی و روانی، خشونت های اقتصادی، خشونت های خانگی، خشونت های قانونی، خشونت اجتماعی و فرهنگی:**

### **\*سوسن از ایران:**

**خشونت های فیزیکی؟:** مسلماً اگر زنان و کودکان در مناطق جنگی باشند، خطر کشته و یا مجروح شدن آنها افزایش می یابد و حتی اگر به پناهگاه های به نسبت امن دست یابند، با شرایط بسیار سختی مثل کمبود غذا و نبود بهداشت و زندگی سالم را سپری خواهند کرد .

**خشونت های جنسی؟:** متأسفانه نمونه های بسیاری از خشونت ها و تعرض جنسی بر زنان و حتی کودکان در مناطق جنگی اتفاق می افتد.

**خشونت های عاطفی و روانی؟:** این پایدارترین اثرات جنگ در روان زنان و بخصوص کودکان است. اثرات روانی جنگ روی کودکانی که نظاره گر خشونت جنگ از جمله کشتار یا تعرض به اعضای خانواده در جلوی چشمشان بوده غیر قابل تصور است.

**خشونت های اقتصادی؟:** بسیاری از خانواده ها در مناطق جنگی مجبور به ترک خانه و اموال خود و یافتن محلی دیگر برای اقامت خود می شوند و بسیاری دیگر سرپرست خانواده خود را از دست می دهند که هر دو فشار اقتصادی فراوانی به آنها وارد می کند.

**خشونت های خانگی؟:** به نظر من اثر جنگ روی خشونت های خانگی چندان پر رنگ نیست چون اصولاً در شرایط جنگی هدف حفظ جان است، خشونت های خانگی کاهش می یابد.

**خشونت های قانونی؟:** به نظر من تاثیری ندارد.

**خشونت اجتماعی و فرهنگی:** متأسفانه این نوع خشونت ها یا بهتر بگویم تبعیض ها در مورد پناهجویان که از مناطق جنگی گریخته اند و سعی در اسکان در مناطق دیگر دارند توسط مردم نقاط میزبان دیده شده است.

**\* مینا ساکن کرج:** خشونت های وارده علیه زنان و کودکان به عنوان گروه های آسیب پذیرتر در شرایط جنگ بسیار وحشتناک است. زنان و کودکان در دوران جنگ هزینه های بسیار زیادی را می پردازند. اثرات فشارها و سختی های وارده بر زنان در جنگ ها تا آخر عمر فراموش نمی شود. کافی است با زنان افغانستانی، فلسطینی، اوکراینی و ... از ماجراهایی که در دوران جنگ بر سر آنها آماده بپرسید. حقیقتاً داستان های زندگی آنها وحشتناک است.

**\*نسرین از ایران:** آسیب های روانی ناشی از جنگ میتونه بستر خشونت های فیزیکی بشه. در مورد خشونت های جنسی من فکر می کنم با توجه به آمار بالای کودکانی که در جنگ دنیا میان و اساساً در کودکی لااقل توی منطقه خاورمیانه شاید به نوعی خشونت جنسی از طرف مردان خانواده میتونه مورد توجه قرار بگیره، همینطور خشونت های عاطفی و روانی، خانگی و...

بیکاری، فقر، قحطی، اعتیاد از عواقب آسیب های اقتصادی جنگه.

**\*طلوع از ایران:** نفرمایید خشونت بگویند جنایت (از هر نظر )

**\* سیما خانه دار از ایران:** خشونت فیزیکی<sup>۱</sup> مرگ و مجروح شدن می تواند باشد. مرگ هر فرد اثرات جبران ناپذیری روی بازماندگان دارد مجروحین هم تا آخر عمر رنج خواهند کشید.

**خشونت جنسی:** روح و روان فرد را نابود کرده و او دیگر انسان متعادلی برای ادامه زندگی نیست.

**در خشونت عاطفی و روانی:** فرد اعتماد به نفس و عزت نفس خود را از دست می دهد.

**خشونت اقتصادی:** فرد خانه و کسب و کار را از دست داده و آواره شده و با فقر دست به گریبان می شود

**خشونت اقتصادی:** کشور جنگ زده و متخاصم هر دو از نظر اقتصادی دچار رکود و فروپاشی می شوند.

**خشونت خانگی:** افراد صدمه دیده به ضعیف ترها در خانه فشار می آورند و عقده های روحی و روانی و استرس های خود را روی بقیه تخلیه می کنند.

**خشونت قانونی:** مرجعی نیست که به مسائل قانونی رسیدگی کند و جامعه دچار جرم و جنایت می شود.

**خشونت اجتماعی و فرهنگی:** در جامعه درگیر جنگ، انسانها هدف را زنده بودن می دانند و دست به هر عملی می زنند.

**\*زهرة از تهران:** در طول تاریخ در طی جنگها مردان از خشونت های جنسی علیه زنان برای تحقیر طرف مقابل و ایجاد حس برتری و پیروزی در خود استفاده کرده و می کنند . کودکان هم به دلیل وابسته بودن به ویژه به زنان از این آسیب ها در امان نیستند.

**\* بتول: خشونت های فیزیکی:** آسیب های فیزیکی و جسمانی و معلولیت هایی که قابل درمان نیست.

**خشونت های جنسی:** آسیب های مانند تجاوز به جسم زنان

**خشونت های عاطفی و روانی:** بیمارهای روانی در کودکان و زنان بسیار مشاهده شده است خصوصا اگر سلاح های شیمیایی استفاده شود.

**خشونت های اقتصادی:** فقر و فلاکت

**خشونت های خانگی:** تاثیرات بر روان مردان و زنان

**خشونت های قانونی:** نادیده گرفتن قانون در قبال حقوق شهروندی

**خشونت اجتماعی و فرهنگی:** آسیب به تمامی تاریخ فرهنگی و آثار هنری بجا مانده از دوران قبل

**\* سیمین از ایران:** فیزیکی شامل زدو خورد، میشه گفت جسمانی.

**\* پروانه:** تاریخ نگاه روشنی از صدمات و خشونت ها علیه زنان و کودکان را همواره در جنگه ای اخیر به دنیا نشان داده است. آوارگی، تجاوز، کشتارها، اسارت ها بر هیچ کشورجنگ افروز و سازمانی پوشیده نیست.

**\* تاجی:** خشونت های فیزیکی، جنسی و همه موارد ذکر شده.

**\* مهشید:** خشونت های ناشی از جنگ به زنان و کودکان بیشترین آسیب را وارد می کند و تاثیر بلندمدت در زندگی شان دارد.

**خشونت فیزیکی:** ضرب و شتم، قتل و آسیب های روحی روانی.

**خشونت جنسی:** تجاوز و خشونت های جنسی وحشتناک که آثار مخربی در درازمدت بر روان زن ها می گذارد.

**خشونت های عاطفی و روانی:** باعث ترس، اضطراب، افسردگی، نا امید و بی اعتمادی در افراد می شود.

**خشونت های اقتصادی:** جنگ ها باعث تخریب و از بین رفتن منابع اقتصادی و از دست دادن شغل، افزایش دزدی، جنایت و غارت اموال می شود.

زنان در زمان جنگ سر پرست خانوار میشوند و سختی زندگی، آنها را دچار مشکلات عدیده می کند.

**خشونت خانگی:** افزایش خشونت های خانگی در زمان جنگ بیشتر است و باعث استرس و درگیری های لفظی و فیزیکی می شود. نبود حمایت های اجتماعی این خشونت ها را برای زنان و کودکان بیشتر می کند.

**خشونت های قانونی:** در زمان جنگ به دلیل نبود امنیت، عدم وجود قوانین حمایتی لازم، وجود قوانین تبعیض آمیز و عدم حمایت قانونی کافی، زنان و کودکان بیشتر در معرض خشونت های انجام شده قرار می گیرند.

**خشونت های اجتماعی و فرهنگی:** جنگ باعث افزایش و فرو پاشی ارزش های اجتماعی می شود و بدین ترتیب خشونت های اجتماعی و فرهنگی علیه زنان و کودکان افزایش می یابد.

**\* شادی:** وقتی مرد خانواده در اثر جنگ به عنوان مثال پایش را از دست می دهد، از نظر روحی آسیب پذیر خواهد شد و پرخاشگر می شود، و این فشاری است بر زن و فرزندانش. وقتی جنگ هست همه این خشونت های فیزیکی جنسی، عاطفی، روانی و فرهنگی وجود دارند و انکار نا پذیرند.

**\* ریحانه:** البته زنان و کودکان هم جزو گروه های اجتماعی هستند که همیشه در معرض خشونت های ناشی از جامعه مرد سالار هستند ولی تحت لوای جنگ سرکوب و انواع خشونت ها تشدید و عادی سازی می شوند!

**\* زری:** بی سرپرست شدن زنان و کودکان، تجاوزها به زنان که باعث پیدایش کودکان ناخواسته و عوارض روحی و جسمی حاصل از آن که باعث دشواری های فراوان خانوادگی و اجتماعی می شود. گسترش فقر و تنگدستی، گرایش به مواد مخدر، خلافتکاری، ایجاد دشمنی و نفاق بین افراد اجتماع به جای دوستی و یکپارچگی و محبت و آرامش تقویت می شود. در این وضعیت خستگی، افسردگی و ناامیدی جمعی و عدم اتحاد و یکپارچگی در جامعه پر رنگ می شود.

**\* هایده:** به تفکیک نمی نویسم در کل میگویم که خشونت های فیزیکی بیشتر بچه ها را در بر می گیرد چون خشونت، خشونت میآورد، آن بچه ای که جنگ و کشتار و خونریزی را دیده و دیگر چطور می تواند مهر بورزد؟ خشونت های جنسی علیه زنان و بدنبال آن فرزندهای نامشروع متولد می شوند. جامعه بعد از جنگ چگونه این نامشروعان را پذیرا می شود، نمونه اش در جنگ ویتنام. با این مشکلات درگیر شدند. در بالا به خشونت عاطفی و روانی اشاره کردم. خشونت اقتصادی، فقر، بی سامانی، درگیری، خشونت های خانگی، همه اینها معلول یکدیگرند و بهم ربط پیدا می کنند مثل یک زنجیره به هم متصل هستند.

**\* فهمیه:** خشونت های فیزیکی اکثرا باعث ایجاد آسیب های جسمی و خشونت های جنسی مثل تجاوز به زنان و کودکان می شود و این موارد، موجب مشکلات روانی، عاطفی، اقتصادی، فقر، اعتیاد و دزدی .... می شود و تمام خشونت های نامبرده باعث بروز خشونت های خانگی نیز می شود.

**\* پروانه دو:** صدمات فیزیکی حتما وجود دارد.

- کودکان و زنان قطعا صدمات جنسی خواهند دید.

- خشونت عاطفی و روانی وجود دارد.

- خشونت اقتصادی وجود دارد

- خشونت های خانگی بدلیل ترس های والدین و سایر افراد خانواده پیش می آید.

- زیر لوای قانون هم پیش می آید.

- خشونت های اجتماعی و فرهنگی هم وجود دارد.

- همه این خشونت ها به دلیل از دست دادن کنترل انسان ها در جنگ و کشتار پیش می آید.

- بدلیل ناتوانی این قشر در دفاع از خود و خوی انتقامجویی جنگجوها.

**پرسش پنجم: آمارهای بسیاری از جنگ ها و بویژه جنگ غزه و اسراییل نشان می دهد که بیش از ۷۰ درصد قربانیان زنان، کودکان و سالمندان هستند، در حالی که این بخش ها هیچ مشارکتی در شروع و ادامه جنگ ها نداشته اند؟ چرا این بخش از جامعه مورد هدف جنگ طلبان قرار می گیرد؟**

**\* سوسن از ایران:** با اینکه من آمار دقیق قربانیان زن و کودک را در جنگ های مختلف نمیدانم، مسلم است که در جنگ های مختلف از جمله جنگ جهانی دوم تعداد زیادی زن و کودک قربانی شده اند، ولی شاخص اصلی اینست که در این جنگها زنان و کودکان هدف و قربانی اصلی جنگ نبوده اند. فقط در غزه بوده است که آمار کشتار کودکان و

زنان از مردان بیشتر است و دلیل اصلی هم اینست که چیزی که در غزه می گذرد نامش جنگ نیست بلکه نسل کشی و نابودی کامل یک ملت است.

**\* مینا از ایران:** جنگ ها، زنان و دختران را با وحشتی بسیار واقعی روبرو می کنند. در واقع امنیت و حقوق انسانی آنها به آخرین اولویت تبدیل می شود. زنان در جنگ ها تنها به خاطر جنسیت شان بیش از مردان خشونت های چند گانه را تجربه می کنند. خشونت جنسی به شکل تجاوز و آزار و اذیت های جنسی، جسمی و روانی علیه آنها به اجرای در می آید.

**\* نسرين از ایران:** توی جنگ های کلاسیک و یا بمباران ها زنان و کودکان بی دفاع ترین هستند. اما در مورد غزه عملا زنان و کودکان قربانی و هدف نسل کشی هستند.

**\* طلوع از ایران:** برای ترساندن یک ملت از نابرابری این نبرد بهترین تعریف از ناجوانمردی و خوی حیوانی (البته حیوان بسیار عادل تر است)، جنایت و رذالت و خودپرستی است.

**\* سیما خانه دار از ایران:** زنان و کودکان ضعیف تر از سایر اقشار هستند.

**\* زهره از تهران:** در مورد زنان و کودکان در سوال قبل گفتم. سالمندان هم شاید به دلیل مشکلات جسمی و عدم توان در جابجایی سریع بیشتر آسیب می بینند. البته این مسائل به شرایط محیط هم بی ارتباط نیست. مثلا در غزه چون برای حماس و دار و دسته های مرتبط، مردم هیچ اهمیتی ندارند و به حال خود رها شده اند، طبیعتا بیشتر آسیب را می بینند ولی در طرف مقابل (اسرائیل) که پیش بینی همه چیز شده است، سطح آسیب های انسانی خیلی کمتر خواهد بود حتی در صورت حملات گسترده تر به اسرائیل. آسیب های فیزیکی و جسمانی و معلولیت هایی که قابل درمان نیست.

**\* بتول:** زیرا کودکان و زنان نقطه ضعف همه دولت مردان است و نسل کشی که باعث میشود یک طرف جنگ مقطوع شوند. به عنوان مثال اسرائیل یکی از اهدافش همین نسل کشی است. طرف مقابل اسرائیل هم به عنوان سنگر از زنان و کودکان برای محافظت از خود استفاده می کند.

**\* سیمین از ایران:** جنسی شامل وارد شدن به حریم زن بدون تمایل او.

**\* پروانه:** نسل کشی و جمعیت زدایی پشت پرده سیاست کثیف جنگ طلبان برنامه ریزی شده است.

**\* تاجی:** برای از بین بردن اعتقادات.

**\* مهشید:** آسیب پذیر بودن و عدم توانایی در فرار باعث می شود که زنان، کودکان و سالمندان بیشتر در معرض نابودی قرار گیرند. گاهی اوقات (البته بیشتر مواقع) دشمن از زنان و کودکان به عنوان سپر انسانی استفاده می کند تا طرف مقابل را خلع سلاح کند. و اینکه بی توجهی جنگ طلبان به قوانین بین المللی باعث می شود که در دوران جنگ، مدارس و بیمارستان ها مورد هدف نظامی قرار گیرند و از مصونیت برخوردار نشوند.

**\* شادی:** بخش ضعیف جامعه که کودکان، سالمندان و زن ها می باشند، بیشترین آسیب را خواهند دید.

**\* ریحانه:** ارباب جنگ چه در لباس نظامی گری، چه سیاسیون و چه کارتل های تسلیحاتی برای پیشبرد مطامع خود دست به هر جنایتی از جمله کشتن افراد غیر نظامی و بی دفاع مانند زنان و حتی کودکان و سالمندان میزنند البته در این مورد خاص (جنگ غزه)، دیدگاه فاشیستی حاکمیت راستگرای اسرائیل مبنی بر پاکسازی و نسل کشی فلسطینیان هم مزید بر علت شده، با بهانه انتقام دست به قتل عام میزنند و از میان زنان، کودکان و افراد کهنسال بیشترین قربانی را می گیرند.

**\* زری:** دموکراسی واژه قشنگی است و قانونی پیاده شدنی نیست. ابتدا بایستی مردم از آن شناخت داشته باشند و آموزش آن از کودکی در خانواده شروع و بعد در مدرسه و سپس در اجتماع فرا گیر شود. در هر حال تا زمانی که مردم تحت نفوذ حکومت های دیکتاتوری و خرافات دست و پا گیر هستند رسیدن به آن دشوار بنظر می رسد.

**\* هایدِه:** ما صحبت از جنگ می کنیم، جنگ رو قدرت طلبان و حامیان آنان به راه میاندازند و خواه ناخواه از انسان ها بعنوان دیوار گوستی استفاده می کنند.

**\* فهیمه:** در اصل شاید هدف این نباشد که زنان و کودکان آسیب ببینند ولی متاسفانه نتیجه در واقعیت عملی همین می شود.



**پرسش ششم: در برخی از کشورها مانند لیبی، عراق، افغانستان و ... حکومت دیکتاتوری با جنگ سرنگون شد. اما این کشورها به دموکراسی و آزادی دست نیافتند. آیا از نظر شما بعد از پایان جنگ که ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بهداشتی از هم پاشیده و از بین رفته اند، می توان دموکراسی، حقوق بشر، آزادی، برابری، پیشرفت، توسعه، سکولاریسم، حکومت انتخابی و دوره ای و دموکراتیک را مستقر کرد؟ لطفا پاسخ تان را با توضیح همراه سازید.**

**\* سوسن از ایران:** خیر چون وجود یک بستر فرهنگی برای استقرار دموکراسی و پیشرفت و توسعه لازم است و متاسفانه تا تغییرات فرهنگی برای رشد آگاهی و عقلانیت جمعی انجام نگیرد، امیدی به توسعه و پیشرفت برای استقرار جامعه مدنی عدالتخواه نیست.

**\* مینا:** سرنگونی به هر قیمتی این کشورها را به چه سمتی برد؟ در کشورهایی که نام بردید از سرنگونی صحبت شد و با دخالت خارجی، حکومت های این کشورها که دیکتاتوری و مستبد بودند سرنگون کردند اما بجایش نتوانستند دموکراسی و آزادی و حقوق بشر را حاکم کنند. همه ما می دانیم با حمله نظامی و جنگ دموکراسی وارد کشور نمی شود. بویژه در کشورهای مدل ایران در منطقه خاورمیانه جنگ ها آزادی ها را محدود می کند. جامعه مدنی را به شدت ضعیف می کند. آزادی های اجتماعی محدود می شود و ترس، وحشت، نگرانی، فقر بیشتر، تبعیضات، قتل و کشتار در جامعه افزایش می یابد. من هر چی فکر می کنم نمی توانم قبول کنم اگر دخالت نظامی به ایران شود منافع ما جوانان، زنان و نسل های دیگر برآورده می شود و همه جا بیست می شود. من هیچ علاقه ای به این حکومت ندارم و باید روزی برود. اما با جنگ و دخالت خارجی اصلا موافق نیستم که به ایران لشکرکشی کنند. ایران سرزمین من است و آنرا دوست دارم. ما بالاخره این حکومت را با کمک زنان، جوانان، اقوام و جنبش های اجتماعی دیگر کنار خواهیم زد.

**\* نسرين از ایران:** خیر هیچ کشوری بعد از جنگ به دموکراسی نرسیده، توی منطقه خاورمیانه که چنین نبوده و همیشه اوضاع بدتر از قبل از جنگ شده.

**\* طلوع از ایران:** برای اینکه این مردم سال ها در فقر فرهنگی و اقتصادی نگه داشته شده اند و فرهنگ سازی و قدرتمند ساختن مردم به تفکر صحیح و دانش نیاز دارد و رسیدن به این آسان نیست و در کوتاه مدت به دست نمی آید به خصوص که بعد از آن حوادث هم از نفوذ قدرتهای استعماری رها نیستند گرچه به صورت غیر مستقیم.

**\* سیما خانه دار از ایران:** سال ها طول می کشد تا اثرات جنگ از بین برود و کارهای روانشناسی و فرهنگی زیادی را طلب می کند پس برای اهداف نامبرده در سوال شاید لازم باشد سالهای متمادی کار و هزینه کرد تا جامعه بدین طریق آماده شود. شاید این وضعیت زمانی حاصل شود اما شرایط خاصی می طلبد که اغلب ملت فقیر شده در اثر جنگ به آن دست پیدا نمی کند.

**\* زهره از تهران:** این موضوع صد در صد به فرهنگ اجتماعی و سیاسی و وجود ساختارهای دموکراتیک هر کشور مربوط است. مثلا بعد از جنگ دوم جهانی کشورهای اروپای غربی حتی آلمان بازنده جنگ، فرانسه، ایتالیا و... با سیستم های دموکراتیک اداره شده اند ولی اروپای شرقی تحت نفوذ شوروی با رژیم های سرکوبگر دست و پنجه نرم کردند. بدیهی است که در خاورمیانه در هنگام صلح هم خبری از دموکراسی نیست. بعد از جنگ که اصلا ساختار دموکراتیکی وجود ندارد که اداره جامعه را به دست بگیرد و در نتیجه همان نظم دیکتاتوری هم از هم می پاشد.

**بنول:** خیر. چون با جنگ، فرهنگی که سال ها برای آن کار شده است از بین می رود و در جوامع دینی و سنتی و خدامحور می توان گفت گاهی تصمیم زندگی را بر گردن خدا انداختن است! به جورایی اعتقاد به اینکه سرنوشت انسان را خدا تعیین می کند و همین باعث می شود اگر هر بلایی که سرشان بیاید خیریتی از طرف خدا می دانند و تلاشی برای درست کردن آن نمی کنند! جامعه دین زده همه چیز را از نگاه دینی می بیند و بسیار سخت می شود مردم را آگاه کرد! هرگز دموکراسی برقرار نخواهد شد.

**\* سیمین از ایران:** روح شخص تحت شکنجه قرار می گیرد.

**\* پروانه:** تا جایی که تاریخ تحریف نشده باشد درصد زیادی از اهداف سیاست طلبانه حکومت ها در جهت دستیابی به اهداف نامبرده شده و هیچوقت هم محقق نشده است. اما محرز بوده که در پسا پرده چه کسانی و به چه اهدافی دست پیدا کرده اند.

**\* تاجی:** نقش آنها قطعا موثر است. ولی کار را دیگران انجام می دهند و ما نظر و یا قربانی این حرکت هستیم.

**\* مهشید:** بعد از سرنگونی حکومت های دیکتاتوری کشورهای چو عراق، لیبی، افغانستان به دلیل نداشتن دولت های قوی، جامعه مدنی سالم و پر قوت و آگاه، از دموکراسی و آزادی فاصله گرفتند. اختلافات قومی، قبیله ای و مذهبی مجددا باز باعث تنش و خشونت در این کشورها شد. کشورهای دیگر برای به قدرت رساندن عوامل خود و دخالت در امور داخلی این کشورها و برای استفاده از منابع این کشورها در جهت منافع خود اقدام کردند که حاصل این دخالت ها بی ثباتی و هرج و مرج در این کشورها شد و بدین ترتیب آنها از دموکراسی دور شدند.

**\* شادی:** حکومت دموکراتیک در جامعه زمانی مستقر می شود که سطح آگاهی مردمش بالا باشد.

**\* ریحانه:** لازم به توضیح است که در طول تاریخ دو نوع جنگ داشته ایم. جنگ ها اغلب جنگ قومی، قبیله ای، جنگ جغرافیایی، توسعه طلبانه و یا جنگ ایدئولوژیک بوده اند و معمولا بوسیله دیکتاتورها، حکومت های توتالیتر یا پیشوایان مذهبی به راه انداخته شده اند و با سوءاستفاده از احساسات ناسیونالیستی و یا مذهبی توده های مردم را با خود همراه کرده و آنان را به جان هم انداخته اند!

دخالت نظامی دیگر کشورها در مورد کشورهای مورد اشاره (عراق، افغانستان، سوریه، لیبی، لبنان و یمن و...) که به ظاهر برای رساندن به دموکراسی یا کمک به حکومت یا بخشی از مردم کشورهای یاد شده انجام شده نیز در واقع با مطامع توسعه طلبی یا صدور ایدئولوژی صورت گرفته و در زمره همین جنگ های نوع اول قرار می گیرند و نتایج آنها هم بخصوص با وجود فعالیت های شیطانی محور شرارت در سرزمین ما متاسفانه چیزی جز بدبختی و ذلت نصیب ملت های این کشورها نکرده است!

لیکن انواع دیگری از جنگ هم داریم که در نوع خود از نگاه دیگری قابل بررسی و تحلیل می باشند از جمله: جنگ های ازادخواهانه مثل مبارزات سرداران سبزواری با مغولان خونخوار، یا جنگ های مبارزان انقلاب مشروطه با حکومت مستبد مرکزی، یا نبردهای مردمان بوشهر، برازجان، تبریز، رشت و لاهیجان در مقابل قوای تجاوزگر انگلیس و روس در همین ایران خودمون یا مبارزات نیروهای پارتیزان در مقابل فاشیستها در اروپا خصوصا در اسپانیا، ایتالیا و فرانسه و یا جنگهای استقلال آمریکا با بریتانیای کبیر یا جنگهای استقلال کشورهای امریکای لاتین با اسپانیا و پرتغال! یا جنگهای مقاومت چینی ها و کره ای ها با امپراطوری خونریز ژاپن!

تاریخ نشان داده که عمده این نوع جنگ ها علیرغم تبعات سهمگین ویران کننده و هزینه گزاف انسانی به عنوان ضرورت تاریخ برای رهایی ملت ها از چنگال استبداد و استعمار و نیروهای اهریمنی در نهایت سعادت و سربلندی مردمان را در پی داشته اند. پس شاید بتوان با يك شورش همگانی و جنگ مردمی "مستقل" و رهایی بخش به

دروازه های بهر روزی و رستگاری رسید !

**\* هایده:** پاسخ به این پرسش برایم مشکل است. در باره لیبی میدانم که کشوریست با طوایف مختلف و قذافی چطور اینها را بدور هم جمع کرد و يك کشور واحد ساخت باید در این مورد بهش آفرین گفت. در مورد عراق دو دستگی بین شیعه و سنی شاید دلیلش بوده و هنوز هم مذهبی هستند و همچنین افغانستان با آن تفکرات تند طالبانی و جلوگیری از تحصیل زنان که قشر بزرگی از جامعه را تشکیل می دهند بنظرم سال ها وقت برای رسیدن به دموکراسی نیاز دارند.

**\* فهمیه:** ممکن است دیکتاتورها از بین بروند ولی دیکتاتور دیگری جای آنرا می گیرد و هی چوقت دموکراسی بعد از جنگ نداریم و بدتر اینکه با جنگ نظام اجتماعی به هم می ریزد.

**\* پروانه دو:** به نظر من برقراری دموکراسی و حقوق بشر و.....هم نیاز به زمینه قبلی دارد و هم میزان آسیبی که در زمان جنگ دیده اند. فرهنگ سازی بخش مهمش در زمان صلح و آرامش و فراوانی امکانپذیر است.



## **پرسش هفتم: زنان با توجه به تجربه جنبش زن، زندگی، آزادی چه نقشی می توانند در گذار از دیکتاتوری به دموکراسی ایفا کنند؟**

**\* سوسن از ایران:** گذار از دیکتاتوری به دموکراسی نیاز به برتری عقلانیت به احساسات است و نیاز به اتحاد تمام اقشار جامعه دارد.

**\* مینا:** من فکر می کنم زنان و جوانان و اقلیت های مختلف ساکن کشور چارچوب اساسی جنبش زن، زندگی، آزادی را تشکیل دادند. این جنبش رهبران نسل های جدید می باشند و حکومت اسلامی را قبول ندارند. آنها حکومتی را می خواهند که آقا بالا سر نداشته باشند و عناصر حکومتی از طریق انتخابات آزاد انتخاب شوند. و کسی رهبر بازی در نیاورد. اگر تاریخ ایران را ببینیم متوجه می شویم که حکومت های دیکتاتوری مختلفی در این کشور حاکم بودند و همه به نحوی پدر مردم را در آوردند. یکی کمتر و یکی بیشتر. فرقی نمی کند همه آنها دیکتاتور بودند و جنایت کردند. ما این بار نیاز به سیستمی داریم که بشود رئیس جمهور یا نخست وزیرش را اگر در دوره حکومت داری خراب کردند پس از چهار الی پنج سال عوض کنیم. با رهبران همیشگی و مادام العمر موافق نیستیم. ما این بار شاید به نفع مان باشد که یک حکومت مدل جمهوری فرانسه یا آلمان یا امریکا را تجربه کنیم. جنبش زن، زندگی، آزادی در این مسیر حرکت می کند و ما از آن حمایت می کنیم. این جنبش به دلیل سرکوب حکومت اسلامی شکل فعالیتش را تغییر داده اما زود است که کار این جنبش را تمام شده بدانیم.

**\* نسرين از ایران:** زنان باید بتوانند در تشکل ها و نهادهای اقتصادی و اجتماعی رشد کنند و مطالباتشون رو بطور جدی در نهاد های قانون گذار مطرح کنند و پیش ببرند. در این صورته که به دموکراسی نزدیک تر می شوند.

**\* طلوع از ایران:** این جنبش به قدرت خودشان واقف شده اند و اکنون محکم تر می توانند بر مواضع شان بایستند که امیدوارم مواضع آنها فقط تکیه بر آزادی حق پوشش نباشد و برنامه دموکراتیک گسترده تری مد نظرشان باشد.

**\* سیما خانه دار از ایران:** مسلما نقش مهمی دارند و کار زیادی می طلبد.



**\* زهره از تهران:** نقش زنان در گذار به دموکراسی مهم، بسیار سخت و پیچیده است. چون ساختار مردسالارانه دیکتاتوری ها با تمام قوا در مقابل آنها ایستادگی می کند. ولی با دستیابی به خرد، دانش و فهم درست از زنانگی می توان در این راه سخت و طولانی به پیروزی هایی دست یافت.

**\* بتول:** نسل جدید در ایران در حال گذار هستند و کمی با ایده آل فاصله دارند. و همانطور که گفته شد عبور از دین بسیار هزینه دارد که زن هایی که در جوامع سنتی زندگی می کنند بخاطر نگاه دینی و تعصبی مردانشان هزینه زیادی برای این تفکر باید بدهند! زن ها با ۵۰ درصد آمار حضور در جامعه نقش مهمی دارند که حتما باید با آگاهی و روشنگری این تفکر رادیکال را به پیش ببرند.

**\* سیمین از ایران:** صدمه مالی به شخص وارد میشه و منجر به نابودی مسکن و وسایل منقول یا غیر منقول او می شود.

**\* پروانه:** نقش زنان در گذر از مسائل بفرنج جوامع بشری بر همه روشن و واضح است. استقامت مقاومت، آگاهی و رشد در جهت تغییر می تواند روشنی بخش فردای فرزندان ما باشد.

**\* مهشید:** زنان می توانند نقش بسیار مهمی در گذار از دیکتاتوری به دموکراسی داشته باشند. تجربه نشان داده که جنبش زن، زندگی، آزادی بسیار موفق بوده است. البته هنوز راه زیادی در پیش دارد اما با سازماندهی و مشارکت فعال و رهبری قوی می تواند نقش مهمی در فرایندهای سیاسی و اجتماعی داشته باشد. بطور مثال سازماندهی اعتراضات، تشکیل گروه حمایتی، آموزش در ارتباط با حقوق زنان، حقوق بشر، اصول دموکراسی، تشویق مردان برای حمایت از زنان و عدالت جنسیتی. تجربه نشان داده که زنان وقتی خود را باور داشته باشند می توانند در همه زمینه ها مفید و موثر باشند و در مبارزات دموکراتیک و آزادی خواهانه مردم ایران نقش مهم تری را به عهده بگیرند. ما شاهد این واقعیت بودیم که زنان در جنبش زن، زندگی، آزادی نقش همه جانبه و موثری در پیشبرد مبارزات دموکراتیک مردم ایران داشتند. به امید آزادی و رهایی ایران عزیزمان.

**\* شادی:** زنان فقط با بالا بردن سطح علمی و آگاهی خود می توانند نقش موثری در مبارزه داشته باشند.

**\* ریحانه:** در برحه حساس کنونی که جنبش زن، زندگی، آزادی با پیشتازی زنان آزادیخواه و مقاوم علیرغم سرکوب همه جانبه از طرف حکومت و مماشات استعمار با رژیم سرکوبگر توانست سد شکنی کند و با عدم مشارکت اکثریت قاطع مردم در انتخابات فرمایشی، مبارزات مردم را به مدار بالاتر ببرد و رژیم را چند گام عقب براند، ضروریست زنان با همبستگی و سازماندهی بیش از پیش در فعالیت های اجتماعی و روشنگرانه در داخل و خارج کشور مشارکت کنند و در دل مردمان ایران برای تغییر رژیم و بالاخره رسیدن به آرزوی يك صد و شصت ساله یعنی آزادی، دموکراسی و حاکمیت مردم بذر امید بکارند! "گذشته چراغ راه آینده است"

**\* زری:** جنبش زن، زندگی، آزادی روزنه ای بود بسوی دموکراسی. حرکتی جمعی که باعث ترک خوردن عظیم دیکتاتوری چندین ساله شد و زنان و مردان را از بی حسی و بی تفاوتی و ناامیدی تا حد زیادی بیرون آورد و با تمام هزینه های سنگینی که داد باریک راهی را به سوی امید به دموکراسی گشود و به مردم نشان داد که با همت و اتحاد می توان قدم های مثبتی را به سوی دموکراسی و آینده روشن تری برداشت.

**\* مزگان:** امیدوارم که دیکتاتورها در همه جهان بفهمند که همه مردم دنیا حق زندگی آزاد و آرام را دارند. برای کشورمون ایران زیبا آرزوی روزای روشن می کنم و ایرانی آزاد و به دور از دیکتاتور رو تصور می کنم.

**\* هایده:** نقش زنان در پیشروی دموکراسی در ایران کم نظیر است. با جنبش های مدنی و با شعار زن، زندگی، آزادی ستیز علیه حاکمان قداره مند بسته اند، به جز شناخته شدگان در بند، به مادران داغدار نگاه کنیم که چگونه نافرمانی مدنی می کنند. مادر نیکا شاه کرمی و وووووووو این زنان دل حکومت ایران را به لرزه انداخته اند و شك ندارم که زنان در فردای این رژیم سفاک در ساخت سرزمین مادری نقش به سزایی خواهند داشت. در پایان آرزومندم که همه مخالفین با هم يك صدا و همدل شوند که هر چه زودتر از این سیاه چال با سر بلندی به پیروزی نهائی دست یابیم.

**\* فهیمه:** به نظر من زنان و مردان اگر با هم همراه باشند می توانند اثر گذارتر باشند. این درست است که از هر نظر به آنها آسیب زده می شود اما امید بیشتری برای آزادی بوجود می آید و تمام اینها آگاهی رسانی جمعی می خواهد.

به امید آرزو.

\* **پروانه دو:** هر زن میتواند بعنوان هسته مرکزی در خانواده نقش آگاهی رسانی، اخلاق، درستکاری و نودوستی را ترویج کند.

\*\*\*\*\*

## جنگ و پیامد های ویرانگر آن - علی صمد



جنگ ها موجب کشتار، خونریزی، ویرانی و آسیب های گسترده به انسان ها، حیوانات و محیط زیست می شوند. در مقابل، صلح به عنوان یک "آرمان جهانی" ارزش هایی مانند دوستی، همدلی، مهربانی، برابری، آرامش، رواداری و گفتگو را ترویج می کند. این ارزش ها به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی معنا می دهند و افراد و جوامع را به هم وصل می کنند و از خشونت و درگیری ها جلوگیری می کنند.

صلح تنها به معنای نبود جنگ نیست، بلکه به معنای وضعیتی است که از طریق همکاری، درک متقابل و ارتباطات مستمر بین کشورها، ملت ها و افراد حاصل می شود. آرمان جهانی صلح نشان دهنده تلاش های بین المللی برای ساختن جامعه ای با ارزش های انسانی، حل مسائل از طریق گفتگو و مذاکره و فراهم کردن زمینه ای مطمئن برای رشد و توسعه زندگی بشریت است.

### جنگ و تخریب منابع طبیعی و انسانی

در دوران جنگ، تخریب و استفاده بی رویه از منابع طبیعی افزایش می یابد و این مسئله تاثیرات جدی بر محیط زیست و حقوق بشر دارد. برخی از این تاثیرات عبارتند از:

**یک- خسارات انسانی:** جنگ ها منجر به کشتار، زخمی شدن و آسیب های جسمی و روحی به میلیون ها انسان می شوند. افراد بیگناه زندگی شان تحت تاثیر جنگ و ویرانی قرار می گیرد و سختی های بسیاری را متحمل می شوند.

**دو- خسارات اقتصادی:** تخریب زیرساخت های اقتصادی و کاهش توان تولیدی باعث بروز خسارات عظیم و طولانی مدت در جامعه جنگ زده می شود. برقراری صلح و پیشگیری از جنگ ها از مهم ترین چالش ها برای حفظ زیرساخت ها و توسعه پایدار جوامع است.

**سه- تخریب زیرساخت ها و خدمات اساسی:** حملات نظامی در دوران جنگ به تخریب و نابودی مدارس، ساختمان ها، خانه ها، بنادر، جاده ها، فرودگاه ها، شبکه های انرژی و ارتباطات و امکانات حمل و نقل منجر می شود.

**چهار- آسیب به محیط زیست:** نیرو های نظامی درگیر در جنگ با تخریب منابع زمینی و زیرزمینی از طریق بمباران ها و سلاح های شیمیایی تاثیرات مخربی بر محیط زیست می گذارند.

**پنج- افزایش گازهای گلخانه ای:** در دوران جنگ، تخریب زیرساخت ها، استفاده گسترده از تجهیزات نظامی و

نابودی منابع طبیعی منجر به افزایش انتشار گازهای گلخانه ای می شود.

**شش- استفاده نادرست از منابع طبیعی:** در دوران جنگ، منابع طبیعی به عنوان ابزار جنگی مورد استفاده قرار می گیرند و به شکلی نادرست از آنها بهره برداری می شود.

**هفت- نابرابری در دسترسی به منابع:** در دوران جنگ، توزیع نابرابر و ناعادلانه ای از منابع طبیعی صورت می گیرد که می تواند منجر به تشدید تبعیض و نابرابری های اجتماعی شود.

**هشت- استفاده بی رویه از منابع آب:** در دوران جنگ، استفاده بی رویه از منابع آب به ویژه در مناطق جنگی می تواند به کمبود شدید آب شرب و آشامیدنی منجر شود.

**نه- نابودی منابع کشاورزی:** مناطق کشاورزی به عنوان اهداف جنگی مورد حمله قرار می گیرد و تخریب آنها به کاهش توانایی تامین غذایی جامعه منجر می شود.

**ده- گسترش فقر و بی ثباتی:** جنگ ها به طور جدی بر توزیع منابع و روند توسعه اقتصادی تاثیر منفی می گذارند، که نتیجه مشخص آن گسترش فقر و بی ثباتی اقتصادی است.

**یازده- مهاجرین و آوارگان جنگ:** میلیون ها نفر به دلیل تهدیدات جنگی از خانه و کاشانه خود فرار می کنند و به دنبال امنیت و حقوق بنیادی آواره می شوند.

**دوازده- تضعیف نیروی جوانان و نسل های آینده:** نسل های نوجوان و جوانی که در دوران جنگ رشد می کنند، با شرایط نامطمئن و خشونت آمیز مواجه می شوند که تاثیرات منفی بلندمدتی بر سلامت روحی و جسمی آنها دارد.

### **\* نقض شدید حقوق بشر در جنگ ها**

در جنگ ها، حقوق بشر به شدت نقض می شوند و افراد، به ویژه غیرنظامیان، با تبعیضات، خشونت ها، محدودیت ها و نابرابری های زیادی مواجه می شوند. برخی از این موارد عبارتند از:

- ۱- کشتار غیرنظامیان:** غیرنظامیان اغلب در معرض حملات نظامی قرار می گیرند و بسیاری از این حملات به کشتار بی گناهان بویژه زنان، کودکان و سالمندان منجر می شود.
- ۲- استفاده از سلاح های غیرمتعارف:** کاربرد سلاح های شیمیایی، بیولوژیکی و هسته ای در جنگ ها خسارات جانی و مادی هولناکی به بار می آورد.
- ۳- سوءاستفاده از اسیران جنگی:** اسرای جنگی گاهی اوقات به طور ناعادلانه مورد سوءاستفاده قرار می گیرند و حقوق اساسی و انسانی آنها به شدت نقض می شود.
- ۴- آسیب به اماکن مذهبی و فرهنگی:** تخریب موزه ها، آثار هنری و تاریخی در جنگ ها منجر به از دست رفتن تاریخ و فرهنگ یک جامعه می شود.
- ۵- خشونت های جنسی:** در دوران جنگ، خشونت های جنسی به عنوان یک ابزار قدرت و هدف جنگی مورد استفاده قرار می گیرند.
- ۶- پیچیدگی در تامین حقوق بشر:** جنگ ها و درگیری های نظامی، اغلب رعایت و اجرای حقوق بشر را پیچیده و دشوار می کنند.
- ۷- تاثیرات بر کودکان:** کودکان در دوران جنگ به عنوان یکی از گروه های آسیب پذیر بیشترین آسیب را می بینند. این تجربیات می توانند به آسیب های جسمی و روانی بلندمدت منجر شوند.

**\*جنگ ها و حیات وحش**



حیوانات در جنگ ها و تعارضات نظامی آسیب می بینند و این یکی دیگر از جنبه های تلخ زندگی در مواجهه با جنگ است. برخی از اثرات مخرب بر حیوانات در دوران جنگ عبارتند از:

**یک- تلفات جانی:** حملات نظامی به مناطق جنگ زده می تواند منجر به تلفات جانی جدی در جمعیت های حیوانات شود.

**دو- آسیب به محیط زیست و حیات وحش:** انفجارها، آتش سوزی ها و تخریب زیرساخت ها منجر به تغییرات جدی در محیط زیست و زندگی حیوانات می شوند.

**سه- آلودگی محیط زیست:** مواد شیمیایی، مواد منفجره و زباله های نظامی ممکن است به محیط زیست نفوذ کنند و آلودگی هوا، آب و خاک را افزایش دهند.

**چهار- تغییر در شیوه زندگی و مهاجرت حیوانات:** حضور نظامی و تغییرات در محیط زیست ممکن است باعث تغییر در شیوه زندگی حیوانات شود.

**پنج- استفاده ناقص از منابع طبیعی:** جنگ ها منجر به تخریب زیرساخت های مورد نیاز حیوانات، مانند مناطق آشیانه گذاری و منابع غذایی آنها می شود.

**شش- تخریب زیستگاه ها:** حملات نظامی ممکن است زیستگاه های حیوانات را تخریب کرده و مناطقی که برای تغذیه و زندگی حیوانات لازم است را از بین ببرد.

**هفت- کاهش تنوع زیستی:** در مناطق جنگ زده به دلیل تخریب محیط زیست و کشتار وسیع حیوانات، تنوع زیستی به شدت کاهش می یابد.

### \* گروه هایی که از بروز جنگ سود می برند

در هنگام بروز جنگ، گروه ها و نهادهای مختلفی از این درگیری ها سود می برند. برخی از این گروه ها عبارتند از:

۱. **تولیدکنندگان و فروشندگان سلاح و مهمات نظامی:** این گروه ها به دلیل افزایش تقاضا برای محصولاتشان، از جنگ سودهای هنگفت و نجومی می برند.

۲. **تاجران جنگ:** افرادی که در خرید و فروش مواد غذایی، داروها و سایر ملزومات ضروری در مناطق جنگ زده فعالیت دارند.

۳. **پیمانکاران ساخت و ساز:** شرکت ها و نیرو هایی که به ترمیم و بازسازی زیرساخت ها و ساختمان های آسیب دیده از جنگ می پردازند.

۴. **گروه های تروریستی و شبه نظامیان:** برخی گروه های مسلح و تروریستی از جنگ به عنوان فرصتی برای تقویت موقعیت خود و جذب نیروهای جدید استفاده می کنند.

**۵. متجاوزان:** کشورها یا گروه هایی که در جنگ به دنبال تصرف اراضی جدید یا بهره برداری از منابع طبیعی هستند.

**۶. بخش‌های خاصی از اقتصاد:** جنگ ممکن است باعث تحریک حرکت اقتصادی و افزایش تولید و صادرات در برخی بخش های خاص از اقتصاد شود.

**۷. مقامات نظامی و سیاسی:** نظام‌های سیاسی و حاکمان ممکن است از جنگ به عنوان امکانی برای تقویت قدرت سیاسی و تثبیت موقعیت خود استفاده کنند. جنگ می تواند فرصتی برای تمرکز بیشتر بر روی مسائل داخلی و افزایش اقتدار در سطح داخلی و بین‌المللی فراهم کند.

### \* مخالفت و مبارزه با تجارت تسلیحات و شرکت های بزرگ اسلحه سازی



مقابله با تجارت تسلیحات و شرکت های بزرگ اسلحه‌سازی چالش بزرگی است، زیرا این تجارت معمولاً در قالب قراردادهای بین‌المللی انجام می شود و برخی کشورها به تامین امنیت ملی خود از طریق خرید تسلیحات وابسته هستند. با این حال، می توان با تدابیری اثرگذاری این شرکت‌ها و تجارت تسلیحات را کاهش داد. برخی از راهکارهای ممکن عبارتند از:

**یک- تقویت نظام بین‌المللی:** افزایش تقویت نظام بین‌المللی و تایید توافقنامه ها و تشدید تحریم ها در صورت نقض آنها می تواند موثر باشد. سازمان ملل متحد نقش مهمی در این عرصه دارد.

**دو- تقویت قوانین بین‌المللی:** تقویت قوانین بین‌المللی مرتبط با تجارت تسلیحات و کنترل صادرات اسلحه می تواند به کاهش تخلفات و فروش افراطی تسلیحات کمک کند.

**سه- تحریم‌ها:** اعمال تحریم ها علیه کشورها یا شرکت هایی که در تجارت تسلیحات شرکت می کنند و نقض حقوق بشر یا ترویج جنگ می کنند، می تواند یک ابزار موثر علیه عملکرد آنها باشد.

**چهار- فعالیت‌های مدنی:** افزایش آگاهی عمومی درباره نقض حقوق بشر و تاثیرات منفی تجارت تسلیحات می تواند فشار عمومی ایجاد کرده و تصمیم‌گیران سیاسی را تحت تاثیر قرار دهد.

**پنج- ترویج دیپلماسی:** ترویج دیپلماسی و مذاکرات جهانی برای کاهش فروش تسلیحات و افزایش صلح و امنیت از طریق همکاری بین‌المللی.

**شش- تغییر نگرش‌ها:** تغییر نگرش‌ها و سیاست‌های ملی درباره استفاده از تسلیحات و توجه به حل مسائل به صورت صلح آمیز و افزایش همکاری بین‌المللی می تواند به کاهش نیاز به تسلیحات منجر شود.

تغییر در سیاست تجارت تسلیحات و مقابله با شرکت های اسلحه سازی نیازمند هماهنگی در عرصه بین‌المللی و تعهد مستقیم از طرف کشورها است. افزایش شفافیت در معاملات نظامی و فروش تسلیحات می تواند به کاهش فساد و تقویت پاسخگویی در این بخش کمک کند.

## \* تاثیرات جنگ بر سلامت روانی افراد

جنگ ها تاثیرات بسیار گسترده ای بر سلامت روانی افراد دارند که می توانند به صورت مستقیم و غیرمستقیم، در طول جنگ یا حتی پس از آن، بروز کنند. برخی از این اثرات عبارتند از:

**۱- استرس پس از صدمات نظامی:** افرادی که در مناطق جنگی خدمت کرده یا شاهد صحنه های خشونت و ترس بوده اند، ممکن است به استرس مبتلا شوند. این اختلال با علائمی همچون خیالات مبهم و مزاحم، اضطراب، افزایش واکنش به محیط و مشکلات در روابط اجتماعی همراه است.

**۲- افسردگی و اضطراب:** جنگ و مشاهده حوادث خشونت آمیز می تواند منجر به افسردگی و اضطراب شود. افراد ممکن است با خسارت های جسمی یا از دست دادن عزیزان خود مواجه شوند که تاثیرات عمیقی بر روحیه و روان آنها دارد.

**۳- مشکلات خواب:** نظامیان و شهروندانی که در معرض شرایط ترسناک و استرس زا قرار دارند، اغلب با مشکلات خواب یا بی خوابی دست و پنجه نرم می کنند که می تواند سلامت جسمی و روانی را تحت تاثیر قرار دهد.

**۴- مشکلات در روابط:** جنگ و خشونت می توانند به مشکلاتی در روابط خانوادگی و اجتماعی منجر شوند. افراد ممکن است به دلیل تجربیات ترسناک خود، دچار مشکلات ارتباطی شوند و از اجتماع به دور شوند.

**۵- کاهش احترام به ارزش ها و اخلاق:** تجربه خشونت و جنگ می تواند باعث کاهش احترام به ارزش های جامعه و اخلاق شود. این وضعیت ممکن است به تضعیف هنجارهای اخلاقی و افزایش ترس و بی اعتمادی در جوامع منجر شود.

**۶- خطر اعتیاد:** تجربه های ناشی از جنگ، استرس و اضطراب ممکن است باعث افزایش خطر اعتیاد به مواد مخدر یا مشروبات الکلی شود.

**۷- دشواری ها در بازگشت به زندگی معمولی:** بسیاری از نظامیان پس از بازگشت به زندگی عادی با چالش ها و مشکلات زیادی روبرو می شوند. تطابق یافتن با تغییرات و ادامه زندگی پس از تجربیات جنگ می تواند زمان بر و دشوار باشد.

این تاثیرات روانی نشان دهنده اهمیت نیاز به حمایت روانی و اجتماعی برای افرادی است که در شرایط جنگ قرار گرفته اند. اقداماتی مانند ارائه خدمات روانشناسی، حمایت خانوادگی و ایجاد شرایط مناسب برای بازگشت به زندگی عادی می تواند به تسهیل بازگشت افراد از این تجربیات کمک کند.

## \* مشکلات روحی و روانی نظامیان و غیرنظامیان در دوران جنگ

در دوران جنگ، مشکلات روحی و روانی می توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر افراد مختلف تاثیر بگذارند. افراد مختلفی در دوران جنگ با مشکلات روانی مواجه می شوند، از جمله:

**یک- نظامیان:** نظامیان ممکن است به دلیل مواجهه با خطرات مستمر، صحنه های خشونت آمیز و از دست دادن همراهان و همزمان خود، با مشکلات روانی روبرو شوند. استرس و اختلال پس از آسیب نظامی یکی از معروف ترین مشکلات است.

**دو- در جوامع محلی:** افراد غیر نظامی، به خصوص در مناطق جنگ زده، ممکن است با تجربه خشونت، از دست دادن اقوام و دوستان، فقدان امنیت و شرایط زندگی ناپایدار، مشکلات روانی را تجربه کنند.

**سه- پرسنل بهداشت عمومی:** پرسنل پزشکی، پرستاران و سایر بخش های بهداشت عمومی که در مناطق جنگی خدمت می کنند، غالباً شاهد صحنه های خشونت و اورژانس، فشار کاری بالا و احتمالاً از دست دادن بیماران هستند.

**چهار- خانواده ها:** اعضای خانواده های نظامیان و افرادی که در مناطق جنگی زندگی می کنند، نیز به دلیل نگرانی ها، فشارهای اقتصادی و مرگ یا آسیب جسمی یک عضو خانواده، درد و غم روحی را تجربه می کنند.

**پنج- کودکان:** کودکان آواره که در مناطق جنگی زندگی می کنند غالباً در آسیب پذیرترین شرایط زندگی خود به سر می برند و مشکلات جدی از جمله اضطراب، افسردگی و مشکلات رفتاری را به طور روزانه تجربه می کنند.

### \* جنگ ها موجب فقر و گرسنگی در جامعه می شود



جنگ ها اغلب باعث افزایش گرسنگی و فقر در جوامع می شود. عواملی مانند تخریب زیرساخت ها، جابجایی جمعیت، قطع ارتباطات تجاری، تحریم ها و محدودیت های مالی، تخریب زیرساخت های کشاورزی و کاهش سطح درآمد عمومی می توانند به افزایش این مشکلات منجر شوند. این مجموعه عوامل می تواند منجر به وارد آمدن شرایط گرسنگی و فقر در جوامع جنگ زده شود و نقش مهمی در تعمیق بحران های انسانی در دوران جنگ ایفا کند.

### \* آسیب های وارده بر زنان و کودکان در دوران جنگ

کودکان و زنان از جمله ضعیف ترین اقشار جامعه در دوران جنگ هستند و آسیب های جدی جسمی و روانی متحمل می شوند. برخی از آثار منفی بر کودکان و زنان عبارتند از:

- ۱. آسیب به کودکان:** کودکان هدف حملات نظامی و خشونت های متعدد قرار می گیرند و با مشکلاتی چون استرس، افسردگی و کابوس های دائمی مواجه می شوند.
- ۲. جدایی از خانواده:** جنگ ها باعث جدایی کودکان از خانواده هایشان می شوند که این مسئله بر روی رشد روانی و اجتماعی آنان تاثیر منفی می گذارد.
- ۳. جذب اجباری در نیروهای نظامی:** در برخی موارد، گروه های نظامی از کودکان به طور اجباری و به عنوان کودک سرباز در جنگ ها استفاده می کنند.
- ۴. آسیب به زنان:** زنان در دوران جنگ معمولاً به عنوان یکی از اهداف جنگ مورد خشونت جنسی، تجاوز و آزار و اذیت قرار می گیرند.
- ۵. فقدان امنیت:** زنان در شرایط جنگی امنیت فردی و اجتماعی خود را از دست می دهند.
- ۶. تغییر نقش های اجتماعی:** نقش های زنان ممکن است دچار تغییرات شدیدی شود و آنها مسئولیت ها و فشارهای اجتماعی جدیدی را تجربه کنند.
- ۷. پیامدهای نسلی و تاثیر بر آینده:** جنگ ها می توانند آثار نسلی بر جای بگذارند؛ به عنوان مثال، آسیب های جسمی و ژنتیکی ناشی از جنگ ممکن است به نسل های آینده منتقل شود.

## \* زنان در دوران جنگ



زنان در زمان جنگ بسیار آسیب پذیر هستند. مهم ترین عوامل آسیب پذیری زنان در زمان جنگ عبارتند از:

**یک- تجاوز و خشونت جنسی:** زنان به عنوان یک گروه آسیب پذیر، در شرایط جنگ در معرض خطرات جسمی و روحی بیشتری قرار می گیرند.

**دو- فقدان امنیت:** سیستم های امنیتی در شرایط جنگ ممکن است به شدت تضعیف شوند یا از بین بروند، و زنان در معرض خطرات ناشی از حملات نظامی و ناامنی های مختلف قرار می گیرند.

**سه- کاهش دسترسی به خدمات اساسی:** جنگ به ساختارهای اجتماعی و اقتصادی آسیب می زند و دسترسی زنان به خدماتی مانند بهداشت، آب، غذا و مراقبت های پزشکی را کاهش می دهد.

**چهار- از دست رفتن هویت اجتماعی و فرهنگی:** نابودی شبکه های اجتماعی و فرهنگی در جنگ، مهاجرت اجباری و اشغالگری منجر به از دست رفتن هویت اجتماعی و فرهنگی زنان می شود و آنها را دچار انزوای اجتماعی و مشکلات روانی و اجتماعی می کند.

**پنج- مسئولیت های خانوادگی:** با وجود اینکه امروزه زنان به طور گسترده ای در محیط های شغلی فعال هستند و از حقوق برابر با مردان برخوردارند، مسئولیت های خانوادگی و مراقبت از فرزندان همچنان بخش بزرگی از زندگی آنها را تشکیل می دهد. در شرایط جنگ، این مسئولیت ها می تواند به طور قابل توجهی پیچیده تر و دشوار تر شود. زنان ممکن است در تامین نیاز های خود و خانواده هایشان با مشکلات جدی مواجه شوند. در نتیجه، زنان در زمان جنگ به دلیل فشار های مضاعف ناشی از این مسئولیت ها و شرایط دشوار، به شدت آسیب پذیر هستند و نیازمند حمایت و توجه ویژه تری می باشند.

## \* خشونت علیه زنان در دوران جنگ



خشونت علیه زنان در زمان جنگ به دلیل عوامل مختلفی افزایش می یابد، از جمله:

**۱- اختلال در قوانین و ارزش های اجتماعی:** بحران ها و مهاجرت های اجباری می توانند به بی ثباتی اجتماعی و افزایش خشونت علیه زنان منجر شوند.



۲- **نبود نظام قضائی قدرتمند:** ضعف در سیستم های قانونی در مناطق جنگ زده باعث کاهش حمایت ها و افزایش خشونت علیه زنان می شود.

۳- **نقض حقوق بشر:** گزارش های حقوق بشری نشان می دهد که در زمان جنگ، نقض حقوق زنان از جمله خشونت های جنسی افزایش می یابد.

۴- **تشدید فقر و بی ثباتی:** جنگ ها فقر را افزایش داده و نیازهای اساسی زنان را تحت تاثیر قرار می دهند، که خود موجب افزایش خشونت می شود.

### \* جنگ ها و سلاح های هسته ای با قدرت تخریب بالا

نگرانی ها درباره جنگ ها و سلاح های هسته ای به دلیل توان تخریبی بالای آنها و تهدیدات جدی برای بشریت رو به افزایش است. مسائل کلیدی شامل:

یک- **سلاح های هسته ای:** این سلاح ها می توانند تهدیدات جدی برای بشریت ایجاد کنند و بر توازن قدرت های بین المللی تأثیر بگذارند.

دو- **سلاح های بیولوژیک و شیمیایی:** این سلاح ها به دلیل آسیب های جدی به سلامت عمومی و محیط زیست، بسیار خطرناک هستند.

سه- **تسلیمات هوش مصنوعی و اتوماسیون:** پیشرفت ها در این زمینه ممکن است به کاهش کنترل انسانی بر عملیات نظامی و افزایش خطرات منجر شوند.

چهار- **تجارت سلاح:** تجارت بین المللی تسلیحات نظامی می تواند تنش ها و جنگ ها را تشدید کند.

برای پیشگیری از تخریب های وحشتناک و حفظ امنیت جهانی، کنترل سلاح های هسته ای، تقویت معاهده ها و مذاکرات بین المللی و ترویج صلح و امنیت جهانی از اهمیت بالایی برخوردارند. این تلاش ها نیازمند همکاری مستمر میان دولت ها، سازمان های بین المللی و جامعه جهانی است تا به طور موثر به کاهش خطرات و ارتقای امنیت جهانی پرداخته شود.

### \* راه حل نظامی و غیر نظامیان

استفاده از راه حل های نظامی علیه غیرنظامیان، از جمله بمباران مناطق مسکونی، معمولاً نتایج زیر را به همراه دارد:

۱. **نقض حقوق بشر:** این حملات منجر به کشته و مجروح شدن غیرنظامیان و تخریب زیرساخت ها می شوند.

۲. **افزایش مشکلات مردم:** حملات نظامی می توانند به جنایات جنگی و نقض شدید حقوق بشر منجر شوند.

۳. **استفاده از تروریسم:** حملات نظامی ممکن است افراد را به سمت فعالیت های تروریستی سوق دهند.

۴. **افزایش تنش ها:** این حملات معمولاً به تشدید تنش ها و درگیری ها منجر می شوند.

۵. **تخریب زیرساخت ها:** تخریب زیرساخت ها موجب مشکلات گسترده در خدمات عمومی و اقتصادی می شود و بازسازی آنها زمان بر و پرهزینه است.

### \* کشتار و بمباران غیرنظامیان موجب نفرت و نژادپرستی می شود

حملات نظامی که به کشتار غیرنظامیان و تخریب زیرساخت ها منجر می شود، معمولاً نفرت، نژادپرستی و تشدید تنش ها را افزایش می دهد. این تأثیرات عبارتند از:

**یک- افزایش نفرت و تنش‌ها:** حملات نظامی به خشم و انتقام مردم دامن می‌زند.

**دو- تشدید انگیزه های تروریستی:** این حملات می توانند به افزایش جذب افراد به گروه‌های تروریستی منجر شوند.

**سه- چشم انداز انسانی بحران:** کشتار غیرنظامیان موجب بحران های انسانی و اجتماعی طولانی‌مدت می شود.

**چهار- سخت تر شدن تنش‌ها در سطح بین‌المللی:** این حملات می توانند به تشدید تنش های بین‌المللی و بحران های دیپلماتیک منجر شوند.

به طور کلی، راه‌حل های نظامی برای حل مسائل سیاسی و منطقه ای ناکارآمد بوده و مشکلات را پیچیده تر می کنند. واکنش های بین‌المللی به این حملات نیز می تواند به تشدید تنش ها و بروز بحران های دیپلماتیک منجر شود.

### \* جنگ مدرن در دوران دیجیتال

در عصر دیجیتال، جنگ ها به شدت تحت تأثیر فناوری های اطلاعات و ارتباطات قرار گرفته اند. این تغییرات منجر به افزایش سرعت، دسترسی به قابلیت های نظامی شده است. ویژگی های کلیدی جنگ مدرن در این دوران عبارتند از:

**۱- جنگ الکترونیکی:** شامل استفاده از امواج الکترومغناطیسی برای اختلال در ارتباطات دشمن و ایجاد اشتباهات در سیستم های آنها است. این نوع جنگ به عنوان یک بخش کلیدی از استراتژی های نظامی مدرن مطرح است.

**۲- حملات سایبری:** به حملات علیه سیستم های کامپیوتری و شبکه های اطلاعاتی اشاره دارد که می توانند به داده های حساس و زیرساخت های بحرانی آسیب برسانند. تهدیدات سایبری به یک اولویت امنیتی مهم تبدیل شده است.

**۳- نبرد اطلاعاتی:** در عصر دیجیتال، کنترل و مدیریت صحیح اطلاعات و جلوگیری از انتشار اخبار نادرست نقش حیاتی دارند و بر تصمیم‌گیری های استراتژیک تأثیر می گذارند.

**۴- جنگ هوش مصنوعی:** استفاده از هوش مصنوعی در تحلیل داده ها، پیش‌بینی حرکات دشمن و تصمیم‌گیری های استراتژیک افزایش یافته است.

**۵- تحول در جنگ زمینی:** فناوری های نوین مانند رباتیک و اتوماسیون به تغییر نحوه عملیات نظامی و افزایش دقت و کارایی در میدان نبرد کمک کرده اند.

**۶- انتشار اطلاعات:** رسانه های دیجیتال و شبکه های اجتماعی به سرعت اطلاعات را منتشر کرده و بر افکار عمومی و روندهای سیاسی تأثیر می گذارند.

**۷- تغییر در مفهوم مرزها:** جنگ در دوران دیجیتال تأثیرات عمیقی بر مفهوم مرزها و حدود ملی گذاشته است. حملات سایبری و فعالیت های جنگ دیجیتال به طور فزاینده ای مرزهای جغرافیایی را نادیده می گیرند و می توانند به زیرساخت ها و امنیت کشورها آسیب برزند بدون اینکه به محدودیت های جغرافیایی توجه کنند. این تغییرات موجب شده اند که کشورها به دنبال راه‌حل های نوین برای مدیریت امنیت دیجیتال و مقابله با تهدیدات سایبری باشند.

این ویژگی ها نشان دهنده ابعاد گسترده تر و پیچیده تر جنگ در دوران دیجیتال هستند که نیازمند فهم عمیق تر و به روزرسانی نظریه ها و تاکتیک های نظامی است.

## \* پایان دادن به جنگ ها



برای متوقف کردن جنگ ها و حل بحران ها، چند راهکار کلی و تجربه شده وجود دارد:

**یک- روش های دیپلماتیک:** استفاده از مذاکرات و تعیین میانجیان بین‌المللی می تواند به توافقات صلح‌آمیز منجر شود.

**دو- تحریم ها و فشارهای اقتصادی:** اعمال تحریم ها و فشار های اقتصادی می تواند دولت ها را به مذاکره ترغیب کند.

**سه- مشارکت مردم:** فشارها و تحرکات مردمی می تواند دولت ها را به تغییر نگرش و رفتارهای خود وادار کند.

**چهار- تامین امنیت:** استقرار امنیت در منطقه پیش‌نیازی برای موفقیت فرآیند صلح است.

**پنج- احترام به حقوق بشر:** توجه به حقوق بشر در طول فرآیند صلح حیاتی است.

**شش- آموزش و فرهنگ‌سازی:** افزایش آگاهی مردم درباره ارزش های صلح به فرآیند صلح کمک می کند.

ترکیب این راهکارها و همکاری میان دولت ها، سازمان های بین‌المللی، جامعه مدنی و میانجی ها به موفقیت در ایجاد صلح و پایان دادن به جنگ ها کمک می کند.

## \* ترویج ارزش های انسانی

ترویج ارزش های انسانی همچون صلح، دوستی، تسامح و تساهل نقش مهمی در کاهش تضادها و پر کردن شکاف ها در جهان دارد. اقدامات مهم در این راستا عبارتند از:

۱. **ترویج فرهنگ صلح:** افزایش آگاهی درباره اهمیت صلح در جوامع مختلف.

۲. **تسامح و تساهل:** تشویق به تسامح و تساهل در برخورد با تفاوت های فرهنگی و اجتماعی.

۳. **پیشبرد عدالت اجتماعی:** توزیع عادلانه تر منابع و فرصت ها.

۴. **آموزش و پژوهش:** سرمایه گذاری در آموزش و پژوهش در زمینه‌های تعاملات فرهنگی و حل اختلافات.

۵. **تشویق همکاری های بین‌المللی:** افزایش همکاری های بین‌المللی در زمینه های مختلف.

۶. توسعه روابط فرهنگی: ایجاد فرصت های بیشتر برای تبادل فرهنگی میان ملت ها و کشورها.

۷. تقویت نهادهای بین المللی: حمایت از نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل.

۸. ترویج دیپلماسی، گفتگو و رواداری: استفاده از دیپلماسی برای حل مناقشات بین المللی.

با تقویت این ارزش ها، می توان به ایجاد جهانی صلح آمیز، پایدار عادلانه و ضد تبعیض نزدیک تر شد و از آسیب های جنگ جلوگیری کرد.

ژوئیه ۲۰۲۴

منابع:

یک- سازمان ملل

دو- سازمان بهداشت جهانی سازمان عفو بین الملل

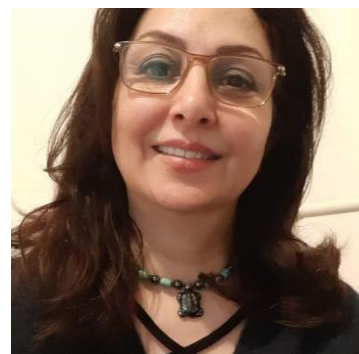
سه- موسسه تحقیقات صلح بین المللی استنکلم

چهار- یورونیوز

\*\*\*\*\*

## سلامت جنسی و بهداشت باروری زنان در خلال جنگ و نزاع ها

آیا ما همه ی جوانب را می بینیم؟/ نویسندگان: جنی هدسترم و توماس هردر/ ترجمه: ملیحه حیاتی  
موسسه ی: اقدام در جهت سلامت جهانی/16 مارس، 2023/ شماره ی شانزدهم



### بهداشت باروری زنان در جنگ و نزاع ها

بر کسی پوشیده نیست که در دوران جنگ و پس از آن، بهداشت باروری ناامن بوده و در معرض خطر قرار می گیرد (1-4) و البته همین عدم امنیت رابطه ی مستقیمی با بالا رفتن میزان مرگ و میر زنان دارد. همین مسیله بر حذف زنان در تصمیم گیری هایی همچون وقوع جنگ و یا انعقاد پیمان صلح نیز می افزاید (5). آسیب پذیری و مخاطره آمیز بودن سلامت باروری در چنین دورانی بر فرودستی و فقر (6) زنان نیز دخیل است، در واقع این مهم با اثرات مضر بالقوه ای که بر توسعه ی پایدار دوران پسا جنگ و موارد متأثر از درگیری ها دارد، فرودستی زنان مورد بحث را افزایش می دهد. این مقاله پیشنهاد بهبود سلامت باروری از طرفی، ارتقا مقام زنان و رشد سلامت آنها، و از سوی دیگر پایین آوردن سطح فرودستی زنان و تقلیل نابرابری در سطوح تصمیم گیری را دارد که تاثیرات مثبت و دراز مدتی بر اجتماع می گذارد. با درک این موضوع (7)، بخش اهداف توسعه ی پایدار سازمان ملل، سلامت مادران را در اولویت جهانی قرار داده و در قطعنامه های اخیر، در دستور کار امنیت و صلح، بر سلامت جنسی و بهداشت باروری زنان جان بدر برده از خشونت جنسی تاکید دارد.

با این حال هنوز بطور کامل نمی دانیم که چگونه و چرا سلامت جنسی، بهداشت باروری و حقوق مرتبط با آنها ( اس ار اچ ار) تحت تاثیر جنگ ها و درگیری های مسلحانه قرار می گیرند.

تحقیقات موجود در شاخه ی بهداشت جهانی همواره بر زیر ساختهای بهداشتی به مثابه ی کلید اصلی سلامت

زنان و دختران در هنگام جنگ و دوران پس از آن تکیه می‌کند. مطالعات نشان داده‌اند که خشونت‌های سازمان یافته ریسک مرگ و میر دوران بارداری را افزایش می‌دهند(8). دلیل آن نیز کمبود و یا نبود زیر ساخت‌های بهداشتی است که خود دلیل محدودیت دسترسی زنان و دختران به خدمات سلامت مادر و باروری می‌شود. عدم دسترسی به این خدمات خود تحت تاثیر عوامل بنیانی و ثانویه ای همچون سوءتغذیه، فقر، فقدان دسترسی به آب تمیز و بهداشتی(9)، خشونت‌های جنسی و جنسیتی و دیگر موارد نقض حقوق بشر می‌باشند(10-11). اکنون می‌دانیم که دسترسی محدود به برنامه‌های تنظیم خانواده و مراقبت‌های بهداشتی تا چه اندازه ای آمار باروری‌های ناخواسته و سقط جنین‌های پرخطر را بالا برده است(12،8).

بر اساس پیشنهادات ذکر شده در تحقیقات، مداخلات متمرکز بر بهبود امکانات دسترسی به خدمات سلامت مادران می‌تواند اثرات منفی جنگ بر رفاه زنان و دختران را کم‌رنگ کند(13). بطور مثال، افزایش امکان دسترسی به خدمات سلامت مادر و باروری(14)، دسترسی به آب آشامیدنی سالم و تغذیه مناسب(11) و تامین امنیت را می‌توان بر شمرد(13). به بیانی دیگر، این مجموعه‌ی تحقیق، به طور اساسی به افزایش شناخت از تاثیر جنگ بر بهداشت باروری و حقوق زنان کمک رسانده است. اول از همه نشان می‌دهد که جنگ‌ها دسترسی به خدمات بهداشت مادر را مختل می‌کنند. همچنین نشان می‌دهد که با مداخلات برنامه ریزی شده و هدفمند در راستای دسترسی به خدمات بهداشتی، روش‌های جلوگیری و برنامه‌ی تغذیه، می‌توان به توازن در این زمینه دست یافت. در حالیکه چنین داده‌هایی دانش ما را از بهداشت باروری زنان در خلال جنگ، با دیدی نقادانه، افزایش می‌دهد اما همچنان در توضیح اولویت زیر ساخت‌ها و عوامل سیستماتیک موثر بر اس‌ا‌ا‌ج (سلامت جنسی، بهداشت باروری و حقوق مرتبط با آنها) در شرایط جنگی و پسا جنگی ناتوان مانده است. از آن جمله، آنها تصویر کاملی از اینکه چگونه و چرا اس‌ا‌ا‌ج از (سلامت جنسی، بهداشت باروری و حقوق مرتبط با آنها) تحت تاثیر جنگ قرار گرفته را ارائه نمی‌دهند.

دلیل ناتوانی‌های مطرح شده در بالا نیز این است که حق دختران و زنان بر بدن خود و امنیت باروری‌هایی کاملاً سیاسی و امنیتی هستند. پیشنهاد ما این است که به دیدگاه‌های فمینیستی در مورد جنگ در تحقیقات بهداشت جهانی بخصوص نقش اس‌ا‌ا‌ج از (سلامت جنسی، بهداشت باروری و حقوق مرتبط با آنها) در جنگ توجه شود. این توجه می‌تواند به درک ما از چگونگی قرار گرفتن بدن زنان در مرکز سیاست‌گذارها و خشونت‌های قهرآمیز کمک کند که در آن میان می‌توان از، نحوه‌ی کنترل جمعیت، نسل‌کشی و پاکسازی‌های قومی نام برد(15). علاوه بر آن، مطالعات نشان داده‌اند که، چگونه گروه‌های شورشی بر سیاست‌های باروری و روابط مابین سربازان خود نظارت می‌کنند و آنها را تحت کنترل دارند. بازنشستگی سربازان پس از بارداری یا ازدواج دور از انتظار نیست(19،20)، سقط جنین یا استفاده‌ی اجباری از وسایل جلوگیری را بر زنان تحمیل می‌شود(21)، حتی ازدواج بین سربازان و یا بین سربازان و زنان محلی نیز اجباری است(22). گزارشات رسیده از نیجریه بر این نکته صحت می‌گذارد که نمونه‌ی آنها می‌تواند در ازدواج‌های اجباری و تجاوزهایی که به دختران و زنان توسط بوکو حرام شده اشاره کرد. صحت این تحقیقات حتی در سیاست‌های ارتش ایالتی نیز دیده می‌شود، آنها زنانی را که از بند گروه‌های مسلح غیردولتی نجات یافته‌اند به سقط جنین اجباری وادار می‌کنند(23). کنترل و تطبیق شیوه‌ها و سیاست‌ها در رابطه با مسایل زناشویی و باروری به تناسب اهداف نظامی، جنبه‌ی حیاتی و مهمی از جنگ را شامل شود، همچنین بنظر می‌رسد وجود اس‌ا‌ا‌ج از (سلامت جنسی، بهداشت باروری و حقوق مرتبط با آنها) اتفاقی نبوده بلکه جزو اساسی‌ترین تاکتیک‌ها و استراتژی‌های نظامی است که تجارب زنان از دوران جنگ و پسا جنگ را شکل می‌دهد.

### مثالی از میانمار

برای نشان دادن رابطه‌ی پیچیده‌ی بین جنگ و سلامت جنسی و بهداشت باروری زنان از میانمار مثالهایی را در اینجا می‌آوریم. میانمار تاریخ طولانی از جنگ‌های قومی-ملی در خود جای داده است. جایی که، بدن زنان و باروری آنها تحت کنترل نظامی، نظارت و بهره برداری قرار گرفته که بعنوان استراتژی جنگی و کنترل جمعیت از هر دو طرف مخاصمه یعنی دولت و گروه‌های نظامی غیردولتی اعمال شده است(24). تحقیقات در مورد میانمار، نشان می‌دهد که بر اساس تاریخچه‌ی موجود از گروه‌های مسلحانه‌ی قومی و سازمان‌های نظامی درگیر در جنگ، هر دو سوی درگیر در مخاصمات بر سیاست‌های باروری و بطور خاص نحوه‌ی استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری به انحاء مختلف تسلط دارند. این تحقیق همچنین مشخص می‌کند که چگونه عوامل دست‌انداک در گروه‌های مسلح قومی غیردولتی در طرح‌های تنظیم خانواده مداخله کرده(25)، تشویق به عدم استفاده از وسایل جلوگیری از بارداری کرده(26) و از زنان خواسته می‌شود تا "برای انقلاب" فرزندآوری نکنند(20). همه‌ی این سیاست‌ها از آن جهت دنبال می‌شود که به آنچه به عنوان تلاش‌های دولت برای از بین بردن و "تضعیف" جوامع اقلیت قومی تلقی شده، پاسخ داده و با آن مقابله شود. کنترل فرزندآوری معمولاً به عنوان شکلی از کنترل جمعیت تلقی می‌شود که نوک تیز پیکان آن به سمت اقلیت‌های قومی نشانه رفته است. در قوانین محدودکننده‌ی جدید، نه تنها تعداد اولاد را برای زنان متعلق به اقلیت‌های قومی معین می‌کنند بلکه تعیین می‌کنند که با چه کسی حق ازدواج دارند(27). چندین دهه جنگ مشکلات عدیده‌ای را به زیرساخت‌های بهداشت و سلامت بطور کلی و بهداشت باروری زنان

بطور خاص وارد آورده، چرا که، ده ها سال درگیری و جنگ، شکل گیری کمپین های ضد شورش وحشیانه ای را با هدف حذف اقلیت های قومی در پی داشته، و همچنین موجب تغییر کاربردی مراقبت های بهداشتی به نیازهای نظامی شده که هر دو بر زیر ساخت های ذکر شده خسارات های زیانباری را تحمیل کرده است. در واقع داده های اخیر نشان می دهند که آمار مرگ و میر مادران ساکن (29) در مناطق اقلیت های قومی در مقایسه با دیگر زنان بالاتر بوده و نیز زنان این مناطق دسترسی کمتری به وسایل جلوگیری مدرن دارند (28). این موضوع جای نگرانی دارد زیرا در میانمار بطور خاص آمار مرگ و میر مادران و شیوع بیماری نزد آنها بسیار بالا است. بر طبق همین آمارها ده درصد مرگ و میر مادران به علت سقط جنین های ناامن و خطرناک است (30). با این حال گزارش های دیگر خاطر نشان می کنند که میانمار از شاخص های توسعه ی پایدار برخوردار بوده (31) و زنان در زمینه ی تنظیم خانواده از سطح بالای آگاهی برخوردارند (32). اما این پرسش همچنان با برجاست که چه چیزی می تواند مرگ و میر مادران (29) و بیماری های مرتبط با سو تغذیه (28) آنها مانند کم خونی را در میان زنان ساکن در جوامع اقلیت های قومی توجیه کرده و یا توضیح دهد؟

### مشاهده ی تصویر کلی

این سوال که چگونه و چرا بهداشت باروری و سلامت جنسی زنان در جنگ ها همچنان از نظر تیوری و تجربی ناشناخته و نادیده باقی مانده است، نیاز به توجه بیشتر به این رابطه را برجسته تر میکند. علاوه بر این در تحقیقات و مطالعات پیشین انواع متفاوت جنگ ها و درگیری ها تحت یک عنوان قرار گرفته و به تفاوت های ماهوی آنها توجه نشده است. در حالی که نمی توان بر روی برخی از موارد استثنا چشم فرو بست (33). بخش وسیعی از تحقیقات در زمینه ی سلامت جهانی با این تضاد روبروست که مسئله ی مد نظر را بیشتر به عنوان یک پدیده بررسی کرده اند تا اینکه آنرا مانند یک ساختار پیچیده و پدیده ی متفاوت سیاسی به همراه تمام پیچیدگی و تاثیرات آن بر مسایل جنسیتی مد نظر قرار دهند. برای مثال، مطالعات جهانی (37،38) در مورد بهداشت و سلامت مادران و نیز بررسی های منطقه ای در کشورهایمانند جمهوری دموکراتیک کنگو (13،34)، کامرون، مالی، نیجریه و افریقا (35،36)، فقط به تعاریف اولیه از جنگ بر اساس داده های یو سی دی پی (برنامه آمار منازعات اوپسالا) بسنده می کنند. در حالی که جنگ های متفاوت اثرات مختلفی بر جای می گذارند که تجزیه تحلیل و شناخت دقیق این اثرات ضروری می باشد. برای مثال، روشها، تاکتیک ها و استراتژی های مورد استفاده در جنگ های معمولی کاملا متفاوت از جنگ های نامنظم و ترکیبی هستند (39). درگیری های قومی، قیام های انقلابی، نسل کشی، حملات تروریستی، و جنگ های داخلی همگی در میدان عمل، استراتژی های بکار گرفته شده، نوع نزاع ها و تجارب، با جنگ های منظم متفاوت می باشند. بنابراین، بیش از آنکه جنگ ها را یک مجموعه ی یکپارچه در نظر بگیریم، بسیار مهم است که در انواع متفاوت درگیری ها، بطور دقیق آنها را از یکدیگر تفکیک کرده، مورد بررسی قرار داده، و وجوه اختلاف آنها در میزان دسترسی و به کار گیری بهداشت باروری را دنبال کنیم. بر پایه ی تحقیقات فمینیستی درباره ی خشونت های جنسی علیه زنان در زمان جنگ، انواع مختلف خشونت های جنسی و جنسیتی بر زنان اعمال می شود که با توجه به تفاوت جنگ ها با یکدیگر و گستردگی منطقه ای چه در درون منطقه و چه در مقایسه با دیگر مناطق، اشکال متفاوتی از خود نشان داده و از الگوهای متغیر با توجه به شرایط ذکر شده، پیروی می کنند (40،41،43). علاوه بر این، گروه های مسلح حتی آنهایی که در یک منطقه هستند، ممکن است سیاستها و اعمال کاملا متفاوتی را در رابطه با حقوق زنان و بهداشت باروری آنها در پیش گیرند. برای مثال، در میانمار، در حالی که شورای احیای ایالت "شان" جلوی کارکنان سازمان بهداشت عمومی را برای اجرای طرح تنظیم خانواده می گیرد (25)، بقیه، مانند سازمان آزادیخواه کاپین اجازه داده پروژه ی تنظیم خانواده در بخش آنها انجام شود.

بر طبق این تحقیق در وهله ی اول، رعایت و یا نادیده گرفتن اس.ا.ا.ج. (حقوق سلامت جنسی، بهداشت باروری و حقوق مرتبط با آنها) امری تصادفی نیست بلکه بخش جدایی ناپذیری از استراتژی نظامی و هدایت جنگ ها است و تاثیر آن بر آسیب های وارده بر زنان و مرگ و میر آنها در زمان جنگ، بینش از فوریتها ی میدان نبرد است. سومین مورد مربوط به تجزیه و تحلیل اس.ا.ا.ج. (سلامت جنسی، بهداشت باروری و حقوق مرتبط با آنها) می باشد که این تحقیق معتقد است بایستی در دو سطح میکرو و ماکرو انجام شود تا فضا ی مناسب برای تجزیه و تحلیل بخش به بخش و ریز به ریز آن فراهم شود، بدین صورت معلوم می شود چرا و در چه جاهایی این حقوق شناخته شده اند و چرا و کجا همین حقوق پایمال شده و یا مورد سواستفاده قرار گرفته اند. در همان حال که داده ها و روشهای بکار گرفته شده در بحث سلامت عمومی به ما کمک می کنند تا رابطه ی بین درگیری ها و تاثیر آنها بر زنان را دریابیم، در عین حال، نگاه فمینیستی به جنگ به ما کمک می کند تا خطوط فکری متفاوتی که چنین تجاربی را در بر می گیرند، در زمین خودشان کشف کرده و بفهمیم. مزید بر آن، چنین دیدگاههایی نقش مهمی در هدایت برنامه های عملی در آینده ایفا می کنند، برنامه هایی جهت تعدیل و از بین بردن تضادهای موجود در راستای تقویت سلامت باروری، که هم اکنون نقش آنها بسیار کم رنگ است (4).

در حالی که، رایج ترین یا به قول یورگ اوتزینگر و میشل وایس، "راه واضح و آشکار" برای در نظر گرفتن سلامت عمومی در جنگ، همانا توجه به میزان تلفات و جراحات نظامیان و غیر نظامیان است (44)، تمرکز مستقیم فقط بر آمار مرگ و میرها باعث می شود تا آسیبهای بلند مدت درگیری های مسلحانه و تاثیرات سو آنها بر مسایل

جنسیتی کم‌رنگ و نامشخص باقی بمانند. آسیبهایی که بر بدن زنان و دختران تأثیرات مخرب و غیر عادلانه ای باقی می‌گذارد. در یک چشم انداز نوین جهانی با رویکرد قطبی شدن، جنگ و نزاع‌ها، گردآوری داده‌های بیشتر، و نظریه پردازی در باب چرایی طرح این موضوع، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. اینجاست که شنیدن و یادگیری از روایت‌های زنان و دخترانی که در موقعیت‌های جنگی و پسا جنگ زندگی کرده‌اند، حایز اهمیت می‌شود. چرا که، سلسله مراتب در هم تنیده‌ی سیستم قدرت حاکم بر مسایل جنسیت را آشکار می‌سازد، همان ساختاری که باعث و بانی ایجاد و سرپوش گذاشتن برآسیب‌های دراز مدت پس از خاتمه‌ی رسمی درگیری‌ها هستند.

توصیه‌ی ما این است که: مطالعات در زمینه‌ی بهداشت جهانی می‌توانند از ادغام دو موضوع با هم سود ببرند منظور ادغام بینش‌های مربوط به سلامت عمومی و مطالعات فمینیستی پیرامون جنگ‌ها است. زیرا نه تنها توضیحی پیرامون چگونگی تأثیر جنگ بر سلامت جنسی و بهداشت باروری زنان و دختران در اختیار می‌گذارد بلکه به ما این فرصت را می‌دهد تا به این سوال اساسی پاسخ دهیم: چرا؟ چرا حقوق جنسی، باروری زنان و دختران در درگیری‌ها ی مسلحانه نقض و مخدوش می‌شوند؟ و چگونه می‌توانیم از تأثیرات جنگ بر حرمت بدن و سلامت روحی و جسمی زنان و دختران جلوگیری کرده و آنها را از بین ببریم؟ با آگاهی از پیچیدگی‌های جنگ و درگیری‌های مسلحانه و با رویکرد جنسیتی بر اثرات متفاوت آنها بر سلامت جنسی و باروری می‌توانیم به یک نگاه کلی نزدیک شده و بر چرایی که پرسیده بودیم، آگاهی یابیم. این دو رویکرد می‌توانند اولین گام و قدمی اساسی برای اقدام عملی در حفاظت از سلامت و بهداشت جنسی و باروری زنان باشند.

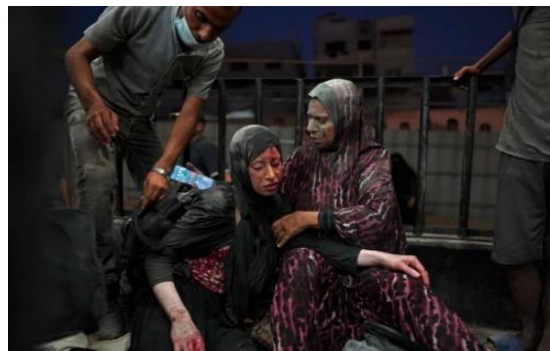
ژوئیه ۲۰۲۴

\* متن اصلی:

<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC10026773>

\*\*\*\*\*

## زنان فلسطینی در غزه- واقعیاتی سخت از آوارگی/ شاهد صافی/ ترجمه پروین عرفانی



داستان رهام، مادر جوانی که در رفح پناه گرفته و آثار عواقب جنگ اسرائیل بر زنان و خانواده‌ها

از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، بنا بر برآوردها انجام شده، ۷۰ درصد کشته شدگان حمله به غزه زنان و کودکان بوده و نزدیک به یک میلیون زن و دختر آواره شده‌اند. ریم السالم، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور خشونت علیه زنان و دختران، نسبت به عواقب نامتناسب حملات اسرائیل به حقوق باروری زنان فلسطین هشدار داده و آن را «سرسخت و خشن و به ویژه هشداردهنده» توصیف کرده است.

رهام، یک زن ۲۴ ساله فلسطینی در غزه، اینگونه حملات را از نزدیک تجربه کرده است. قبل از ۷ اکتبر، او در آپارتمان دنجی که شوهرش پس از سال‌ها کار در ساخت و ساز برایشان ساخته بود، زندگی می‌کرد. با شروع جنگ، شوهرش شغل و تنها منبع درآمد خود را از دست داد. از شروع حملات اسرائیل به غزه تا کنون، رهام و خانواده‌اش سه بار آواره شده‌اند. در حال حاضر رهام به همراه همسر و چهار پسر خردسالش در چادری در کمپ النصیرات در جنوب رفح پناه گرفته‌اند.

«ما خانه ای سه اتاق خوابه، با اتاق نشیمن، آشپزخانه و حمام داشتیم. کاملاً میله و شیک بود.» رهام در مصاحبه ای با صدی سوشال گفت: «ما خیلی از خانه مان مراقبت می کردیم، اما حالا تویی یک چادر کوچک زندگی می کنیم. خانه ی ما به طور کامل ویران شده و نمی دانیم پس از پایان این وضعیت به کجا خواهیم رفت.»

علاوه بر از دست دادن خانه خود، رهام که پنج ماهه باردار بود با شنیدن خبر بمباران خانه پدری و خبر هولناک کشته شدن دو برادرش، جنین پنج ماهه خود را نیز از دست داد. زنان غزه، حتی اگر دوره بارداری خود را به پایان برسانند، زایمان آنها در شرایط خطرناک و غیرانسانی صورت می گیرد. در غزه بیمارستانها و سایر تاسیسات و مراکز بهداشتی هدف حملات پی در پی هستند، لوازم و داروهای بیهوشی، دارو، آب، نوار و دیگر لوازم بهداشتی به اندازه مورد نیاز موجود نیست. بعلاوه عمل جراحی در این شرایط امکان پذیر نیست.

همسر رهام گفت: قبل از این حملات، رهام خونگرم و دوست داشتنی بود. خیلی غم انگیز است که او را اینگونه ببینم. اغلب فرسوده و ساکت است، در حالی که قبلاً بسیار گرم و اجتماعی بود. وقتی به چشمانش نگاه میکنم، میبینم که چقدر غمگین است.

«حتی وقتی پرید می شوم، اغلب نمیتوانم دوش بگیرم و مثل قبل به نظافت و بهداشت شخصی خود بپردازم. من در چادر دوش میگیرم جایی که فاقد چهار دیوار و حمام مناسب است. احساس می کنم حریم خصوصی من نقض شده است. ما مجبور شده ایم مخزنی را در چاله بزرگی که کنده ایم بعنوان توالت جاسازی کرده و همراه پنج خانواده دیگر از آن استفاده کنیم. من احساس حقارت می کنم. دلم برای راحتی های ساده ای که قبلاً داشتم تنگ شده است.»

در غزه همه از گرسنگی و تشنگی رنج می برند. اما چادر رهام نزدیک مرز مصر است که دسترسی او و خانواده اش به کمک را کمتر کرده است. آنها گاهی چند روز را بدون آب می گذرانند. رهام نمی تواند برای کوچک ترین پسرش، سناده، شیر دریافت کند. سناده اجباراً، مانند دیگر اعضا این خانواده باید از کنسرو استفاده کند. سناده اغلب مریض است. داخل چادر سرد است. او و دیگر اعضا خانواده دائماً بیمار می شوند، بدون اینکه دارویی در دسترس باشد.

رهام که یک بار سقط جنین داشته است، به شدت نگران آینده خانواده اش است. «هنگام زایمان، همسایه من و شوهرش زیر بمباران کشته شدند. دو برادرم هنگام فرار از خانه پدر و مادرم کشته شدند. برادر دیگرم پایش را از دست داده است. بعد چچی؟ نفر بعدی چه کسی خواهد شد؟ من هستم؟»

دکتر آلیس روچیلد معتقد است که تنها راه برای سلامت و آزادی زنان و کودکان خاتمه فوری جنگ، ارائه خدمات لازم و بازسازی است. کاری که مستلزم کنشگری پیوسته زنان و فمینیست ها در سراسر جهان است. همانطور که رهام خاطرنشان می کند، «هر روز، اخباری از کشته شدن یا آواره و سرگردان شدن زنان غزه به گوش میرسد، و من نمیدانم که جنبش فمینیستی چه واکنشی نشان خواهد داد. آیا آنها برای زنان غزه کاری انجام خواهند داد؟»

شاهد صافی مترجم و معلم عربی/انگلیسی، روزنامه نگار آزاد، هماهنگ کننده رسانه های اجتماعی و مدافع حقوق بشر مستقر در غزه است.

۷ مارس ۲۰۲۴

\* متن اصلی:

<https://carnegieendowment.org/sada/2024/03/palestinian-women-in-gaza-cruel-realities-of-displacement>

\*\*\*\*\*



## زنان در جنگ / ترجمه گیتی عظیمی



### گزارش جدیدی از CARE نشان می‌دهد که چگونه زنان در پاسخ‌دهی اولیه و بازسازی در هنگام یک درگیری مسلحانه به عنوان رهبران میدانی عمل می‌کنند.

۶۰۰ میلیون زن در سراسر جهان در فاصله کمتر از ۵۰ کیلومتری از یک منطقه جنگی زندگی می‌کنند، که بیش از دو برابر تعداد زنان در دهه ۱۹۹۰ است. با این حال، درک ما از چگونگی زندگی زنان در زمان جنگ و واکنش آنها به این بحران‌های بسیار پیچیده اغلب تحت تأثیر روایت‌هایی قرار دارد که آنها را در بدترین حالت به عنوان قربانیان نامرئی و در بهترین حالت به عنوان قربانیان نشان می‌دهند.

این واقعیت که تعداد زیادی از زنان به طور مستقیم در مناطق جنگی زندگی می‌کنند، نشان می‌دهد که آنها نه تنها شاهد بلکه فعالانه درگیر پاسخ‌دهی به این بحران‌ها هستند. برخلاف تصویر کلیشه‌ای و محدود از زنان به عنوان قربانیان، بسیاری از آنها به عنوان رهبران محلی و عوامل تغییر در جوامع خود عمل می‌کنند. این زنان با استفاده از توانایی‌های خود در مدیریت بحران، کمک به بازسازی جوامع و ارائه حمایت‌های مختلف به دیگران، نقش‌های کلیدی در پاسخ‌دهی و بازسازی ایفا می‌کنند.

با توجه به این که تجربیات و تلاش‌های زنان در زمان جنگ غالباً نادیده گرفته می‌شود، این گزارش بر اهمیت شناخت و تقویت نقش آنها تأکید دارد. توجه به روایت‌های واقعی از زندگی زنان در مناطق جنگی و حمایت از آنها در این نقش‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت انسانی و افزایش کارایی تلاش‌های بشردوستانه کمک کند. بنابراین، لازم است که جوامع بین‌المللی و سیاست‌گذاران به نقش و توانمندی‌های زنان در مواجهه با بحران‌های جنگی بیشتر توجه داشته باشند و از آنها حمایت نمایند.

زنان در جنگ: رهبران، پاسخ‌دهندگان و توانمندی‌ها، یک گزارش جدید که امروز توسط CARE منتشر شده، این دیدگاه‌های غالب را به چالش می‌کشد و به بررسی نحوه تحمل زنان درگیری‌ها می‌پردازد و توصیه‌هایی برای پاسخ بهتر به نیازها و چالش‌های منحصر به فرد آنها در این دوران افزایش تنش‌های مسلحانه ارائه می‌دهد.

از جمله نتایج اصلی این گزارش که از ۱۵ کشور درگیر جنگ به دست آمده، نشان می‌دهد که اکثریت بزرگی از زنان ۹۱ درصد از ۱۳ هزار زن مورد بررسی توسط (CARE) نقش‌های فعال و پیشرو در حمایت و ارتقای جوامع خود در مکان‌هایی مانند اوکراین، یمن، کلمبیا، سوریه و غزه ایفا می‌کنند.

و طبق این گزارش، اولویت اصلی آنها کمک به معیشت است.

این گزارش بر این نکته تأکید دارد که زنان در مناطق جنگی به عنوان رهبران و اولین پاسخ‌دهندگان میدانی عمل می‌کنند و در بسیاری از جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع خود نقش‌های کلیدی را بر عهده دارند. این زنان با چالش‌های بزرگی مانند تهدیدات امنیتی، تبعیض جنسیتی و کمبود منابع مواجه هستند، اما همچنان با فداکاری، پشتکار و عزم راسخ به تلاش‌های خود ادامه می‌دهند.

CARE در این گزارش پیشنهاد می‌کند که جامعه بین‌المللی باید تمرکز بیشتری بر نیازها و توانمندی‌های زنان در مناطق جنگی داشته باشد و از آنها در نقش‌هایشان حمایت کند. تقویت و حمایت از زنان در این شرایط نه تنها به بهبود وضعیت زندگی آنها کمک می‌کند بلکه باعث افزایش کارایی و موفقیت تلاش‌های بشردوستانه و بازسازی می‌شود.



زنان غذا و سرپناه برای افرادی که خانه‌های خود را ترک کرده‌اند فراهم می‌کنند. آنها به سرپرست خانواده‌های خود تبدیل می‌شوند. آنها مدافعان تغییر هستند و شبکه‌های قدرتمندی از تغییر را می‌سازند. ۷۹ درصد از زنان راه‌هایی برای ایمن‌تر کردن جوامع پیدا می‌کنند، ۷۱ درصد خدمات بهداشتی ارائه می‌دهند و ۴۶ درصد برای مراقبت از خانواده‌های خود درآمد های خود را متنوع می‌کنند.

این آمار نشان دهنده نقش حیاتی و چندجانبه زنان در زمان درگیری های مسلحانه است. زنان نه تنها در تلاش برای بقا، بلکه در ایجاد تغییرات مثبت و پایدار در جوامع خود نقش اساسی دارند. آنها با فراهم کردن غذا و سرپناه برای آوارگان، به عنوان ستون فقرات خانواده ها و جوامع خود عمل می‌کنند و به نیازهای اولیه و اضطراری پاسخ می‌دهند.

علاوه بر این، زنان به عنوان مدافعان تغییر، شبکه‌های قدرتمندی ایجاد می‌کنند که به تقویت همبستگی و حمایت متقابل در میان جوامع می‌انجامد. آنها با ارائه خدمات بهداشتی و راهکارهای ایمنی، نقش کلیدی در حفظ سلامت و امنیت جوامع خود ایفا می‌کنند. تنوع بخشی به منابع درآمد نیز نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و خلاقیت زنان در مواجهه با چالش های اقتصادی است، که به آنها امکان می‌دهد تا بهتر از خانواده های خود حمایت کنند.

این داده ها نشان می‌دهد که زنان نه تنها قربانیان جنگ نیستند، بلکه عوامل فعال و قدرتمندی در ایجاد تغییرات مثبت و بازسازی جوامع جنگ‌زده هستند. تقویت و حمایت از این نقش ها می‌تواند به بهبود شرایط انسانی و افزایش کارایی تلاش‌های بشردوستانه منجر شود.

« این گزارش به ما نشان می‌دهد که زنان تا چه حد به عنوان اولین پاسخ دهندگان فعال و رهبران بازسازی در مناطق ویران شده توسط درگیری ها و سایر بحران ها مهم هستند - و آنها به ما می‌گویند که اولویت اصلی‌شان توانایی کسب درآمد است. « میشل نان، رئیس و مدیر عامل CARE، اظهار داشت. « ما باید به توصیه های آنها گوش دهیم و رهبری اساسی آنها را در شرایط اضطراری به رسمیت بشناسیم. اگر جهان - به همراه سیاست ها و برنامه های کمک - به دیدن زنان تنها به عنوان قربانیان درگیری‌ها ادامه دهد، ما همچنان فرصت‌های حیاتی برای حمایت از رهبری قدرتمند آنها را از دست خواهیم داد.»

این اظهارات بر اهمیت شناخت و تقویت نقش زنان در شرایط بحرانی تاکید دارد. زنان در مناطق جنگی و بحران زده، علاوه بر تحمل مشکلات، به عنوان نیروی محرکه ای برای بازسازی و حمایت از جوامع خود عمل می‌کنند. توانایی کسب درآمد و تامین معیشت، از اولویت های اصلی آنهاست و نشان دهنده نیاز به برنامه ها و سیاست هایی است که به این جنبه ها توجه داشته باشند.

شناخت و احترام به رهبری زنان در چنین شرایطی، نه تنها به بهبود شرایط زندگی آنها کمک می‌کند، بلکه به تقویت تلاش های بشردوستانه و افزایش کارایی برنامه های کمک رسانی نیز منجر می‌شود. سیاست ها و برنامه های بین‌المللی باید زنان را به عنوان رهبران و عوامل تغییر به رسمیت بشناسند و از توانمندی ها و نقش های کلیدی آنها حمایت کنند. این امر می‌تواند به ایجاد جوامع مقاوم تر و پایدار تر در مواجهه با بحران ها و درگیری ها کمک کند.

بیش از ۱۰ سال است که سازمان CARE از طریق تحلیل های سریع جنسیتی (که از سال ۲۰۱۳ آغاز کرده‌اند) و گزارش های "زنان پاسخ می‌دهند" (که از سال ۲۰۲۰ شروع شده است)، مجموعه ای وسیع و متنوع از شهادت ها و دیدگاه های زنان از سراسر جهان را جمع آوری کرده است تا بررسی کنند که چگونه آنها در هنگام بحران زندگی

می کنند و رهبری می کنند. گزارش "زنان در جنگ" بر بخش بزرگی از این تحقیقات، همچنین بر مجموعه های داده های در دسترس عمومی تکیه دارد.

این رویکرد جامع و طولانی مدت به CARE اجازه داده است تا بینش های عمیقی از تجربیات و نقش های زنان در شرایط بحرانی به دست آورد. تحلیل های سریع جنسیتی و گزارش های "زنان پاسخ می دهند" نشان دهنده تلاش مداوم این سازمان برای درک دقیق تر و جامع تر از وضعیت زنان در مناطق جنگی و بحران زده است.

گزارش "زنان در جنگ" که بر اساس این تحقیقات گسترده تهیه شده است، تاکید می کند که زنان نه تنها قربانیان درگیری ها نیستند، بلکه به عنوان رهبران و عوامل فعال تغییر در جوامع خود نقش آفرینی می کنند. این گزارش از داده های قابل دسترسی عمومی نیز بهره می برد تا تصویر کاملی از شرایط و تجربیات زنان در مناطق مختلف جهان ارائه دهد.

این تحقیقات و گزارش ها ابزارهای مهمی برای آگاهی بخشی و ایجاد تغییرات مثبت در سیاست ها و برنامه های حمایتی هستند. توجه به دیدگاه ها و تجربیات زنان، شناخت و تقویت نقش های آنها می تواند به بهبود تلاش های بین المللی برای حمایت از جوامع آسیب دیده کمک کند.

### **برخی از یافته های اضافی این گزارش در مورد کشورهای درگیر جنگ عبارتند از:**

\* نیازهای اساسی زنان برآورده نمی شود. معیشت اولویت اصلی زنان است. ۵۸ درصد از زنانی که CARE با آنها در مناطق درگیری صحبت کرده، اعلام کرده اند که به امکانات معیشتی نیاز دارند، و ۴۱ درصد از زنان، غذا را به عنوان یکی از بزرگترین تاثیرات جنگ بر زندگی خود اولویت داده اند.

این یافته ها نشان دهنده چالش های عظیمی است که زنان در مناطق جنگی با آن مواجه هستند. عدم دسترسی به نیازهای اساسی مانند غذا و معیشت، فشار زیادی بر زنان وارد می کند که علاوه بر مقابله با شرایط ناامن و بی ثباتی ناشی از جنگ، باید به تامین نیازهای اولیه خانواده های خود نیز بپردازند.

تمرکز بر تامین معیشت زنان می تواند تاثیرات مثبت زیادی بر جوامع درگیر جنگ داشته باشد. حمایت از زنان در کسب درآمد و دسترسی به منابع معیشتی، به آنها اجازه می دهد تا نقشی فعال تر در بازسازی و تقویت جوامع خود ایفا کنند. علاوه بر این، تامین غذا و نیازهای اولیه می تواند به کاهش فشارهای روانی و جسمی بر زنان و خانواده های آنها کمک کند.

این گزارش نشان می دهد که برای بهبود وضعیت زنان در مناطق جنگی، لازم است سیاست ها و برنامه های کمک رسانی بین المللی بیشتر بر نیازهای اساسی و معیشتی زنان تمرکز کنند. شناخت و حمایت از این نیازها می تواند به بهبود کلی شرایط انسانی و افزایش کارایی تلاش های بشردوستانه منجر شود.

\* خشونت جنسی یک تهدید رو به افزایش است. در سال ۲۰۲۱، بیش از ۲۵۷ میلیون زن در کشورهای زندگی می کردند که موارد خشونت جنسی در دوره های درگیری به طور قابل توجهی گسترده گزارش شده بود.

این آمار نشان دهنده بحرانی جدی است که زنان در مناطق جنگی با آن مواجه هستند. خشونت جنسی نه تنها به عنوان ابزاری برای ایجاد ترس و کنترل توسط نیروهای متخاصم استفاده می شود، بلکه پیامدهای طولانی مدت روانی، جسمی و اجتماعی برای قربانیان به همراه دارد. زنان و دختران در این شرایط به شدت آسیب پذیر هستند و نیازمند حمایت های فوری و موثر برای مقابله با این تهدیدات می باشند.

برای مقابله با این بحران، باید اقدامات چندجانبه ای به شرح زیر انجام گیرد:

- ۱- پیشگیری و حفاظت: افزایش اقدامات پیشگیرانه و ایجاد مکان های امن برای زنان و دختران در مناطق جنگی.
- ۲- حمایت روانی و بهداشتی: ارائه خدمات بهداشتی و روانی به قربانیان خشونت جنسی برای کمک به بهبود جسمی و روانی آنها.
- ۳- عدالت و پاسخگویی: تقویت سیستم های قضایی برای پیگرد قانونی عاملان خشونت های جنسی و تضمین عدالت برای قربانیان.

۴- آموزش و آگاهی بخشی: افزایش آگاهی در مورد حقوق زنان و مقابله با تابوها و کلیشه های مرتبط با خشونت جنسی.

جامعه بین‌المللی باید توجه ویژه ای به این بحران داشته باشد و از طریق سازمان های بشر دوستانه و حقوق بشری، برنامه ها و سیاست هایی برای حمایت از زنان و دختران در مناطق جنگی تدوین و اجرا کند. حمایت و تقویت زنان در مواجهه با خشونت جنسی می تواند به ایجاد جوامعی امن تر و پایدارتر کمک کند و نقش مهمی در بازسازی و توسعه پس از جنگ ایفا نماید.



خدمات بهداشتی مختل شده، زنان و کودکان را در معرض خطرات جدی قرار می دهد. یکی از هر چهار نوزادی که در سال ۲۰۲۲ متولد شده، در فاصله کمتر از ۵۰ کیلومتری یک درگیری به دنیا آمده است. یکی از هر دو زنی که در دوران بارداری یا زایمان فوت می کند، در منطقه ای درگیر با جنگ زندگی می کند. مرگ و میر مادران در شرایط شکننده بیش از دو برابر بیشتر از کشورهای در حال توسعه است.

این آمارها به وضوح نشان دهنده وخامت وضعیت بهداشتی در مناطق جنگی است و بر نیاز فوری به بهبود و تقویت خدمات بهداشتی در این مناطق تاکید دارد. زنان باردار و نوزادان به طور ویژه در معرض خطرات بهداشتی ناشی از دسترسی محدود به خدمات پزشکی، تغذیه نامناسب و شرایط غیر بهداشتی قرار دارند.

برای کاهش این خطرات و بهبود وضعیت بهداشتی در مناطق درگیر جنگ، باید اقدامات زیر صورت گیرد:

یک- افزایش دسترسی به خدمات بهداشتی: ارائه خدمات بهداشتی سیار و تاسیس مراکز بهداشتی در نزدیکی مناطق جنگی برای دسترسی بهتر زنان و کودکان به مراقبت های پزشکی.

دو- آموزش و توانمندسازی: آموزش کادر پزشکی محلی و توانمندسازی زنان برای مدیریت بهتر دوران بارداری و زایمان در شرایط بحرانی.

سه- تامین منابع بهداشتی: تامین تجهیزات و داروهای ضروری برای مراقبت های بارداری و زایمان، و همچنین تغذیه مناسب برای مادران و نوزادان.

چهار- پیشگیری و مراقبت: اجرای برنامه های پیشگیری از بیماری ها و ارائه خدمات مراقبتی مداوم برای زنان باردار و کودکان.

توجه به بهداشت زنان و کودکان در مناطق جنگی، نه تنها به کاهش مرگ و میر و بهبود شرایط بهداشتی کمک می کند، بلکه به پایداری و بازسازی جوامع درگیر نیز یاری می رساند. حمایت و تقویت خدمات بهداشتی در این مناطق، می تواند تاثیرات مثبت و ماندگاری بر سلامت و رفاه زنان و کودکان داشته باشد.

ساختارهای رسمی رهبری، زنان را نادیده می گیرند و این امر صلح و رفاه را برای همه به خطر می اندازد. روایت های مربوط به درگیری ها زنان را کمتر نمایان می کنند. تنها ۵ درصد از مقالات درباره درگیری ها در دهه گذشته بر تجربیات زنان تمرکز داشته اند.

« زنانی که با آنها صحبت کرده ایم، در مواجهه با موانع، چالش ها و تجربیات وحشتناک، رهبران واقعی هستند. زنان با خشونت جنسی، از دست دادن درآمد و معیشت خود و یک سیستم بهداشتی فروپاشیده مواجه هستند که منجر به افزایش نرخ مرگ و میر، حتی برای دلایل قابل اجتناب می شود. چالش ها واقعی هستند و ما باید برای رفع آنها

بیشتر تلاش کنیم.» امیلی جانک، معاون بخش طراحی و رهبری فکری CARE و یکی از نویسندگان این گزارش، اظهار داشت. «یکی از راه های کلیدی برای حل این بحران، شناخت و ارزش گذاری رهبری زنان در زمان درگیری و در مسیر صلح است.»

این بیانات و یافته ها نشان دهنده نیاز فوری به تغییر نگرش و ساختارها در مورد نقش و مشارکت زنان در مناطق درگیری است. وقتی زنان به عنوان رهبران و عوامل تغییر شناخته نشوند، تلاشها برای صلح و بازسازی ناقص خواهد بود.



چند اقدام کلیدی برای بهبود این وضعیت عبارتند از:

۱- افزایش مشارکت زنان در رهبری: ایجاد و تقویت فرصت ها برای زنان تا در تصمیم گیری ها و ساختارهای رهبری در مناطق درگیری مشارکت کنند.

۲- تمرکز بر روایت های زنان: ترویج رسانه ها و تحقیقات برای نمایش و تمرکز بیشتر بر تجربیات و دیدگاه های زنان در شرایط درگیری.

۳- حمایت از رهبری زنان: برنامه ها و سیاست هایی که به طور فعال از توانمندی و رهبری زنان حمایت می کنند و آنها را به عنوان عوامل اصلی تغییر به رسمیت می شناسند.

۴- آموزش و آگاهی بخشی: آموزش جوامع و مقامات درباره اهمیت مشارکت زنان در فرآیندهای صلح و بازسازی.

با انجام این اقدامات، می توان به تقویت نقش زنان در مناطق جنگی کمک کرد و تأثیرات مثبت بیشتری در مسیر صلح و بازسازی به دست آورد. به رسمیت شناختن و تقویت رهبری زنان، نه تنها به بهبود شرایط زندگی آنها کمک می کند، بلکه به ایجاد جوامع مقاوم تر و پایدارتر نیز یاری می رساند.

( "Cooperative for Assistance and Relief Everywhere" ) «CARE» به زبان فارسی می تواند به "تعاون برای کمک و رهایی در همه جا" معنی شود.

در سال ۱۹۴۵ با ایجاد بسته CARE, CARE Package® تاسیس شده است و یکی از پیشگامان در حوزه کمک های بشردوستانه است که در جهت مبارزه با فقر جهانی فعالیت و مبارزه می کند CARE. تمرکز ویژه ای به کار با زنان و دختران می دهد. با داشتن منابع مورد نیاز، زنان و دختران توانایی این را دارند که خانواده ها و جوامع را از وضعیت فقر خارج کنند. در سال ۲۰۲۳، CARE در ۱۰۹ کشور فعالیت داشته و بیش از ۱۶۷ میلیون نفر را از طریق بیش از ۱۶۰۰۰ پروژه تحت پوشش قرار داده است. برای کسب اطلاعات بیشتر، به وبسایت [www.care.org](http://www.care.org) مراجعه کنید.

آتلانتا، ۲۹ ماه مه ۲۰۲۴

\* متن اصلی:

<https://www.care.org/fr/news-and-stories/press-releases/women-in-war-new-care-report-reveals-how-women-are-leaders-in-first-response-and-recovery-during-armed-conflict>

\*\*\*\*\*

## تأثیر جنگ بر کودکان در سراسر جهان / ترجمه ی بیژن میثمی



جنگ‌ها و درگیری‌ها موجب مرگ و میر، معلولیت‌ها، سوءتغذیه و اختلالات روانی بر زندگی کودکان می‌شوند. کودکان در مناطق جنگی با خطرات جدی مانند از دست دادن خانواده، بی‌خانمانی و عدم دسترسی به آموزش و خدمات بهداشتی مواجه‌اند. این شرایط موجب می‌شود که کودکان نتوانند رشد سالمی داشته باشند و در بسیاری از موارد به عنوان سرباز کودک، قربانی سوءاستفاده جنسی و کار اجباری می‌گردند. سازمان‌های بین‌المللی تلاش می‌کنند تا از طریق برنامه‌های حمایتی و امدادی، به کودکان در مناطق جنگی کمک کنند و آنها را از این وضعیت دشوار نجات دهند.

### تلاش‌های بین‌المللی برای حفاظت از کودکان

سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر و قوانین جنگ بیش از ۱۵۰ سال است که بین غیرنظامیان و نظامیان تمایز قائل می‌شوند. یک قرن پیش، در قوانین عادی چنین فرض می‌کردند که کودکان، به عنوان افراد زیر ۱۸ سال، غیرنظامی هستند؛ اما از اواخر دهه ۱۹۸۰، حقوق بین‌الملل به‌طور خاص آسیب‌پذیری کودکان را در جنگ و صلح به رسمیت شناخته و از آنها حفاظت کرده است. نمونه‌هایی از این مصوبات حقوق بین‌المللی کلیدی شامل کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک (۱۹۹۰)، کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک (۲۰۰۰)، و پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص مشارکت کودکان در جنگ یا درگیری‌های مسلحانه (۲۰۰۲) است. همچنین باید توجه داشت که دیوان کیفری بین‌المللی بر مبنای اساسنامه رم به ممنوعیت استخدام و به خدمت گرفتن کودکان در تعریف جنایات جنگی توجه دارد.

در سال ۱۹۹۶، سازمان ملل متحد (UN) گروه مأموریت کودکان و درگیری‌های مسلحانه را به منظور تقویت حفاظت از کودکان در شرایط جنگی ایجاد کرد و توصیه کرد که یک نماینده ویژه برای دبیرکل (SRSG) منصوب شود تا رهبری تلاش‌های سازمان ملل در زمینه جلوگیری از نقض‌های جدی حقوق کودکان در درگیری‌های مسلحانه را بر عهده بگیرد. (A/RES/51/77)

اولین قطعنامه درباره کودکان و درگیری‌های مسلحانه در سال ۱۹۹۹ شش مورد نقض شدید را که بیشترین تأثیر را بر کودکان در زمان جنگ دارند شناسایی کرد. این موارد عبارتند از:

یک- کشتن و مجروح کردن کودکان؛

دو- جذب یا استفاده از کودکان در نیروهای مسلح یا گروه‌های مسلح؛

سه- حمله به مدارس یا بیمارستان‌ها؛

چهار- تجاوز یا دیگر خشونت‌های شدید جنسی علیه کودکان؛

پنج- ربودن کودکان؛ و

محرومیت از کمک‌های بشردوستانه برای کودکان. (یونیسف ۲۰۲۲)

هر سال، دبیرکل سازمان ملل متحد گزارش سالانه‌ای درباره کودکان و درگیری‌های مسلحانه منتشر می‌کند که داده‌های جمع‌آوری‌شده توسط سازوکار نظارت و گزارش‌دهی سازمان ملل (UN Monitoring and Reporting Mechanism) را در مورد این نقض‌های شدید گردآوری می‌کند. در این گزارش، دولت‌ها و بازیگران غیردولتی که یکی از شش مورد نقض شدید علیه کودکان را مرتکب شده‌اند، فهرست می‌شوند و ممکن است توسط شورای امنیت سازمان ملل تحت تحریم نیز قرار گیرند.

در نتیجه تلاش‌های دفتر نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل برای کودکان و درگیری‌های مسلحانه، کشورهای عضو سازمان ملل و نهادهای غیردولتی برای تکمیل قطعنامه ۱۶۱۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد با تقویت تلاش‌ها برای مقابله با شش مورد نقض شدید، گفتگو و رایزنی کرده‌اند. دو نمونه از این تلاش‌ها، اعلامیه مدارس امن (۲۰۱۵) و اصول و نکور در زمینه حفظ صلح و جلوگیری از جذب و استفاده از کودکان سرباز (۲۰۱۷) هستند.

### تأثیرات درگیری‌های مسلحانه بر کودکان

تأثیرات درگیری‌های مسلحانه بر کودکان چندجانبه است و عواقب طولانی‌مدتی فراتر از مدت زمان درگیری دارند. هنگامی که کودکان در معرض درگیری‌های مسلحانه قرار می‌گیرند، دسترسی به کمک‌های بشردوستانه از آن‌ها سلب می‌شود، از خانه‌ها و خانواده‌هایشان آواره می‌شوند و امکان تحصیل ندارند، این پیامدها نه تنها بر کودک فردی تأثیر می‌گذارد بلکه توسعه جوامع و رشد اقتصادی را نیز تحت تأثیر قرار داده و چرخه‌های ناامنی و خشونت را تداوم می‌بخشد.

### آسیب‌پذیری منحصر به فرد کودکان در درگیری‌های مسلحانه

برای درک بهتر شرایط شکننده‌ای که کودکان را تهدید می‌کند، ضروری است که تلاش‌های بیشتری انجام دهیم. این شرایط، آسیب‌پذیری آن‌ها را در برابر خشونت شدید و ناامنی افزایش می‌دهد و توانایی آن‌ها را برای تأثیر مثبت بر صلح و امنیت جهانی کاهش می‌دهد. به‌عنوان نتیجه مستقیم درگیری‌های مسلحانه، کودکان با مشکلاتی نظیر جابجایی اجباری، ناامنی غذایی، کمبود دسترسی به آموزش و مراقبت‌های بهداشتی با کیفیت، نرخ بالای بیکاری و خشونت مستقیم مواجه می‌شوند که همه این‌ها باعث آسیب‌های جسمی و روانی طولانی‌مدت شده و عملاً دوران کودکی را از آن‌ها می‌گیرد. مطالعات موردی زیر، نمونه‌های فعلی از این تأثیرات منحصر به فرد بر کودکان در درگیری‌های مسلحانه را به تصویر می‌کشد.



### مثال‌های موردی از تأثیرات منحصر به فرد درگیری‌های مسلحانه بر کودکان

#### غزه – کودکان در تیررس، کمبود دسترسی به آموزش و بهداشت

در ژوئن ۲۰۲۳، دبیرکل سازمان ملل متحد نگرانی عمیق خود را از تعداد کودکانی که در جریان درگیری‌ها توسط نیروهای اسرائیلی کشته و مجروح شده‌اند، ابراز کرد. استفاده از مهمات واقعی در عملیات‌های انتظامی که کودکان اغلب در آن‌ها حضور دارند، همواره نگران‌کننده بوده است. این مسئله به نگرانی‌های دیرینه در مورد نقض حقوق کودکان در غزه اشاره دارد. واکنش نظامی اسرائیل به حملات حماس در ۷ اکتبر – که منجر به کشته شدن ۱۲۰۰ اسرائیلی، از جمله ۲۸ کودک، و ربوده شدن ۴۲ کودک دیگر از اسرائیل به نوار غزه شد – تنها وضعیت بحرانی را که

از قبل وجود داشت، تشدید کرده است. جیمز التری از یونیسیف، دو ماه پس از آغاز جنگ جاری، اظهار داشت: «در بیست سالی که با یونیسیف فعالیت کرده‌ام و از یک بحران انسانی به بحران دیگر سفر کرده‌ام – از قحطی‌ها تا سیل‌ها و مناطق جنگی تا کمپ‌های پناهندگان – هرگز چنین ویرانی و ناامیدی را که در حال حاضر در غزه در حال وقوع است، ندیده‌ام.»

تمام طرف‌های درگیر در این جنگ باید به تعهدات خود طبق قوانین بین‌المللی بشردوستانه پایبند باشند تا اطمینان حاصل شود که غیرنظامیان، از جمله کودکان، در جریان درگیری‌ها مورد هدف قرار نمی‌گیرند و تمامی تدابیر لازم برای محافظت از آنها اتخاذ می‌شود. در اوایل آوریل ۲۰۲۴، سازمان «نجات کودکان» گزارش داد که حدود ۲۶ هزار کودک، معادل بیش از ۲ درصد از کل جمعیت کودکان غزه، از زمان حمله به اسرائیل در ۷ اکتبر و تهاجم به غزه که پس از آن صورت گرفت، کشته یا مجروح شده‌اند. به‌عنوان نتیجه مستقیم این جنگ، بسیاری از کودکان غزه یتیم شده و اکنون به تنهایی زندگی می‌کنند و به‌طور مستقل به خود و دیگران رسیدگی می‌کنند. همچنین، یونیسیف گزارش می‌دهد که حداقل ۵۳ مورد از ۵۶۳ ساختمان مدرسه در غزه تخریب شده و نزدیک به ۹۰ درصد از مدارس دچار آسیب شده‌اند.

### سودان – جابجایی اجباری، کمبود آموزش و ناامنی غذایی

جنگ جاری در سودان از تاریخ ۱۵ آوریل ۲۰۲۳ آغاز شد. سوءتغذیه گسترده، بزرگ‌ترین بحران آوارگی کودکان در جهان را در یک سیستم بهداشتی ویران‌شده تهدید می‌کند و جان تعداد بیشتری از کودکان را نسبت به خود درگیری مسلحانه به خطر می‌اندازد. ارقام به خوبی این وضعیت را نشان می‌دهند. طبق بیانیه‌ای که یونیسیف در آوریل ۲۰۲۴ منتشر کرد، نیمی از جمعیت سودان، یعنی حدود ۲۵ میلیون نفر، اکنون به کمک‌های بشردوستانه حیاتی نیاز دارند. از این تعداد، ۸٫۶ میلیون نفر چه در داخل کشور و چه در خارج از مرزها آواره شده‌اند، که از این تعداد ۴ میلیون نفر کودک هستند. خشونت‌های جاری همچنین هزینه انسانی ویرانگری به همراه داشته و بیش از ۱۴ هزار جان بی‌گناه را گرفته است. هزاران نفر کشته و مجروح شده‌اند و شمار زیادی دیگر در معرض نقض‌های شدید حقوق بشری، از جمله خشونت‌های جنسی و جذب به درگیری‌های مسلحانه، قرار دارند.



با بسته شدن یا تلاش برای بازگشایی بیشتر مدارس در سراسر کشور، حدود ۱۹ میلیون کودک در سن مدرسه در معرض از دست دادن آموزش خود قرار دارند که نقض کنوانسیون حقوق کودک و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و همچنین قوانین اساسی بسیاری از کشورها است. جیمز التری، سخنگوی یونیسیف، گزارش داد: «بزرگ‌ترین بحران جابجایی کودکان در جهان در سودان اتفاق افتاده است. ۴ میلیون کودک آواره شده‌اند، که به معنای جابجایی روزانه ۱۳ هزار کودک به مدت ۳۰۰ روز است.» این وضعیت بی‌سابقه است و متأسفانه در دستور کار بین‌المللی در میان دیگر فجایع، اغلب این موارد نادیده گرفته می‌شوند.

### کلمبیا – خشونت مسلحانه، جذب کودکان و قاچاق

با گذشت بیش از نیم قرن جنگ، ابتکار صلح کامل که از سوی دولت کلمبیا مطرح شده، گامی مثبت به شمار می‌رود. با این حال، درگیری‌ها و جابجایی‌ها همچنان ادامه دارد و ۷/۷ میلیون کودک به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند که از این تعداد ۳/۱ میلیون نفر در وضعیت بحرانی هستند. میزان جابجایی افراد از سال ۲۰۲۱ به میزان ۵۰ درصد افزایش یافته و ۷/۲ میلیون نفر از مناطق روستایی تحت تاثیر این موج قرار گرفته‌اند، که تاثیر خاصی بر کودکان داشته است.



در سال ۲۰۲۳، کلمبیا با چالش‌های جدی در حفاظت از کودکان و نوجوانان در برابر خشونت و بهره‌کشی روبه‌رو بود. جذب کودکان به گروه‌های مسلح، به ویژه از مناطق با جمعیت بومی زیاد، همچنان بالا است. سازمان ملل ۲۰۸ مورد جذب کودکان (۳۵ درصد دختر و ۶۵ درصد پسر) را از ژانویه تا سپتامبر ۲۰۲۳ تایید کرده است، که نسبت به ۱۳۰ مورد در سال ۲۰۲۲ افزایش داشته است. تقریباً نیمی از این موارد (۴۸ درصد) شامل کودکان بومی بودند و دپارتمان کائوکا بالاترین نرخ جذب را با ۳۸ درصد ثبت کرده است. کلمبیا در موقعیت جغرافیایی خاصی قرار دارد و با تاریخچه طولانی درگیری‌های مسلحانه، جریان‌های مهاجرت ناشی از خشونت در کشورهای همسایه مانند ونزوئلا و تاثیر تجارت جهانی مواد مخدر و قاچاق انسان مواجه است. به همین دلیل، کودکان نه تنها تحت تاثیر درگیری‌های مسلحانه بلکه با خشونت‌های مسلحانه غیرقانونی نیز روبه‌رو هستند.

\* منبع اصلی:

<https://humanrights.ca/story/impact-war-children-worldwide#:~:text=As%20a%20direct%20consequence%20of,harm%20and%20effectively%20deny%20childhood.>

\*\*\*\*\*

## صلح نلانی همگانی برای جهانی بهتر و انسانی تر / علی صمد



### \* دفاع از صلح جهانی در برابر جنگ و جنگ طلبان

مبارزه برای صلح در جهان یک هدف بلندپروازانه و بنیادین است که بسیاری از افراد، سازمان‌ها و نهادهای محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در سراسر جهان به دنبال آن هستند. دستیابی به صلح جهانی به معنای ایجاد تعادل و هماهنگی پایدار در روابط بین‌المللی است که در آن تعارضات و جنگ‌ها به حداقل رسیده و روش‌های حل و فصل درگیری‌ها به صورت صلح‌آمیز و از طریق مذاکره، همکاری، تعامل و توافق صورت می‌گیرد. عوامل کلیدی در تحقق صلح جهانی عبارتند از:

**یک- تبلیغ و ترویج حقوق بشر:** احترام به حقوق بشر به‌عنوان یکی از اصول اساسی و غیرقابل تفکیک، می‌تواند محیطی مساعد برای صلح ایجاد کند. رعایت بدون تبعیض حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای تمامی افراد، نقش مهمی در کاهش تنش‌ها و افزایش تفاهم متقابل دارد.

**دو- توسعه اقتصادی پایدار:** کاهش فقر و نابرابری از طریق توسعه اقتصادی پایدار، زمینه‌ساز کاهش تنش‌ها و افزایش همکاری بین کشورهاست. سرمایه‌گذاری در آموزش، بهداشت، زیرساخت‌ها و ایجاد فرصت‌های شغلی برای همه، از جمله زنان و جوانان، می‌تواند به تقویت جوامع و کاهش نارضایتی‌های اجتماعی منجر شود.

**سه- مذاکره و دیپلماسی فعال:** جایگزینی روش‌های نظامی با مذاکره و دیپلماسی فعال، اساس حل و فصل درگیری‌های بین‌المللی است. این فرآیند نیازمند اعتمادسازی، شفافیت و تعامل سازنده بین کشورهاست و باید با

حمایت نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد تقویت شود.

**چهار- آموزش و فرهنگ‌سازی برای صلح:** ترویج فرهنگ صلح و آگاهی از اهمیت آن در جامعه، نقش بسزایی در جلب حمایت عمومی برای صلح دارد. آموزش صلح باید از سنین کودکی آغاز شود و به ارزش‌هایی چون همدلی، احترام متقابل، رواداری و همکاری تاکید شود. برنامه‌های آموزشی و رسانه‌های جمعی نیز می‌توانند در این زمینه نقش مهمی ایفا کنند.

**پنج- ترویج همکاری‌های بین‌المللی:** تشویق به همکاری و تعامل سازنده بین کشورها در زمینه‌های مختلف نظیر اقتصاد، محیط زیست، علوم و فناوری، به پیشبرد صلح جهانی کمک خواهد کرد. همکاری‌های بین‌المللی می‌توانند به ایجاد شبکه‌های حمایت متقابل و اشتراک‌گذاری بهترین تجربیات منجر شوند.

برای دستیابی به صلح جهانی، نیازمند تعهد بین‌المللی و همکاری‌های همه‌جانبه از سوی افراد، جوامع و حکومت‌ها می‌باشد. همچنین، باید به مسائل مهمی چون تغییرات اقلیمی، فقر، نابرابری و تهدیدات امنیتی مشترک توجه ویژه‌ای داشت. تنها از طریق تلاش‌های مشترک و همبستگی جهانی است که می‌توان به هدف والای صلح دست یافت و جهانی عادلانه، پایدار و امن برای همگان ایجاد کرد.

### \* اهمیت مذاکره برای دستیابی به صلح و پیشگیری از جنگ

موضوع گفتگو و صلح در جهان امروز از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در دنیایی که با چالش‌ها و مشکلات گسترده‌ای روبروست، ایجاد و ارتقاء زبان گفتگو و جلب حمایت برای صلح امری حیاتی به نظر می‌آید. در ادامه این نوشته به برخی از دلایل و مزایای اهمیت گفتگو و صلح در جهان امروز با جزئیات بیشتر اشاره می‌کنیم:

**۱. پیشگیری از جنگ و خشونت:** گفتگو و مذاکره می‌توانند به عنوان ابزارهای مؤثر برای پیشگیری از جنگ و خشونت عمل کنند. درگیری‌های نظامی هزینه‌های انسانی، اقتصادی و زیست‌محیطی بالایی دارند. از طریق مذاکرات و توافقات، می‌توان به راه‌حلهایی دست یافت که به جای تخریب و نابودی، به سازندگی و بهبود زندگی در جهان منجر شوند. این رویکرد به ایجاد ثبات و امنیت پایدار کمک می‌کند و ریشه‌های عمیق‌تر تعارضات را مورد بررسی قرار می‌دهد.

**۲. تسهیل در تعامل بین فرهنگ‌ها و جوامع:** گفتگو و صلح می‌توانند زمینه‌ساز تعاملات مثبت و سازنده بین افراد و جوامع مختلف شوند. تبادل فرهنگی و اقتصادی باعث افزایش فهم و احترام متقابل می‌شود. تعاملات میان فرهنگ‌ها می‌تواند به کاهش سوءتفاهم‌ها و تعصبات کمک کند و جوامع را به سوی همبستگی و همکاری بیشتر سوق دهد.

**۳. رفع نابرابری و تضعیف افکار ستیزه‌آمیز:** مذاکرات محترمانه و برابر حقوق منجر به توافقات عادلانه و رفع نابرابری‌ها می‌شوند. این تعهد به اصول حقوق بشر و عدالت اجتماعی در سطح داخلی و بین‌المللی به کاهش تنش‌ها و ستیزه‌جویی‌ها کمک می‌کند. توجه به عدالت اجتماعی و اقتصادی می‌تواند بستر مناسبی برای رشد و توسعه پایدار فراهم کند و از شکل‌گیری و گسترش افکار افراطی جلوگیری کند.

**۴. حل اختلافات منطقه‌ای و بین‌المللی:** مسائلی همچون اختلافات منطقه‌ای و بین‌المللی تنها از طریق گفتگو و توافقات قابل حل هستند. این روش‌ها جایگزین مناسبی برای تداوم تنش‌ها و نزاعات نظامی می‌باشند و به ایجاد ثبات و امنیت پایدار کمک می‌کنند. از طریق دیپلماسی و تعاملات سیاسی سازنده، می‌توان به راه‌حل‌های مشترک و پایدار دست یافت که به نفع همه طرف‌ها باشد.

**۵. ترویج مشارکت مردمی:** صلح به معنای مشارکت فعال مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری است. ایجاد فرهنگ صلح به مشارکت و مسئولیت‌پذیری مردم در جهت ترویج صلح کمک می‌کند و به تقویت دموکراسی و توسعه اجتماعی پایدار منجر می‌شود. مشارکت مردمی در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی می‌تواند به افزایش احساس مالکیت و مسئولیت‌پذیری افراد در قبال جامعه‌شان کمک کند.

**۶. حفظ محیط زیست:** بحران‌های زیست‌محیطی و تغییرات آب‌وهوایی نیازمند همکاری بین کشورها و جوامع مختلف است. صلح و گفتگو می‌توانند نقش مؤثری در حل مشکلات زیست‌محیطی و حفظ منابع طبیعی داشته باشند. از طریق همکاری‌های بین‌المللی و توافقات چندجانبه، می‌توان به راه‌حل‌های جامع و کارآمدی برای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی دست یافت.

در نهایت، ایجاد فرهنگ صلح و ترویج گفتگو به عنوان ابزاری برای حل اختلافات و ساختن یک جهان پایدار و عادلانه، از اهمیت بالایی برخوردار است. این تلاش‌ها نیازمند تعهد و همکاری همگانی از سوی افراد، جوامع و حکومت‌هاست. با پذیرش و اجرای اصول گفتگو و صلح، می‌توان به آینده‌ای روشن‌تر و بهتر برای همگان دست یافت. تنها از طریق همبستگی و همکاری جهانی است که می‌توانیم به صلحی پایدار و فراگیر برسیم.

### \* ترویج صلح یک ضرورت انسان‌محور

تاکید بر محکومیت جنگ و ترویج صلح به عنوان راهکار اصلی در هر شرایطی، امری بسیار مهم و انسان‌محور است. برخوردهای نظامی اغلب باعث آسیب‌ها و خسارات گسترده به انسان‌ها و محیط زیست می‌شوند و به تشدید تنش‌ها و اختلافات دامن می‌زنند. این رویکرد منجر به خسارت و آسیب‌های گسترده اقتصادی، اجتماعی و ... می‌شود.



محکومیت جنگ و انتخاب راهکارهای صلح‌آمیز و مذاکراتی می‌تواند از آوارگی دسته‌جمعی و تخلیه مردم از خانه‌های خود و تخریب مناطق زندگی جلوگیری کند. افزایش آگاهی درباره معایب جنگ و ترویج مزایای صلح، نقش مهمی در جلب حمایت جهانی برای راه‌حل‌های صلح‌آمیز ایفا می‌کند. همچنین، ترویج ارتباطات بین‌المللی و فرهنگ صلح می‌تواند فضایی برای تبادل فرهنگی و افکار فراهم کرده و افراد را به درک بهتر از یکدیگر و همکاری برای حل مسائل جهانی هدایت کند.

### \* صلح به عنوان یک آرزو

صلح به عنوان یک آرزو و هدف اجتماعی از دیرباز در ذهن و تفکر بشر وجود داشته است. با این حال، دستیابی به یک جهان بدون جنگ و با صلح دائمی همواره چالشی بزرگ بوده است. در طول تاریخ، جوامع انسانی با چالش‌ها، منازعات و جنگ‌های فراوانی روبرو شده‌اند. این چالش‌ها از تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی، دینی و سیاسی نشات گرفته‌اند.

عواملی نظیر تغییرات اقلیمی، نابرابری اقتصادی و دسترسی به منابع طبیعی نیز می‌توانند به ایجاد اختلافات و تنش‌ها منجر شوند. اگرچه صلح به عنوان یک هدف، دست نیافتنی به نظر می‌رسد، اما بسیاری از تلاش‌ها برای ترویج صلح، حل منازعات از طریق مذاکرات و دیپلماسی، تقویت حقوق بشر و افزایش آگاهی جهانی در جهت حفظ صلح و کاهش تنش‌ها انجام شده‌اند.

بسیاری از سازمان‌ها و جنبش‌ها به منظور ترویج صلح، عدالت اجتماعی، رفع تبعیض و حقوق بشر تاسیس شده‌اند. اگرچه دستیابی به یک جهان کاملاً بدون جنگ یک چالش دشوار است، اما تلاش‌ها برای حفظ صلح و ترویج ارزش‌های مثبت و انسانی همچنان ادامه دارد.

بنابراین ترویج صلح و محکومیت جنگ نه تنها یک ضرورت انسان‌محور بلکه دارای اهمیت حیاتی است. صلح به عنوان یک آرزو و هدف اجتماعی، همواره در قلب نظریات و تفکرات بشری جای داشته و تلاش‌ها برای تحقق آن ادامه دارد. ایجاد فرهنگ صلح و گفتگو می‌تواند به ساخت جهانی پایدار و عادلانه کمک کند و زمینه را برای آینده‌ای روشن‌تر هموار سازد.

### \* گفتگو و تعامل میان فرهنگ‌ها: راهی به سوی تقویت صلح

گفتگو و تعامل میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نقش بسزایی در تقویت، تثبیت و ایجاد صلح در جهان ایفا می‌کند. زمانی که افراد از فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف با یکدیگر به گفتگو و تعامل می‌پردازند، این فرآیند به درک متقابل، ارتقاء فرهنگ جهانی و تقویت ارتباطات بین‌المللی منجر می‌شود.

در جامعه جهانی امروز، که ارتباطات بین‌المللی و تبادل فرهنگی به سرعت در حال گسترش است، گفتگو و تعامل فرهنگی نقشی حیاتی در پیشگیری از تضادها، جنگ‌ها و ترویج صلح ایفا می‌کند. این فرآیند می‌تواند به شناخت بهتر فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و باورها منجر شود و باعث کاهش سوءتفاهم‌ها و تبادل نادرست اطلاعات گردد.

علاوه بر این، گفتگو و تعامل فرهنگی می‌تواند به تحقق اهداف توسعه پایدار و مفاهیمی چون ثبات، عدالت اجتماعی و احترام به حقوق بشر کمک کند. افزایش همکاری و تفاهم میان اعضای جوامع جهانی می‌تواند در حل مشکلات بزرگی نظیر تغییرات آب و هوایی، فقر، گرسنگی و بحران‌های انسانی مؤثر باشد.

به طور کلی، ایجاد فضایی برای گفتگو و تعامل فرهنگی میان ملت‌ها و تمدن‌ها یکی از اصول اساسی در مسیر دستیابی به صلح و همدلی جهانی است. این تعاملات نه تنها به کاهش تنش‌ها و اختلافات کمک می‌کند، بلکه به ساختن جهانی پایدارتر و عادلانه‌تر نیز یاری می‌رساند.

### **\* ترویج ارزش‌های انسانی**

ترویج ارزش‌های انسانی مانند صلح، دوستی، تسامح و تساهل می‌تواند نقش مهمی در از بین بردن تضادها و کاهش شکاف‌ها در جهان ایفا کند. این ارزش‌ها می‌توانند به عنوان مبنای برای ایجاد تعاملات مثبت، درک متقابل، و تعهد به حل مسائل اجتماعی و سیاسی بیشتر بین ملت‌ها و اقوام استفاده شوند. در این راستا، برخی اقدامات مهم عبارتند از:

ترویج فرهنگ صلح: ارتقاء آگاهی در مورد اهمیت صلح و ترویج فرهنگ صلح در جوامع مختلف به افزایش مشارکت در فرآیندهای صلح‌آمیز و پیشگیری از اختلافات می‌تواند کمک کند.

تساهل و تسامح: ترویج ارزشهای تساهل و تسامح در برخورد با تفاوت‌ها و تنوع‌های فرهنگی و اجتماعی، به ایجاد جامعه‌های متحد و همدل کمک می‌کند.

آموزش و پژوهش: سرمایه‌گذاری در آموزش و پژوهش در زمینه‌هایی که به تعاملات فرهنگی و حل اختلافات کمک می‌کنند، می‌تواند به افزایش اطلاعات و درک متقابل بین ملت‌ها کمک کند.

تشویق همکاری‌های بین‌المللی: حمایت از همکاری‌های بین‌المللی و تشویق به تعامل و تبادل میان اقوام و فرهنگ‌ها، ارتقاء ارتباطات بین‌المللی را ترویج می‌کند.

توسعه روابط فرهنگی: ایجاد فرصت‌های بیشتر برای تبادل فرهنگی و توسعه روابط فرهنگی میان ملت‌ها، نقشی مهم در فهم بهتر و همکاری میان جوامع دارد.



### **\* آزادی، عدالت و صلح برای همگان**

هر انسانی نیازمند آزادی، کرامت، عدالت و صلح است. این موضوعات مهم هنگامی عملی می‌شوند که دولت‌ها به آنها پایبندی نشان دهند. به همان اندازه که جنگ امکان رعایت حقوق بنیادین شهروندان را به مخاطره می‌اندازد و تضعیف می‌کند صلح می‌تواند عامل تسریع‌کننده آن را داشته باشد. تجربه تاریخی جوامع بشری بیانگر این واقعیت است که صلح و حقوق بشر ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و هر دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند. تمام کشورهای جهان موظف به اجرای کنوانسیون جهانی حقوق بشر و دیگر میثاق‌های مربوط به آن در کشورهای خود هستند. اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها به مفهوم آن نیست که دولت‌های دیکتاتوری اجازه نقض حقوق اساسی مردمان خود را داشته باشند، و انتظار داشته باشند هنگامی که حقوق بشر را در کشورهای شان نقض می‌کنند مورد انتقاد و فشار دیپلماتیک قرار نگیرند.

در یک سیستم دموکراتیک دوره ای و انتخابی؛ دموکراسی، آزادی و حقوق بشر از طریق جنگ بوجود نمی آید. قربانیان جنگ در درجه اول دموکراسی، آزادی، حقوق بشر و مردمند. منطقاً زندگی مسالمت‌آمیز و عاری از خشونت، بی‌عدالتی، زورگویی و برتری طلبی، سودمندتر و بهتر از زندگی توأم با خشونت است. پس ترویج این ارزش‌های دموکراتیک نه تنها به نسل جوان و نوجوان امروز بلکه به نسل‌های آینده نیز امکان زندگی در یک جهان صلح‌آمیز و پایدار را می‌دهد. بنابراین کوشش حداکثری برای بازگشت صلح و آرامش در جهان و بویژه در منطقه خاورمیانه می‌بایست توسط نیروهای صلح دوست و ضد جنگ انجام گیرد. زیرا که مبارزه برای صلح پایدار نه تنها وظیفه ای ملی بلکه تلاشی جهانی است. ما می‌توانیم با کمک هم صلح را برقرار کنیم و جهانی بهتر و انسانی‌تر را برای همگان بسازیم.

### انسان جهان امروز

انسان در جهان امروز بیش از هر زمانی نیازمند صلح، تغییر در نگرش و رویه، با طبیعت و با خود است. همزیستی با منابع، گسترش فرهنگ صلح برای غلبه بر مشکلات روزمره، در درون مرزهای ملی و در مقیاس جهانی ضروری است. صلح نیاز بزرگ انسان قرن بیست و یکم است. امروز واقعیت جنگ در بخش‌هایی از جهان قربانی می‌گیرد و خسارت وارد می‌کند. علیه جنگ و برای صلح می‌بایست مشارکت همگانی صورت پذیرد. باید به دنبال تحقق صلح در همه مناطق جهان بود. تحقق صلح چنانکه در این نوشته به آن پرداخته شد منوط به تعریف ارزش‌های مشترک از طریق گفتگو، مذاکره، روا داری، تفاهم و احترام به حقوق انسانی می‌باشد. بنیان تحقق صلح در زندگی روزمره تمام جوامع و کشورهاست. فراموش نکنیم که برپایی و حفظ صلح با تأمین امنیت؛ امنیت بین‌المللی، امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و عدالت هر کشور پیوند تنگاتنگ دارد.

در واقع صلح بیانگر شرایطی است که در آن همه انسان‌ها، برخوردار از کرامت و زیست‌انسانی باشند. یعنی انسان‌ها فارغ از نوع عقیده، نژاد، رنگ پوست، جنسیت بتوانند از رفاه نسبی، شادی، تفریح، آموزش، بهداشت، شغل، برابری در مقابل قانون، حق انتخاب، حقوق انسانی و شهروندی، عدالت و ... برخوردار شوند و بدون داشتن بیم و ترس از ابراز عقاید خود در امنیت به سر برند. هر عامل یا عواملی که مولفه‌های چنین زیستی را در معرض آسیب قرار دهد تهدید کننده صلح خواهد بود. بنابراین صلح، ضامن تحقق آینده پایدار برای جهان است.

ژوئیه ۲۰۲۴

منابع:

- سازمان ملل، ویکی پدیا  
- سازمان صلح جهانی و سازمان بهداشت جهانی

\*\*\*\*\*

### زنان در محیط درگیری / دکتر گودرز اقتداری



## پیش درآمد

در رابطه با مساله زنان و میدان های جنگ و درگیری های نظامی و خصومت آمیز دو منظر و دیدگاه مورد توجه است. از یکسو کنش‌گری برای برابری زن و مرد در مورد حق مشارکت در خدمات نظامی بویژه در جوامع پدرسالار وجود دارد و از سوی دیگر تاثیر و تاثرات ناشی از جنگ‌ها بر زنان و سایر اقشار آسیب پذیر را شامل می‌گردد. در این مقاله در ابتدا نگاهی خواهیم داشت بر بخش اول مورد اشاره در بالا و سپس به تز دوم می‌پردازیم.

### حضور زنان در میدان نبرد و خدمت زیر پرچم

به جز در معدود جوامع اولیه در اکثر موارد حضور زنان در میدان نبرد بسیار محدود تر از مردان بوده است. در برخی از فرهنگ‌ها زنانی را میتوان دید که در میدان جنگ نقش محسوس داشته اند، حتی اگر مستقیماً در جنگ تن به تن حضور ندارند. با این وجود دلایل اصلی که چرا اکثریت سربازان باستانی مرد هستند نسبتاً واضح است. نخست در ارتباط با جنگ‌های قدیم که بر نیروی بدنی افراد و جنگجویان متکی است، به طور متوسط از نظر نیروی بدنی مردان قوی تر از زنان هستند. گرچه با آموزش این برتری جنسیتی می‌تواند تغییر کند. این تفاوت را در مسابقات ورزشی امروز هم میتوان مشاهده کرد که در بیشتر موارد، ورزشکاران مرد و زن در رقابت‌های تفکیک شده بین زنان و مردان حضور می‌یابند. این قاعده اما همیشه درست نیست و در بخش‌هایی نیز مردان و زنان میتوانند با هم رقابت کنند. در هر حال آنچه از دوران قدیم تا قرون وسطی بجا مانده است نشان می‌دهد که حضور زنان در میدان نبرد تا اواخر قرن نوزده میلادی محدود و انگشت شمار بوده است. در دوران اخیر و جنگ‌های امروز و فن‌آوری‌های پیشرفته اما این تفاوت بیشتر نوعی تبعیض جنسیتی است که به نحو دم‌افزونی نا متقارن می‌نماید. اکنون زنان بسیاری در فنون هوافضا به پیشرفت‌ها و موفقیت‌هایی دست یافته اند که حقیقتاً هر تفاوتی را بی معنی و غیرقابل دفاع ساخته است.

مدل پرسنل نظامی حتی در غرب به طور سنتی حول نیروی مرد جوانی است که توسط همسران خانه نشین حمایت می‌شود. چنین مدلی در چگونگی تصور ارتش از پرسنل خود ساخته شده است، در یک مدل عصر صنعتی برای زوج‌های حرفه‌ای که هر دو کار می‌کنند و همچنین آن دسته از اعضای تحت خدمت که می‌خواهند خانواده داشته باشند، انتظارات بسیاری هنوز بدست نیامده است. به روز رسانی این مدل برای انعطاف بیشتر نه تنها برای حمایت از مدیریت استعدادهای در نیروهای نظامی ضروری است، بلکه برای ایجاد نفوذ و حمایت از زنان در تولید تسلیحات نظامی، جایی که زنان هنوز جمعیت قابل توجهی هستند، بیشتر رخ می‌نماید.

بحث در مورد زنانی که در نقش‌های رزمی خدمت می‌کنند تا زمانی که ارتش وجود داشته است، با وجود پیشرفت فزاینده در طول تاریخ نیروی داوطلبانه وجود داشته است. از نظر تاریخی در جریان جنگ‌های استقلال آمریکا در دهه‌های میانی قرن ۱۸ میلادی برخی از زنان راه‌هایی برای پیوستن به مبارزه در جبهه‌های جنگ استقلال یافته بودند. به عنوان مثال، مارگارت کوربین خود را به لباس یک مرد درآورد و با همسرش به خط مقدم نبرد رفت و در آنجا به او کمک می‌کرد توپش را پر کند. هنگامی که شوهرش مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت، کوربین حتی پس از زخمی شدن با سه گلوله به نبرد ادامه داد. او به پاس قدردانی از تلاش‌هایش مستمری نظامی دریافت کرد و سال‌ها پس از مرگش با افتخارات کامل نظامی در وست پوینت دوباره به خاک سپرده شد. به طور مشابه، دבורا سامپسون سال‌ها قبل از اینکه جنسیت واقعی او فاش شود، با لباس میدل به عنوان یک مرد جنگید.

نقش زنان در ارتش در طول جنگ‌های داخلی بر علیه برده‌داری اما حیاتی تر شد، زیرا پذیرش و حمایت از آنها افزایش یافت. در طول جنگ داخلی، نزدیک به ۲۰ هزار زن مهارت‌ها و تلاش‌های خود را در همه زمینه‌ها، از کشت محصولات کشاورزی، غذا دادن به سربازان متحدین تا آشپزی در اردوگاه‌های ارتش به کار گرفتند. سایر وظایف شامل خیاطی، شستشوی لباس و پتو و سازماندهی کمک‌های مالی از طریق کمپین جمع‌آوری کمک‌های مالی خانه به خانه بود. قابل ذکر است که در طول جنگ داخلی بود که زنان به عنوان پرستار در مقیاسی بسیار بزرگتر و رسمی تر شروع به خدمت کردند. در طول جنگ تقریباً ۳ هزار زن به عنوان پرستار برای ارتش متحدین خدمت می‌کردند. پرستار افسانه‌ای و بنیانگذار صلیب سرخ کلارا بارتون حتی یک «گذرنامه نظامی» ویژه دریافت کرد که به او اجازه می‌داد مستقیماً به میدان نبرد سفر کند، جایی که او واگن‌های پزشکی خود را مستقیماً وارد میدان جنگ کرد تا از سربازان مجروح مراقبت کند. دوروتیا دیکس نیز پیشگام بود، او به عنوان سرپرست پرستاران ارتش ایالات متحده برای خدمت منصوب شد و "لشکر پرستاران" خود را در طول جنگ رهبری کرد. دیکس به خاطر اصرار بر استانداردهای بالای رفتار و آموزش در میان پرستارانش و همچنین فراهم کردن فرصت‌های فراوان برای پرستاران زن که در حمایت از ارتش کار می‌کنند، به یاد می‌آید. در این میان مورخان تخمین می‌زنند که حدود هزار زن خود را به شکل مرد درآورده و در هر دو طرف جنگ داخلی جنگیده اند.

قرن بیستم همه چیز را برای زنان در ارتش تغییر داد. در آغاز ورود ایالات متحده به جنگ جهانی اول در آوریل ۱۹۱۷، سپاه پرستاران ارتش ایالات متحده<sup>ii</sup> - که به طور رسمی در سال ۱۹۰۱ تأسیس شد - تنها کمتر از بیست سال بود که به طور رسمی وجود داشت و فقط ۴۰۳ پرستار در آن حضور داشتند. نیروی فعال این سپاه تا ژوئن ۱۹۱۸، کمی بیش از یک سال بعد، با بیش از ۲ هزار پرستار آمریکایی در بیمارستان‌های تحت مدیریت بریتانیا در فرانسه مستقر شدند. این پرستاران اغلب در شرایط خطرناک در نزدیکی خط مقدم کار، از نیروهای تحت خدمت و غیرنظامیان مراقبت و سلامت و ایمنی نیروهای متفقین را تضمین می‌کردند.

زنان آمریکایی در طول جنگ جهانی دوم، چه در خانه و چه در یونیفرم، نقش‌های مهمی ایفا کردند. آنها نه تنها پسران، شوهران، پدران و برادران خود را به جنگ فرستادند، بلکه وقت، انرژی و حتی برخی از آنها جان خود را نیز در این راه دادند. هنگامی که جنگ در سال ۱۹۳۹ شروع شد، ایالات متحده تمایلی به ورود به جنگ نداشت، پس از حمله ژاپن به پرل هاربر، ایالات متحده به سرعت خود را متعهد به جنگ کامل کرد. این تعهد شامل استفاده از همه امکانات آمریکا از جمله زنان بود. از سوی دیگر، نیروهای محور در به کارگیری زنان در صنایع جنگی خود کند بودند. هیتلر آمریکایی‌ها را به دلیل سرکار گذاشتن زنان خود به عنوان افراد منحط به تمسخر می‌گرفت. او می‌گفت که نقش زنان آلمانی این است که همسران و مادران خوبی باشند و برای رایش سوم بچه‌های بیشتری تربیت کنند.

وقتی جنگ شروع شد، ازدواج‌های سریع به یک امر عادی تبدیل گشت، زیرا نوجوانان قبل از اینکه مردانشان به خارج از کشور بروند، با معشوق خود ازدواج می‌کردند. همانطور که مردان در خارج از کشور می‌جنگیدند، زنان در جبهه داخلی علاوه بر مدیریت خانواده خود، در کارخانه‌های دفاعی کار می‌کردند و برای خدمت در سازمان‌های مرتبط با جنگ داوطلب می‌شدند. در نیواورلئان، با افزایش تقاضا برای وسایل حمل و نقل عمومی، زنان حتی برای اولین بار تبدیل به راننده تراموا شدند. وقتی مردها رفتند، زنان «آشپز و خانه‌دار ماهری بودند، بعدها امور مالی را مدیریت کردند، تعمیر ماشین را یاد گرفتند، و در کارخانجات دفاعی کار می‌کردند.»<sup>iii</sup> ژنرال آیزنهاور احساس می‌کرد که بدون کمک زنان در یونیفرم نمی‌تواند در جنگ پیروز شود. «کمک زنان آمریکا، چه در مزرعه، چه در کارخانه و چه در یونیفرم، یکی از ضروریات تلاش برای تهاجم D-Day بود»<sup>iv</sup>.

زنان در نیروهای مسلح مشاغل اداری و دفتری را به دست گرفتند تا مردان را برای جنگ آزاد کنند. آنها همچنین کامیون‌ها را می‌رانند، هواپیماها را تعمیر می‌کردند، به‌عنوان تکنسین آزمایشگاهی کار می‌کردند، چتر نجات می‌ساختند، به عنوان اپراتور رادیویی خدمت می‌کردند، عکس‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کردند، هواپیماهای نظامی را در سراسر کشور پرواز می‌دادند، هواپیماهای تازه تعمیر شده را آزمایش می‌کردند، و حتی توپچی‌های ضدهوایی را در پروازهای آزمایشی آموزش می‌دادند. برخی از زنان در نزدیکی خطوط مقدم در سپاه پرستاران ارتش خدمت می‌کردند که در آن ۱۶ نفر در اثر شلیک مستقیم دشمن کشته شدند. شصت و هشت زن نظامی آمریکایی نیز به عنوان اسیر جنگی در فیلیپین اسیر شده بودند.

آنها جان خود را به خطر انداختند و جزء لاینفک موفقیت آمریکا در جنگ بودند، ولی در نقش‌های جدید خود در غلبه بر تبعیض در عرصه مردانه با چالش‌های فراوان مواجه می‌شدند. در پایان جنگ، اگرچه اکثر زنان مورد بررسی گزارش دادند که می‌خواهند شغل خود را حفظ کنند، بسیاری از آنها به دلیل بازگشت مردان و کاهش تقاضا برای مواد تسلیحاتی مجبور به ترک کارخانه شدند. زنان کهنه سرباز زمانی که سعی می‌کردند از برنامه‌های مزایای جانبازان استفاده کنند، با موانعی روبرو بودند. به نظر می‌رسد ملتی که در زمان بحران به کمک آنها نیاز داشت، هنوز برای برابری اجتماعی بزرگ‌تری که به تدریج در دهه‌های بعدی از راه خواهد رسید، آماده نبود. برخی از زنان پس از پایان جنگ ده‌ها سال برای به دست آوردن مزایای خدمت سربازی خود در طول جنگ جهانی دوم مبارزه کردند. لازم به ذکر است که به دلیل پشتکار و فداکاری زنان در طول جنگ، خدمت آنها به هموار کردن راه برای زنانی که بعد از آنها به ارتش آمدند کمک کرد.

در سال ۱۹۶۷، پرزیدنت لیندون جانسون، مسیر ترفیعاتی را برای زنان به رده‌های عمومی و خدمت زیر پرچم باز کرد، و در سال ۱۹۷۲، به زنان اجازه داده شد واحدهایی را که شامل مردان نیز می‌شد، فرماندهی کنند. در جنگ خلیج فارس، فقط از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱، بیش از ۴۰ هزار زن به مناطق جنگی اعزام شدند، اگرچه هنوز از نظر فنی نمی‌توانستند در نقش‌ها یا مأموریت‌های رزمی زمینی بطور مستقیم خدمت کنند. تا این زمان قانونی وجود داشت که استفاده از زنان را در میدان‌های رزمی خطرناک منع می‌کرد. علیرغم موانع نهادی و فرهنگی، زنان در این خدمات به مرور به ارشدیت و رهبری بیشتری دست می‌یابند. در ایالات متحده در سال ۱۹۹۴ لغو "قانون مصوب ۱۹۸۸ پیشگیری از حضور زنان در معرض خطر" به آنان اجازه داد در همه سمت‌ها به جز آنهایی که در نقش‌های مستقیم رزم زمینی درگیر بودند، خدمت کنند. متعاقباً، زنان تقریباً در تمام موقعیت‌های نیروی هوایی و نیروی دریایی آمریکا، به جز زیردریایی‌ها و برخی شناورهای کوچک، توانستند خدمت کنند. این امر به ملوانان و هوانوردان زن اجازه می‌

دهد تا در مقایسه با هم‌تایان سرباز و تفنگداران دریایی خود به درجات بالاتر افسری دست یابند. در سال ۲۰۱۲، دو دعوای حقوقی علیه وزارت دفاع با توجه به خدمات زنان در درگیری‌های پس از یازده سپتامبر، در مورد محدودیت‌های زنانی که در جنگ خدمت می‌کنند به چالش کشیده شد. لئون پانتا، وزیر دفاع ای‌اِم‌ا در سال ۲۰۱۳ طرح لغو ممنوعیت حضور زنان در جنگ را اعلام کرد. و اش کارتر، وزیر دفاع، رسماً این تغییر را در سال ۲۰۱۵ به اجرا گذاشت.

این تغییر تاریخی صدها هزار شغل را برای زنان در ارتش آماده و اساساً تضمین کرد که تا زمانی که زنان تحت خدمت ارتش آموزش‌ها و الزامات لازم را تکمیل کنند، اکنون می‌توانند تقریباً در هر نقشی در نیروهای مسلح ایالات متحده خدمت نمایند. دو و نیم میلیون نیروی آمریکایی از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به جنگ‌های عراق و افغانستان اعزام شده‌اند. بیش از سیصد هزار نفر از این سربازان زن هستند. زنان حاضر در میدان جنگ با موضوعاتی مانند اپیدمیولوژی، سلامت استقرار، مسائل باروری و اداری تناسلی، مادر شدن، تمایلات جنسی، PTSD و سایر اثرات روانی جنگ، زخم‌ها و ناتوانی، خشونت شریک جنسی، تجاوز جنسی و خودکشی دست و پنجه نرم می‌کنند.

اما در سوی دیگر سکه جنیفر گرینبرگ در کتاب خود "در جنگ با زنان" نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های جنسیتی و اهداف توسعه امپریالیستی پس از یازده سپتامبر قدرت نظامی ایالات متحده را تغییر داده است. در دهه اول قرن حاضر، ارتش ایالات متحده از توسعه به عنوان یک سلاح برای پیروزی در عملیات ضد شورش در عراق و افغانستان استفاده کرد. ارتش تیم‌های کاملاً زنانه‌ای را به وجود آورد تا بتواند به خانواده‌های سنتی در این کشورها نفوذ کند و از طریق پروژه‌هایی تحت عنوان توسعه در نبرد برای «قلب‌ها و ذهن‌ها» به جنگ ادامه دهد. علیرغم اینکه زنان از نظر فنی از حضور در واحدهای رزم زمینی محروم شده بودند، اما تیم‌های کاملاً زنانه به میدان کشیده شدند. در جنگ با زنان بر اساس کار میدانی مردم شناختی و با بررسی آموزش‌های نظامی ارتش آمریکا، روایت‌های فمینیستی لیبرال را به چالش می‌کشد که جنگ افغانستان را به نام حقوق زنان توجیه می‌کرد و ادغام زنان در جنگ را به عنوان یک پیروزی برای برابری جنسیتی ستایش می‌نمود.

گرینبرگ به طور انتقادی فمینیسم نوامپریالیستی و نقش مرکزی آن در تامین هژمونی ایالات متحده را به زیر سوال می‌برد. مشارکت زنان در مبارزات از طریق کار عاطفی، کلیشه‌های جنسیتی را تقویت کرده است، به طوری که عملیات ضد شورش، سربازان زن را به عنوان سفیران جهانی برای حقوق زنان معرفی می‌کند. این کتاب تحلیلی از امپریالیسم ایالات متحده ارائه می‌کند که زمان حال را با گذشته در تنش نگه می‌دارد، و روشن می‌کند که کجا ایدئولوژی‌های استعماری نژاد، جنس و جنسیت دوباره ظاهر شده‌اند و چگونه امروزه در حال تغییر هستند.

در طول دو دهه گذشته، ارتش پروژه‌های توسعه و لفاظی‌های بشردوستانه را برای مبارزه با جنگ‌های بی پایان تجربه کرده است. در عمل این پروژه‌ها به ندرت به اهداف اعلام شده خود دست می‌یابند. از سویی نیز سربازانی که رویکردهای غیرنظامی محور در جنگ را می‌پذیرند، رابطه نهادی بین بخش‌های توسعه و دفاع را تغییر داده است. اشکال جدید بودجه دفاعی، دست اندرکاران توسعه را وسوسه کرده است تا در پروژه‌های ضد شورش نفوذ کنند. کنش‌گران اقدامات بشردوستانه اکنون با پرسش‌های مهمی در مورد پیامدهای ایمنی و اخلاقی روابط خود با بازیگران نظامی روبرو هستند، که بیش از هر زمان دیگری در مناطقی مانند شاخ آفریقا و بخش‌هایی از غرب آن قاره حضور دارند. استفاده جنسیتی از عملیات ضد تروریستی باعث به وجود آمدن فمینیسم امپریالیستی جدیدی شده است که بر خلاف تصور زن افغان، سربازان زن را به عنوان الگوهای توانمندسازی رها شده معرفی می‌کند. این فمینیسم امپریالیستی حاوی اشکال جدیدی از زنانگی نظامی است که نقش زنان را از طریق ذات‌گرایی جنسیتی مانند احساسات تعریف می‌کند، حتی زمانی که زنان در مبارزه ادغام می‌شوند. همچنین حاوی اشکال کوررنگی و فرهنگ نژادپرستی است که تجربیات خود سربازان از نژادپرستی نظامی را شکل داده و ساختار نژادی اهداف جنگ را نشان می‌دهد. این نیروهای بشردوستانه نظامی و فمینیسم امپریالیستی اثر ماندگار جنگ‌های پس از ۱۱ سپتامبر را تثبیت کرده‌اند.

برخی از بدترین نمونه‌های سربازان به عنوان قربانیان و هم‌زمان عاملان امپریالیسم از تجربیات زنانی می‌آیند که در تیم‌های ضد شورش تماماً زنانه خدمت می‌کردند. سربازان زن به دلیل فقدان آموزش و تعصبات ساختاری در امور نظامی در موقعیت‌های آسیب‌پذیر خطرناک و ناشناخته قرار گرفتند. در طول سال‌های منتهی به ادغام زنان در یگان‌های رزمی، ارتش زنان را به عنوان متخصصان عاطفی جنگ تعریف می‌کرد زیرا آنها را در این موقعیت‌های خطرناک قرار می‌داد. درک غالب از تیم‌های زن ضد شورش به عنوان پوششی بشردوستانه برای منحرف کردن افکار عمومی از خشونت نظامی، رابطه این تیم‌ها با مبارزه را کاملاً از دست می‌دهد. این رابطه برای درک ضد شورش جنسیتی بسیار مهم است، زیرا استدلال‌های فمینیستی لیبرال برای افزایش برابری زنان در ارتش را تضعیف می‌کند.



نگاه دقیق‌تر و انتقادی‌تر به این برنامه‌ها نشان می‌دهد که چگونه ادغام از طریق اشکال جدیدی از سرکوب که ضرورت‌های جنسیتی را تقویت می‌کنند، اتفاق افتاده است. زنانگی نظامی جدید به تفاوت‌های زنان سربازان نظامی مرد ارزش می‌گذارد، به گونه‌ای که با نظریه‌های تثبیت شده بدن زنان به عنوان «خارجی» در نهادهای نظامی مردانه در تضاد است. از جمله فرض توانایی «طبیعی» زنان برای تسکین و آرام کردن قربانیان مداخلات خشونت آمیز نظامی یک ستایش نظامی تحریف شده برای کار عاطفی استراتژیک است و همیشه با جمع آوری اطلاعات و تهدید به خشونت مرتبط می‌شود. ادغام جنسیتی از طریق اشکال جدیدی از سرکوب اتفاق افتاده است که کلیشه‌های جنسیتی را در همان زمان اجرا می‌کند که فقدان آموزش و مراقبت‌های بهداشتی سربازان بازنشسته زن را به طور غیر ضروری به خطر انداخته است.

زنانگی نظامی جدید، که از طریق کار عاطفی زنان تعریف می‌شود، بخشی از فمینیسم امپریالیستی گسترده‌تر است که از طریق آن، زنان خدمتکار، خود را به عنوان الگوهای زنانگی قدرتمند تصور می‌کنند، بر خلاف تصور زن درمانده و سرکوب شده افغان. زبان کوررنگ «فرهنگ» و «تمدن» در یک لفاظی نژادپرستانه امپراتوری «نجات زنان قهوه‌ای از مردان قهوه‌ای» را پوشش می‌دهد. یک گروه چند نژادی از زنان نظامی ایالات متحده که از زبان تمدنی و فرهنگی برای توصیف توانایی خود برای آزادی زنان افغان استفاده می‌کنند. این استدلال مبتنی بر کوررنگی برای خاموش کردن بحث آشکار امپریالیسم نژادی در فضاهای اشغال نظامی خارجی کار کرده است.

برای دریافت بهتر از آنچه گرینبرگ در این کتاب به چالش میکشد وی از یک صحنه روایت میکند که در آن آموزش سربازان زن در این پروژه استفاده شده است: "در یک ساختمان بزرگ سیمانی در قسمتی دورافتاده از پایگاه ارتش کمپ اتربری در جنوب ایندیانا، گروهی از سربازان آمریکایی به عنوان بخشی از آموزش پیش از استقرار برای بازدید از یک روستای ساختگی افغانستان آماده می‌شوند. این روستا که بخشی از یک شبیه سازی است، توسط بازیگران قراردادی که در نقشهایی به عنوان کشاورزان افغان، بازرگانان، شخصیت‌های مذهبی، بزرگان و دیگر روستاییان عمل می‌کنند، پر شده است. سربازان نیازهای روستا را بررسی خواهند کرد تا پروژه‌هایی را شناسایی کنند که می‌تواند حمایت محلی را از دولت مرکزی تقویت کند - یک اصل کلیدی دکترین ضد شورش که تیم آنها در حال اجرای آن است. این بررسی توسط آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده (USAID) طراحی شده است، که پیمانکارانی را استخدام و فرستاده تا در مورد «بهترین شیوه‌های» توسعه بین‌المللی به ارتش آموزش دهند. پیمانکار دیگر - یک زن افغان آمریکایی که به عنوان مترجم کار می‌کند - روسری صورتی را دور سر یک سرباز زن می‌پیچد و آن را زیر چانه او می‌بندد. دومین سرباز زن که روسری آبی بر سر دارد نگاه می‌کند و مشتاق است که یاد بگیرد چگونه روسری را زیر کلاه خود ببندد و روی بلوز استتار و زره بدنش که ساخت ارتش است. این دو سرباز زن اعضای تیمی هستند که ارتش آن را «واحد تعامل زنانه» می‌نامد.

این شبیه سازی شامل یک "چادر زنانه" است که در آن بازیگران زن افغان در حال قلاب بافی کردن، تهیه غذا و صحبت کردن هستند. در این زمینه، "واحد تعامل زنانه" به دو زن در تیم اعزام کننده اشاره می‌کند که بر اساس جنسیت خود فرض می‌شود به روستاییان زن که تیم ممکن است در طول شبیه سازی با آنها روبرو شود دسترسی دارند. سال ۲۰۱۱، اوج برنامه تعامل زنانه ارتش ایالات متحده در افغانستان است. روسری‌ها سربازان را به عنوان یک زن به روستاییان معرفی می‌کنند و آنچه ارتش آن را "پیام قدرتمند و مثبت" می‌نامد ارسال می‌کند که "نیت آنان خوب است و ایالات متحده برای محافظت از آنها آمده است." سربازان زن قصد دارند زنان روستایی را که آنها با آن مواجه می‌شوند با محبت زنانه بسوی خود جذب کنند و این را فرصتی برای ایجاد یک برداشت مثبت و همچنین جمع آوری اطلاعاتی در مورد روستا می‌دانند که ممکن است از نظر استراتژیک مفید باشد. این ترکیب شگفت انگیز از بازیگران زمانی به وجود آمد که ارتش ایالات متحده توسعه را در آموزش ضد شورش ادغام کرد، فرآیندی که بر درک نظامی از گذشته استعماری و اشکال جدید کار برای پیمانکاران خصوصی و سربازان زن متکی بود.

گرینبرگ به بررسی نیروهایی می‌پردازد که این شبیه سازی را وارد بازی کرده اند. این نیروها مجمع مدرن امپریالیسم را هدایت می‌کنند. او بررسی می‌کند که چگونه چرخش پس از ۱۱ سپتامبر به ضد شورش، سربازان را متقاعد نکرد که خود را به عنوان «مددکاران اجتماعی مسلح» دوباره تصور کنند، اما چیزی را که او «فمینیسم امپریالیستی جدید» می‌نامد به وجود آورد که تحت آن زنان سرباز خود را به عنوان سفیران جهانی برای حقوق زنان درک کردند. این فمینیسم امپریالیستی جدید اعضای تیم‌های زن ضد شورش را به عنوان پیشگامان فمینیستی برای حق برابر زنان برای خدمت در کنار مردان در یگان‌های رزمی معرفی کرد. با گذشت زمان، تیم‌های تمام زن ضد شورش به طور فزاینده‌ای به مأموریت‌های عملیات ویژه متصل شدند، که در آن سربازان زن انتظار می‌رفت زنان و کودکان را در جریان یورش‌های شبانه خشونت آمیز به خانه‌های افغان آرام کنند. ارتش به صراحت برای کار زنان از طریق ذات گرایبی جنسیتی ارزش قائل شد، مانند این ادعا که سربازان زن «به طور طبیعی» از لحاظ احساسی مجهزتر برای «تسکین و آرام کردن» قربانیان جنگ هستند. چنین اشکالی از کار عاطفی چیزی را می‌سازد که

گرینبرگ آنرا «زنانگی نظامی جدید» و یکی از اجزای فمینیسم امپریالیستی گسترده‌تر می‌نامد. جنسیت در اینجا و در سراسر رویارویی‌های امپریالیستی در رابطه با ساخت تفاوت‌های نژادی عمل می‌کند. در مصاحبه‌ها و نوشته‌های روزانه، زنان سرباز خود را به‌عنوان نمادهای آزادی زنان مدرن با زنان افغان مقایسه می‌کردند که به‌وسیله شیوه‌های فرهنگی «عقب‌افتاده» مظلوم قرار گرفته‌اند که می‌توان از طریق اشغال خارجی آنها را مدرن کرد. سربازان موضوعات اشغال را از طریق چنین نژادپرستی‌های فرهنگی و امپریالیستی می‌نگریستند که با لفاظی رسمی نظامی تحت نام «کور رنگی» امکان پذیر شده است.

## مبارزات زنان در خاورمیانه

### زن بودن در این کشمکش به معنای مقاوم بودن است.

در سوی دیگر این تصویر با زنانی روبرو هستیم که نه به اجبار بلکه با اختیار حضور در میدان نبرد را انتخاب کرده‌اند. از آن میان زنان رزمنده در مبارزه مسلحانه علیه استعمار و سیاست‌های امپریالیستی را میتوان نام برد و یا زنانی که برای دفاع از خلق‌های در خطر خویش به این میدان گام نهاده‌اند.

هوزان بدیع سندی ۲۵ ساله که یک پزشک و کارورز سال دوم تخصصی است، در مقابل پتوی خود در اتاق بیمارستان محل کارش ایستاده است، جایی که در هنگام آماده‌باش می‌خواهد. او بیشتر عمر خود را با جنگ سپری کرده است. بیمارستان اورژانس غرب اربیل که به بیمارستان روژاوا نیز معروف است، صدها مورد مجروح و تروما را از درگیری‌ها در موصل دریافت کرده است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از بیمارستان روژاوا و دیگران به‌ویژه در درمان افراد مجروح در درگیری حمایت می‌کند. اربیل، کردستان عراق.

دکتر هوزان می‌گوید: «من با مردمی که از طریق درگیری‌ها زندگی می‌کنند رنج کشیده‌ام، اما می‌خواهم نه تنها درد را احساس کنم، بلکه می‌خواهم درد را متوقف کنم، دیگران را از احساس درد بازدارم. من واقعاً می‌خواهم کاری برای آنها انجام دهم، اما متأسفانه نمی‌توانم، گاهی اوقات اینطور است. از آنجایی که یک زن هستم، می‌توانم به آنها بگویم که کمی از آنچه در حال گذراندن آنها هستند، غمگینی به روح من افزوده است. اما این گونه است که در این کشمکش، نمی‌توان آن را تنها در یک کلمه توصیف کرد زن بودن در این کشمکش یعنی مقاوم بودن هر روز، تلاش برای خنثی کردن وضعیتی که می‌خواهم نسل بعدی آن را بفهمد تا دیگر این درگیری تکرار نشود.»<sup>vii</sup>

لیلا خالد اولین زن شناخته شده‌ای است که هدایت یک هوایماریابی را بر عهده گرفت. پرتزه او به عنوان یک زن جوان، با لیخند و در دست داشتن یک کلاشنیکف AK-47، در زمان خود به نمادی از مبارزات آزادیبخش فلسطین تبدیل شد.

او که در سال ۱۹۴۴ در حیفا به دنیا آمد، در جریان نکهه یا «فاجعه» در سال ۱۹۴۸ به همراه خانواده اش پناهنده شد، که منجر به خلع ید حدود ۷۵۰ هزار پناهنده و تخریب صدها روستا و شهر با تأسیس دولت اسرائیل گردید. خالد تنها یک بار دیگر در طول زندگی خود توانسته است حیفا را ببیند - در سال ۱۹۶۹، زمانی که به عنوان یکی از اعضای جبهه خلق برای آزادی فلسطین، یک هوایماریابی را ربود و به خلبان گفت که بر فراز زادگاهش حیفا پرواز کند.<sup>viii</sup>

در روایت چرایی پیوستن به مبارزه مسلحانه در فلسطین لیلا خالد به مارتا ویدال چنین می‌گوید: «پس از اینکه [از فلسطین در سال ۱۹۴۸] رانده شدیم، به عنوان پناهنده در جنوب لبنان، در صور ساکن شدیم. زندگی بدی بود. ما از همه چیز محروم بودیم. اولین مدرسه ام چادر بود. هیچ چیز آنجا را دوست نداشتم، دلم برای فلسطین تنگ شده بود. من متقاعد شده بودم که باید به خانه خود برگردیم. من جوان بودم، اما از خودم پرسیدم: «چرا باید اینطور زندگی کنیم؟» زمانی که برادران و خواهرانم در جنبش ملی گرایان عرب فعال بودند، درگیر مسائل سیاسی شدم. آرزوی ما بازگشت به فلسطین بود. ما باید از حق خود برای بازگشت دفاع می‌کردیم، بنابراین به تظاهرات رفتیم و خواستار حق داشتن اسلحه شدیم.



در سال ۱۹۶۷، شکست ارتش‌های عربی در جنگ شش روزه به ما انگیزه داد تا سلاح به دست بگیریم و در انقلاب شرکت کنیم. جنبش ملی‌گرایان عرب تصمیم گرفت جبهه مردمی برای آزادی فلسطین (PFLP) را تأسیس کند و من به محض تشکیل آن به آن پیوستم. من احساس کردم که باید راه حل را به دست خود بگیریم. ما نمی‌توانستیم به رژیم‌های عربی برای بازگرداندن ما به سرزمین خودمان تکیه کنیم، ما باید به خودمان وابسته می‌بودیم.

مارتا ویدال می پرسد که چرا هوایما ربودی؟ و پاسخ خالد این است که: "هدف ما این بود که زندانیان خود به ویژه زنان را آزاد کنیم و آگاهی بین المللی را در مورد مسئله فلسطین افزایش دهیم. ما می خواستیم دنیا بداند که ما فقط پناهندگانی نیستیم که به کمک نیاز دارند و در چادر زندگی می کنند، ما مردمی هستیم که هدف داریم."

"برای من مهم نبود که اولین زنی بودم که هوایما را ربود یا نه، فقط می خواستم کاری برای هدفمان انجام دهم. البته ما می دانستیم که قرار نیست فلسطین را با هوایماربایی آزاد کنیم، اما این راهی برای جلب توجه بین المللی بود. ما دستورات روشنی داشتیم که به کسی صدمه نزنیم. به خلبان گفتم کاپیتان جدید هستم و نارنجک دستی را به او نشان دادم. من به او گفتم: ما فلسطینی های PFLP هستیم. ما پناهنده هستیم و نام واحد ما چه گوارا است. وقتی شروع به رسیدن به فلسطین کردیم، از خلبان خواستم ما را به حیفا ببرد. رفیق من هم اهل آنجا بود. تا این لحظه، نمی توانم احساس، هیجان دیدن آنچه از ما گرفته شده را توصیف کنم. سپس هوایما را به سوریه و دمشق تغییر مسیر دادیم. من از مسافران عذرخواهی کردم، به آنها گفتم اگر می ترسند بسیار متاسفم. به آنها گفتم در امان هستند. ما به کسی صدمه نزدیم مسافران همه آزاد شدند و به خانه های خود بازگشتند - اما ما به خانه های خود برگشتیم، ما هنوز پناهنده هستیم."

### آیا خشونت در مبارزه برای جهانی بهتر نقشی دارد؟

لیلا خالد در پاسخ به این پرسش می گوید: "ما راه دیگری نداریم، ما تجمل انتخاب نداریم. ما نمی توانیم با تظاهرات عادلانه و وسایل مسالمت آمیز با این همه بی عدالتی مقابله کنیم. آزادی نیاز به فداکاری دارد. ما برای تلفات غمگین هستیم. اما برای فلسطینیان مرز بین مرگ و زندگی بسیار باریک است. همه مردم تحت اشغال برای آزادی خود، علیه ظلم استعماری قیام می کنند. حقوق بین الملل می گوید افراد تحت اشغال حق دارند از خود دفاع کنند، حتی با مبارزه مسلحانه. این یک راه قانونی برای مبارزه با خشونت اشغالگری است. ما دیدیم که جهان با اوکراینی ها چگونه برخورد کرد، اما آنها ما را فراموش کردند. نکبت ادامه دارد."

"در ابتدا من با جناح نظامی PFLP بودم. اما مجبور شدم به عنوان یک زن کار کنم و در مورد حقوق زنان صحبت کنم. انقلاب برای همه است، حتی وقتی ما مادر هستیم. انقلابی بودن به این معنا نیست که من فقط می جنگم. من حق دارم دوست داشته باشم و دوست داشته شوم و مادر و مادربزرگ شوم. کلید، رهایی زمین و بازگشت آوارگان است. ما می خواهیم یک دموکراسی ایجاد کنیم که در آن همه حقوق و وظایف یکسان داشته باشند. ما می خواهیم این کار را با افرادی که آنجا هستند - با اسرائیلی ها - انجام دهیم. این یک راه حل انسانی و دموکراتیک است و می توان آن را ایجاد کرد. من یک دوست یهودی داشتم، همسایه ام، اسمش تامارا بود. با هم بازی می کردیم. ما می دانستیم [همسایگان ما] یهودی هستند اما آنها نیز فلسطینی بودند. [وقتی فرار کردیم] از مادرم پرسیدم که آیا تامارا با ما می آید یا نه، و مادرم گفت نه. من نمی دانم تامارا الان کجاست. اما او باید مرا به یاد داشته باشد، من دوست او بودم."

در پاسخ به سوال مارتا ویدال که اگر بتوانید به حیفا برگردید اولین کاری که انجام می دهید چه خواهد بود؟ خالد می گوید: "می دویدم ببینم خانه ما هنوز آنجاست؟ من تصور می کنم مردم شعار می دهند، می رقصدند. و زیر درخت پرتقال می خوابیدم. من قبلاً از پرتقال متنفر بودم، زیرا وقتی می خواستم آنها را از درختان بستگانمان در لبنان بچینم، مادرم مرا سرزنش کرد و گفت: "اینها پرتقال های ما نیستند، پرتقال های ما در فلسطین هستند."

### در خانواده های ایرانی نیز مشابه لیلا خالد بسیار داشته ایم.

در دوره دوازده ساله دوران حکومت محمدرضا شاه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، زنان در جریان جنبش ملی شدن نفت شرکت داشتند. در این دوره زنان در فعالیت سیاسی و اجتماعی زنان برای اولین بار به صورت نهادها و سازمان های دموکراتیک مستقل ظاهر شدند. حزب توده ایران در این دوره نقش اصلی در بسیج توده های زنان به فعالیت های اجتماعی و سیاسی و حزبی داشت. نا گفته نماند که بدلیل شرایط فرهنگی و اجتماعی جذب زنان به فعالیت های حزبی، بیشتر تحت تأثیر روابط و پیوندهای خانوادگی و فامیلی قرار داشت.

در دهه های بعد از ۱۳۴۰ و بویژه با آغاز جنبش چریکی زنان و دختران جوان از جنبش نوپا حمایت و به اشکال مختلف به آن یاری می رساندند. بخشی از آنان به فعالیت های زیر زمینی روی آوردند و هر ساله بر تعداد مبارزان زن افزوده شد. یرواند آبراهامیان در کتاب "ایران میان دو انقلاب" روایت می کند که در طی نزدیک به هشت سال مبارزه مسلحانه چریکی، به طور کلی تعداد ۳۹ زن کشته شدند. بطور مشخص تا زمان انقلاب تا یکصد زن فدایی خلق و مجاهد خلق برای آزادی و استقلال سلاح بدست گرفته اند، و برایش زندان کشیده و کشته شده اند<sup>۷۱</sup>.

ناهید قجر در مقاله ای برای بی بی سی فارسی مینویسد: "از سازمان چریک‌های فدایی خلق که من هم عضو آن بودم به تنهایی ۲۲ زن فدایی کشته یا اعدام شدند."<sup>x</sup> در همان مقاله وی مینویسد: "عضویت زنان در سازمان چریک‌های فدایی خلق همانند مردان یکسان و بدون هیچ تمایزی صورت می‌گرفت. ملاک‌ها و معیارها همان پذیرش ایدئولوژی مارکسیستی-لنینیستی، اعتقاد به مبارزه طبقاتی، پذیرش مبارزه مسلحانه و آماده‌گی برای فداکاری در راه خلق و ... بوده است. ما در سازمان از حقوق برابر برخوردار بودیم. هیچ زنی در سازمان با تبعیض جنسیتی روبه رو نبود. همه اعضا با افکار و ایدئولوژی سازمان، به مسائل جامعه و نابرابری‌های سیاسی و اجتماعی برخورد می‌کردند."

با توجه به جو و فرهنگ غالب در کشور سازمان‌های چریکی تمایلشان به حضور زنان می‌توانسته چند هدف را پاسخ گوید. یک سوی قضیه جنبه پوشش خانواده دادن به هسته‌هایی باشد که در خانه‌های امن مستقر بودند. سوی دیگر البته بویژه در گروه‌های چپ از جمله فداییان رشد زنان در مبارزه به سطوح فرماندهی است و مبارزه عملی که در اعمال برابری جنسیتی وجود داشته است. در روایت‌های منتشر شده و ثبت شده فداییان نمونه‌های زیادی از زنان هست که فرماندهی تیم‌ها را برعهده داشته‌اند. از جمله ناهید قجر از نسترن آل آقا و نزهت روحی آهنگران نام می‌برد که در مسئولیت‌های بالایی انجام وظیفه می‌کردند و یا در مرکزیت سازمان قرار داشتند.

## • مبارزه برای صلح



در مبارزه بر علیه جنگ و برای صلح نیز نقش زنان پر رنگ است. در کشورهای مختلف جهان مبارزه برای صلح و در نفی جنگ‌سالاران رهبران زن بسیار دارد. یکی از فعال‌ترین و چشمگیرترین گروه‌های مدنی عمدتاً متشکل و تحت راهبری زنان در آمریکا گروهی بنام کد پینک (Code Pink) است. این گروه در دهه‌های اخیر بعد از جنگ‌های آغازین این سده در افغانستان و عراق و فلسطین پیشگام مبارزات مدنی در سرای تبلیغاتی دولتمردان آمریکا و ناتو بوده است.

رهبر این گروه مدیا بنجامین همان کسی است که با لباس صورتی رنگ خود در تالارهای کنگره آمریکا و جلسات مصاحبه مطبوعاتی اکثر دولتمردان حاضر میشود و عملاً باعث متوقف شدن این شو‌های سیاسی میشود و در جهان چهره‌ای شناخته شده است. از زمان آغاز جنگ علیه تروریسم در سال 2001، این فعال 71 ساله بیش از دو دهه را صرف برهم زدن جلسات استماع کنگره، تعقیب اعضای کنگره در تالارهای کنگره و تلاش برای بازجویی از آنها در مورد موضوعاتی مانند جنگ‌های افغانستان، عراق و غزه بوده است. مدیا به کشورهای دیگری در سراسر جهان که ایالات متحده آنها را دشمن نامیده است، از جمله به کرات به ایران سفر کرده است. و علاوه بر همکاری با کد پینک، مدیا همچنین یکی از بنیانگذاران گروه حقوق بشری مبارله جهانی (Global Exchange)، و همچنین ائتلاف صلح در اوکراین، یخ زدایی افغانستان، و دیگر سازمان‌های ضد جنگ و همبستگی بین‌المللی است.

مدیا بنجامین در مصاحبه‌ای با جرمی اسکای‌هیل درباره جنگ غزه می‌گوید x: "من دوستانی در غزه دارم که برای من یادداشت می‌فرستند و می‌گویند، ای کاش این ماجرا تمام می‌شد. شهدا خوش شانس بودند، آنها مرده‌اند و ما در جهنم زندگی می‌کنیم. من با خانم‌های زیادی صحبت می‌کنم. ما اخیراً روز مادر را داشتیم. ما به فرزندان خود، نوه‌های خود نگاه می‌کنیم و هر لحظه به آنچه مادران در غزه می‌گذرند فکر می‌کنیم، این نه تنها دلخراش است، بلکه آنقدر احساس ناتوانی می‌کنیم که با این همه کار جلوی آن را نمی‌توانیم بگیریم. مردم در سرتاسر جهان، از سازمان ملل گرفته تا خیابان‌ها، و در تظاهرات‌ها سعی می‌کنند بگویند، نه بس کنید! این باید تمام شود، این باید تمام شود. و با این حال، ما ده‌ها و صدها هزار بمب و موشک فرستاده‌ایم و هفت ماه است که در این نسل‌کشی شریک هستیم."

افرادی که تحولات را از نزدیک دنبال می‌کنند، به‌ویژه در رسانه‌های اجتماعی، مطمئناً با اقدامات مستقیمی که این گروه در هفت ماه گذشته در کنگره آمریکا انجام داده‌اند آشنا کنید، هنگامی که تونی بلینکن یا اخیراً لوید آستین، وزیر دفاع در مقابل کنگره حضور دارند، اغلب می‌بینید، که دست‌های خون‌آلود پشت سر آنها بالا می‌آیند، مردمی که مزاحم می‌شوند، بلند می‌شوند و با فریاد از فلسطینی‌های غزه دفاع می‌کنند.

"آنچه شما نمی‌بینید پشت صحنه است که ما هر روز به دفاتر نمایندگان کنگره می‌رویم و با کارکنان بحث می‌کنیم و سعی می‌کنیم کمی نظرات آنها را جابجا کنیم، خواه آن‌ها را وادار کنیم تا نامه‌ای را امضا کنند که در آن خواستار شرطی شدن کمک نظامی به اسرائیل است. ما می‌خواهیم پایان کامل تمام کمک‌ها را ببینیم، یا اینکه تلاش ما برای جلوگیری از لایحه‌ای است که قرار است تعریفی از یهودی‌ستیزی را که می‌تواند صحبت درباره جنایاتی که اسرائیل مرتکب می‌شود را غیرقانونی سازد. بنابراین ما دائماً در حال انجام آن بحث‌ها هستیم و با دفاتر مترقی‌تر کار می‌کنیم تا به نوعی استراتژی، نامه‌های جایگزین، لایحه‌های جایگزین، استفاده از قانون اختیارات جنگی، هر آنچه که می‌توانیم در این زمینه پیدا کنیم و مانع تمایل هرچه بیشتر دولت به سمت راست شویم... ما با دوربین روشن به دنبال آنها می‌دویم تا از آنها سوال بپرسیم. اگر آنها از افراد کنگره هم‌سو هستند که ما می‌شناسیم، از آنها می‌پرسیم چه راه و روش دیگری را می‌توانید معرفی کنید که بتوانیم به شما کمک کنیم، بعد اگر بتوانیم روی آن پیشنهادهای کار می‌کنیم. و اگر آنها اعضای غیردوستانه کنگره هستند، از آنها سؤالاتی می‌پرسیم تا سعی کنیم پاسخ آنها را به ثبت برسانیم، اغلب برای اینکه نشان دهیم این افراد چقدر بی‌عاطفه، بی‌روح، بی‌احساس و منزجر کننده هستند، زیرا فکر می‌کنیم برای عموم مردم در سراسر جهان که اینها را تماشا می‌کنند مهم است که بدانند، ما با چنین افرادی روبرو هستیم"

"در جلسات استماع کنگره نیز به همین شکل هر شهروند حق دارد در جلسات کنگره حضور یابد. ما در جریان این جلسات بر میخیزیم و در مقابل تلویزیون‌های سراسر جهان ناراضی‌های خودمان را از روند جلسه و از رفتار دولتماندان ابراز می‌کنیم. در اکثر مواقع پروسه اخراج ما از جلسه به خودی خود بیننده را با ما و نظرات ما بیشتر هماهنگ می‌سازد. اگر دو مورد از این وقفه‌ها را در دو سال انجام داده باشید، فقط باید حدود 50 دلار جریمه بپردازید. و شما را به ایستگاه پلیس می‌برند، مورد بازجویی قرار می‌گیرید، اما چند ساعت دیگر آزاد می‌شوید. اگر این کار را بیش از چند بار انجام دهید، مانند مورد من، مجازات‌ها سخت‌تر می‌شوند، و چیزی که ما واقعاً سعی می‌کنیم از آن اجتناب کنیم، حکم دوری از کنگره است که در آن شما اجازه ندارید برای مقدار معینی از زمان به کنگره برگردید."

"اما برای افرادی که این کار را انجام نداده‌اند می‌گویم، به واشنگتن بیایید، در یکی از این جلسات صحبت کنید، دستگیر شوید و آن را به عنوان نشان افتخار به سینه بزنید، همه ما مجبور هستیم، بارها در زندگی، برای عدالت به زندان برویم."

مدیا درباره کنشگری خود در مقابله و مبارزه با تحریم کوبا اظهار می‌کند: "خوب، در واقع به کار من در اطراف غزه بسیار مرتبط است، زیرا من به عنوان یک متخصص تغذیه در آفریقا کار می‌کردم و کودکان گرسنه را در اطراف خود می‌دیدم. من در مراکز آبرسانی کار می‌کردم و نوزادانی را در بازویم می‌مردند. و من فکر کردم، این نمی‌تواند باشد. من می‌دانم که غذای کافی در جهان برای سیر کردن همه این کودکان وجود دارد. چرا این اتفاق می‌افتد؟ و بنابراین، من شروع به جستجوی مدل‌های دیگری از جامعه کردم که از کودکان مراقبت می‌کردند. و من با پزشکان کوبایی در آفریقا ملاقات کردم و آنها به من گفتند: "ما در کوبا هیچ کودک بدغذایی نداریم." و من گفتم، اوه، من این را باور نمی‌کنم. من کشوری را ندیده‌ام - حتی در کشور خودم، ایالات متحده ثروتمند، کودکانی هستند که گرسنه می‌مانند. و آنها گفتند: "به کوبا برو و خودت ببین."

"این اولین دلیلی بود که به کوبا رفتم. و من به سراسر کوبا سفر کردم و به مناطقی که من آن را فقیرترین نقاط کشور می‌دانم، رفتم و از همه بچه‌ها بسیار خوب مراقبت می‌شد. و این به این دلیل است که بعد از انقلاب، آنها این تاکید باورنکردنی را بر اطمینان از اینکه همه بچه‌ها از مراقبت‌های بهداشتی و تغذیه خوب برخوردار هستند، داشتند. این چیزی است که من را شگفت زده کرد. من می‌خواستم مردم ببینند که مدل دیگری از جامعه وجود دارد که می‌تواند متفاوت باشد. و من اصلاً فکر نمی‌کردم کوبا یک الگو باشد، زیرا از محدودیت‌های آزادی بیان و آزادی تجمع انتقاد می‌کردم، اما از جامعه‌ای که بچه‌های سوءتغذیه نداشت بسیار شگفت‌زده بودم. و یک جامعه فقیر، می‌دانید؟ یک جزیره فقیر در دریای کارائیب."

"و بنابراین، به یک معنا، این چیزی است که باعث می‌شود من در مورد مسئله غزه صحبت کنم، و مسائلی که از آن زمان دهه‌ها با آنها سروکار داشته‌ام، این است که آیا نمی‌توانیم مدل‌هایی از جامعه ایجاد کنیم که در آن کودکی گرسنه نباشد؟ کجا کودکی نیست که رنج بکشد؟ و البته، تداخل با آن و جنگ این است که من در دوران ویتنام بزرگ شدم و می‌دانستم که جنگ فقط آسیبی است به تمدن که ما باید بتوانیم، همانطور که به عنوان یک جامعه، به

عنوان یک جامعه جهانی برای از بین بردن جنگ جنبش را توسعه دهیم. بنابراین، من فکر می‌کنم این موضوعات در طول زندگی من رشته‌هایی به هم پیوسته بوده است، تلاش برای فکر کردن به راه‌هایی که می‌توانیم به سمت جامعه‌ای جهانی حرکت کنیم که در آن همدیگر را نکشیم و در واقع از یکدیگر مراقبت کنیم.<sup>ii</sup>

### • جنگ غزه و بهداشت زنان در جنگ صداهای ناشنیده: پرداختن به سلامت جنسی و باروری در زنان غزه

با نزدیک شدن به دهمین ماه درگیری در غزه، بحران انسانی هر روز بیشتر دیده می‌شود. میلیون‌ها فلسطینی در غزه از فقر، کمبود خدمات اولیه و دسترسی محدود به غذا، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی رنج می‌برند.<sup>iii</sup> به گفته سازمان ملل، فقدان آب آشامیدنی تمیز، نداشتن سرویس بهداشتی مناسب و تغذیه نامناسب در غزه «فرمول استاندارد برای بیماری‌های همه‌گیر و یک فاجعه در بهداشت عمومی است.»<sup>iii</sup> در میان همه این شرایط چالش‌برانگیز، یکی از مواردی که به‌ویژه نادیده گرفته می‌شود نگرانی‌های مربوط به بیماری‌های زنان است. سلامت جنسی و باروری در زنان و دختران غزه با توجه به اینکه حتی در شرایط عادی دسترسی کم و یا محدودی به خدمات بهداشت جنسی و باروری<sup>iv</sup> دارند بسیار نگران‌کننده است.

به گزارش رویترز تا دهم ژوئیه ۲۰۲۴ مقامات بهداشتی فلسطین گزارش می‌دهند که عملیات زمینی و هوایی اسرائیل در غزه بیش از ۲۸ هزار نفر را که عمدتاً غیرنظامی بودند، کشته و اکثر ۲,۳ میلیون نفر از ساکنان این منطقه را از خانه‌های خود بیرون رانده است. همزمان مقامات خدمات اضطراری غزه می‌گویند که حداقل ده هزار نفر نیز مشکوک به مرگ و باقیمانده در زیر آوار هستند. وزارت بهداشت فلسطین می‌گوید بیش از ۷۰ درصد کشته شدگان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. در بیشتر درگیری‌ها، ارقام نشان می‌دهد که کودکان کمی بیش از ۴۰ درصد از کل کشته‌شدگان را تشکیل می‌دهند.<sup>xv</sup> زنان با انبوهی از چالش‌های مرتبط با سلامت جنسی و باروری روبرو هستند که با درگیری طولانی مدت، تحریم و دسترسی محدود به درمان پزشکی در غزه بدتر شده است. زنان همچنین از خدمات بهداشت جنسی و باروری، محصولات بهداشتی و پزشکی محروم هستند. به گزارش سازمان جهانی بهداشت<sup>vi</sup> در غزه تخمین زده می‌شود که "روزانه ۱۸۲ زن زایمان می‌کنند که ۱۵ درصد آنها به دلیل مشکلات مربوط به بارداری یا زایمان به مراقبت‌های پزشکی بیشتری نیاز دارند. بنابراین آنها مجبور به زایمان در مراکز بهداشتی پرجمعیت، پناهگاه‌ها، خانه‌هایشان، یا در خیابان‌ها در میان زباله‌هایی هستند که بهداشت در آن بدتر می‌شود و خطر عفونت و عوارض پزشکی در حال افزایش است. بنا بر همین گزارش بیش از ۵۲ هزار زن حامله در منطقه درگیری حضور دارند. هرماه ۵۵۰۰ کودک به دنیا می‌آیند که از آن میان ۱۳۰ کودک برای حیات نیاز به دستگاه‌های تنفس مصنوعی دارند که عمدتاً به دلیل نبود برق و ژنراتور کار نمی‌کنند که به مرگ این اطفال می‌انجامد."<sup>vi</sup>

سازمان پزشکان بدون مرز گزارش کرده است که در طول جنگ جاری، بسیاری از مادران باردار به دلیل عدم دسترسی به خدمات بهداشتی مادران از مراقبت‌های دوران بارداری و معاینات ضروری پس از زایمان محروم شده‌اند. ۲۴ ساعت اول پس از زایمان برای عوارض احتمالی بسیار مهم است، با این حال مادران اغلب در عرض چند ساعت پس از زایمان مرخص می‌شوند و حداقل مراقبت‌های پس از زایمان را در نتیجه تحت فشار قرار گرفتن سیستم مراقبت‌های بهداشتی دریافت می‌کنند.<sup>xvii</sup>

تجهیزات پزشکی مانند محصولات بهداشتی و وسایل پیشگیری از بارداری بسیار محدود است، که زنان و خانواده‌هایشان را در معرض آسیب شدید قرار می‌دهد، و در برخی موارد منجر به تلاش‌های ناامن برای خاتمه بارداری می‌شوند. ۶۰ هزار زن باردار در نوار غزه در معرض خطر سوءتغذیه و کم‌آبی بدن به دلیل قحطی قریب الوقوع هستند.<sup>xviii</sup> اشتباه نیست اگر نتیجه بگیریم که بدترین بحران انسانی را زنان فلسطینی به ویژه در غزه تجربه می‌کنند: «کشتار، آوارگی، دستگیری، سقط جنین، بیماری‌های همه‌گیر و مرگ بر اثر گرسنگی.»

نیاز به یافتن راه حلی فوری برای این درگیری وجود دارد، زیرا تلفات روانی خصومت‌ها نیز پیامدهای مستقیم - و گاهی مرگبار - بر سلامت باروری دارد، از جمله افزایش سقط جنین ناشی از استرس، مرده‌زایی و زایمان‌های زودرس. به گفته سازمان جهانی بهداشت، نیاز به آتش بس فوری و ایجاد و حفظ دسترسی بشردوستانه حفاظت شده برای ورود فوری مقادیر کافی از تجهیزات بشردوستانه وجود دارد. نیاز به اولویت بندی حمل و نقل سوخت برای راه اندازی کارخانه‌های نمک زدایی، ژنراتورهای بیمارستانی و آمبولانس‌ها و اطمینان از عبور ایمن برای تجهیزات پزشکی و غیرنظامیان در نوار غزه وجود دارد. همچنین نیاز فوری وجود دارد که اطمینان حاصل شود که محصولات بهداشتی زنانه در دسترس همه زنان غزه قرار می‌گیرد و مراقبت‌های بهداشتی زنان و زایمان به همه کسانی که به آن نیاز دارند در قالب پزشک، پرستار، تجهیزات و دارو ارائه می‌شود. این امر می‌تواند به راحتی با کمک جوامع بین‌المللی - در قالب کمک‌های مالی و داوطلبان - به شرط دسترسی ایمن به آنها انجام شود. بنابراین مهم است

که جدیت این موضوع برای جلوگیری از وقوع یک فاجعه در مقیاس بزرگ شناخته شود - نه فقط به شکل عوارض جنسی و باروری برای زنان غزه، بلکه برای نسل کاملاً جدیدی که در جریان این درگیری در غزه متولد شده اند.

نقض طولانی مدت حقوق بشردوستانه بین المللی توسط اسرائیل قبل از ۷ اکتبر وجود داشته است. کنترل و خشونت نسبت به حقوق جنسی و باروری زنان و دختران در فلسطین اشغالی همواره به عنوان یک نگرانی سیستماتیک وجود داشته است. بر اساس گزارش صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) تا قبل از اکتبر، ۹۴ هزار زن و دختر قبلاً به خدمات بهداشت جنسی و باروری دسترسی نداشتند. این رقم اکنون در ده ماه به بیش از یک میلیون رسیده است. زنان و دختران در دوران قاعدگی به محصولات بهداشتی دسترسی ندارند و بسیاری مجبور به استفاده از ضایعات چادر می شوند و برخی دیگر به دلیل استرس پیود خود را به طور کامل از دست می دهند. زنان از قرص‌های نورتیسترون استفاده می‌کنند که معمولاً برای اختلالاتی از جمله خونریزی بیش از حد قاعدگی، اندومتروز و دوره‌های دردناک توصیه می‌شود. کمبود پدهای قاعدگی وجود دارد و زنان از تکه‌های پارچه استفاده می‌کنند و زیر آن‌ها کیسه‌های پلاستیکی قرار می‌دهند تا از نشستی روی لباس‌های خود جلوگیری کنند. در مواقعی، اگر بتوانند پوشک بچه پیدا کنند، پس از برش دادن آن‌ها به چند تکه، از آن استفاده می‌کنند. یکی دیگر از کارکنان وحشت روی زمین را چنین بازگو کرده است: "زنان و نوزادان در سرما روی زمین می‌خوابند و از ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم می‌شوند."<sup>xx</sup> اینها تنها بخشی از شهادت هزاران مورد از به خطر افتادن سلامت جنسی و باروری زنان در طول این بحران است. زنان باردار به دلیل استرس و شوک سقط جنین می‌کنند و در حال حاضر امکانات پزشکی برای زایمان ایمن تقریباً وجود ندارد. بدون یک آتش‌بس کامل و فوری، می‌توان انتظار داشت که این چرخه معیوب ادامه یابد و هزاران مرگ و میر مادران و نوزادان دیگر وقوع پیدا کند.

علاوه بر همه این موارد، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، نگرانی از صدها زن و دختر فلسطینی را که توسط اسرائیل بازداشت شده اند، ابراز کرده است. در این بیانیه آمده است که دست کم دو زن مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند و برخی دیگر "معرض انواع مختلف تجاوز جنسی" شده اند.<sup>xx</sup> همین گزارش نشان داد که فلسطینیان در زندان‌های اسرائیل خشونت‌های روزانه را تحمل می‌کنند و اسرائیل از آغاز جنگ هزاران فلسطینی را بازداشت کرده است. خشونت جنسیتی علیه زنان، عمداً به عنوان یک تاکتیک جنگی در تلاش برای تحقیر زنان و دختران استفاده می‌شود.

اشغالگری اسرائیل در غزه و سرزمین‌های وسیع‌تر فلسطینی، موضوع جنسیتی را برای فلسطینی‌ها تشدید کرده است. سلامت باروری و عدالت مسائلی هستند که در همه شرایط درگیری مطرح می‌شوند. این واقعیت در فلسطین به شدت احساس می‌شود. تشدید وضعیت در غزه واقعیت نگران کننده اورژانس سلامت جنسی و باروری را که عمده‌تاً زنان و دختران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، آشکار می‌کند. اکنون بیش از یک میلیون نفر به دلیل تجاوزات اسرائیل به امکانات اولیه دسترسی ندارند.

اولریکه جولیا ونت، هماهنگ کننده اضطراری حفاظت از کودکان سازمان بین المللی نجات (IRC) که به تازگی از غزه بازگشته است، اظهار می‌دارد:<sup>xxi</sup>

"من در مناطق بحرانی و درگیری در سراسر جهان کار کرده ام، اما مقیاس بحران در غزه بی سابقه است. وضعیت غزه به شدت با سایر مناطق درگیری متفاوت است. حملات هوایی مداوم تهدیدی فراگیر بدون فضاهای امن برای فرار ایجاد می‌کند و آن را به یک موقعیت وحشتناک منحصر به فرد تبدیل می‌کند. وقتی به غزه رسیدم و در محله‌ها رانندگی کردم، بیش از همه مرا تحت تأثیر قرار داد، تعداد بسیار زیاد کودکان در خیابان‌ها و بسیاری از آنها بدون کفش. به این دلیل که تمام مدارس به دلیل بمباران بی وقفه اسرائیل تعطیل شده اند. با تعطیلی مدارس، کودکان در معرض خطر استثمار، سوء استفاده و خشونت هستند. به زبان ساده، آنها نه تنها از دوران کودکی خود محروم می‌شوند، بلکه آسیب‌های شدیدی را نیز تجربه می‌کنند."

"گزارش‌هایی از نوجوانان سرپرست خانوار وجود دارد که در آن گروه‌هایی از کودکان که خانواده‌های خود را از دست داده‌اند سعی می‌کنند در محیطی که قیمت‌های بازار بسیار بالاست و پول نقد کمیاب است، به تنهایی زنده بمانند. این کودکان جایی برای جستجوی مایحتاج اولیه ندارند. علاوه بر این، اقلام حیاتی مانند نوار بهداشتی، حیثیت و کیت‌های بهداشتی قاعدگی برای زنان و دختران، و وسایل تفریحی برای کودکان یا ممنوع است، یا در دسترس نیستند یا بسیار گران هستند."

"خطر خشونت مبتنی بر جنسیت<sup>xxii</sup>، از جمله خشونت شریک جنسی، استثمار و سوء استفاده جنسی، بسیار زیاد است، به‌ویژه در پناهگاه‌های پرجمعیت، جایی که داستان‌های زنان و دختران نوجوانی که با خشونت مواجه هستند، به‌ویژه با کمبود پول نقد رایج است. بدتر شدن شرایط زندگی کودکان، به‌ویژه دختران، با خطر فرستاده شدن برای

کسب درآمد روبرو هستند، بدون اینکه مراقبانشان بدانند که چگونه آن را به دست آورده‌اند. دختران جوان با افزایش خطر ازدواج زودهنگام و اجباری روبرو هستند. اگر جنگ طولانی شود و آموزش بدون هیچ راهنمایی قطع شود، بسیاری بدون درک سلامت و حقوق خود بزرگ خواهند شد و به طور بالقوه منجر به عادی سازی این خشونت‌ها می‌شود. این خطرات حفاظتی نیاز فوری به مداخله و حمایت و همچنین ایجاد فضاهای امن برای جلوگیری از آسیب به سلامت جنسی و باروری دختران جوان را برجسته می‌کند. نیاز فوری به سرپناه و فضاهای امن است که در آن زنان و کودکان، به ویژه کودکان بدون همراه، بتوانند از حمایت‌هایی از جمله خدمات حمایت از کودکان، کمک‌های مرتبط با خشونت‌های مبتنی بر تبعیض جنسی و حمایت‌های روانی اجتماعی برخوردار شوند. شرایط بد بهداشتی و کمبود مواد غذایی در دسترس مسائل مهمی هستند، اما آسیبی که فلسطینیان، به ویژه کودکان، تجربه کرده‌اند، غیرقابل تصور است.<sup>xxii</sup>

دکتر دبور هرینگتون، مشاور متخصص زنان و زایمان و فوق تخصص در پزشکی جنین و مادر به مجله ملت (The Nation) می‌گوید: "اگر مادری بمیرد و فرزندان را رها کند، آن کودکان چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سلامتی بهبود نخواهند یافت. این در هر مطالعه‌ای که به آن نگاه می‌کنید وجود دارد. این نه تنها یک تروما وحشتناک است، بلکه تا آخر عمر آن کودکان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. هرینگتون در اواخر دسامبر با کمک‌های پزشکی برای فلسطینیان به غزه سفر کرد و دو هفته در بیمارستان الاقصی کار کرد، جایی که از دیدن تعداد زنان و کودکان مجروح که بخش‌های شلوع آن را پر کردند، شوکه شد. او می‌گوید که بیمارستان‌ها غرق در تعداد زنان باردار هستند که به دنبال مراقبت هستند و هزاران نفر دیگر به مراقبت پزشکی نیاز دارند اما نمی‌توانند به آن دسترسی داشته باشند. اما نوزادان حتی در این شرایط صبر نمی‌کنند. زنان خارج از زمان و بدون هیچ گزینه دیگری مجبور به زایمان در خیابان‌ها و پناهگاه‌های موقت می‌شوند. هرینگتون می‌گوید، برخی برای حفظ حریم خصوصی و وقار خود به زایمان در داخل خودرو متوسل می‌شوند. و حتی اگر زنان به بیمارستان بروند، اوضاع خیلی بهتر نیست. ازدحام بیش از حد کابوس‌آور است و زنان به راهروها سرازیر می‌شوند و گاهی اوقات در تخت‌هایی که از قبل آغشته به خون زایمان‌های قبلی هستند زایمان می‌کنند."<sup>xxiii</sup>

در هسته چارچوب‌های عدالت باروری، اصول استقلال بدنی قرار دارد که شامل حق کنترل بر بدن، اختیار بر آینده، و انتخاب تصمیم برای داشتن یا نداشتن فرزند است. اما بدون دسترسی به منابع لازم برای برآورده کردن حداقل نیازهای زندگی، از جمله مراقبت‌های بهداشتی حیاتی، هیچ انتخابی برای زنان غزه وجود ندارد. به سادگی هیچ مفهومی از آزادی تولید مثل وجود ندارد. دکتر ر‌وا قاتو، یک متخصص زنان و زایمان که در گروه کارکنان مراقبت‌های بهداشتی برای فلسطین مشارکت دارد، می‌گوید: «آنچه در حال حاضر در غزه اتفاق می‌افتد، مجازات دسته‌جمعی است. این به طور خاص بر جمعیت آسیب‌پذیر زنان تأثیر می‌گذارد، زیرا سلامت آنها نیازهای ویژه‌ای دارد.»<sup>xxiv</sup>

### پیشنهادات ملموس کنسرسیوم بهداشت باروری

ماهیت درگیری‌های مسلحانه در نیمه دوم قرن بیستم به طور چشمگیری تغییر کرد و تلفات غیرنظامیان به طور فزاینده‌ای از تعداد تلفات پرسنل نظامی بیشتر شد. زنان و دختران به ویژه در چنین درگیری‌ها آسیب‌پذیر شدند. به همین دلیل، چالش‌های اخلاقی، تحلیلی و عملیاتی قابل توجهی برای سیستم سازمان ملل متحد پدید آمده است، به ویژه برای صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA). یکی از بحرانی‌ترین چالش‌ها، نیاز به توسعه استراتژی‌های یکپارچه و حساس به جنسیت و مداخلات برنامه‌ای برای رسیدگی به موقعیت‌های درگیری است. تأثیر درگیری‌ها بر سلامت باروری و جنسی زنان و دختران را هرگز نمی‌توان دست کم گرفت. رفاه روانی، تولید مثلی و کلی آنها اغلب در مواقع درگیری به شدت به خطر می‌افتد. تعارضات باعث افزایش بروز خشونت جنسی می‌شود. تجاوز جنسی؛ عفونت‌های مقاربتی، از جمله HIV/AIDS؛ و حاملگی‌های ناخواسته، علاوه بر اینها خدمات اجتماعی ضروری، مانند امکانات پزشکی، که رفاه زنان به شدت به آنها وابسته است، به دلیل درگیری‌های مسلحانه به شدت مختل می‌شود.

علی‌رغم این پیامدهای منفی، زنان برای نسل‌ها به عنوان میانجی‌های صلح در خانواده‌ها و جوامع عمل کرده‌اند و در پیشگیری از مناقشه مؤثر بوده‌اند. جامعه بین‌المللی باید این مهارت‌ها را تقویت کند. قدرت اقتصادی و موقعیت اجتماعی زنان باید تقویت شود. با در نظر گرفتن توانایی‌ها و آسیب‌پذیری‌های زنان، با حمایت از طرح‌هایی که محافظت در برابر خشونت جنسی و جنسیتی را ارائه می‌دهند، با بهبود در دسترس بودن مراقبت‌های بهداشتی با کیفیت و خدمات بهداشت باروری، دسترسی به آموزش و توسعه مهارت‌ها و ارائه کمک به جامعه بین‌الملل با ایجاد درآمد و سایر فعالیت‌های اقتصادی برای زنان، می‌تواند مشارکت کامل زنان را در پیشگیری از مناقشه و ایجاد صلح پس از جنگ ترویج دهد.



چالش پیش روی جامعه بین المللی این است که اطمینان حاصل شود که سلامت باروری جزء لاینفک هر واکنش بشردوستانه است. اتحادهای استراتژیک با و بین دولت ها، سازمان ها و آژانس های ملل متحد و سازمان های بین المللی و محلی، از جمله کنسرسیوم بهداشت باروری برای پناهندگان و گروه کاری بین سازمانی شکل گرفته است. سیاست ها وضع شده و دستورالعمل هایی تدوین شده است. آنچه در حال حاضر مورد نیاز است یک حرکت هماهنگ برای تبدیل پیشرفت در سطح بین المللی به خدمات زمینی برای جوامع متأثر از درگیری است.

این امر بسیار فراتر از بازسازی زیرساخت ها و استقرار تیم های پزشکی است. آژانس های توسعه محور باید مخاطبان هدف خود را به جمعیت پناهندگان و آنهایی که تحت تأثیر درگیری قرار گرفته اند گسترش دهند. آژانس های بشردوستانه باید اطمینان حاصل کنند که مراقبت های بهداشتی باروری جامع در ارائه خدمات آنها ادغام شده است. برای دستیابی به این هدف، آموزش هدفمند برای کارکنان انجمن های خدمات بشردوستانه و کادر پزشکی لازم است. لوازم بهداشت باروری باید از اولین لحظه در دسترس و قابل استفاده باشد و تامین مالی بازسازی و پناهندگی باید نیاز ادغام خدمات بهداشت باروری را در دستور داشته باشند.

صندوق جمعیت سازمان ملل متحد<sup>xxv</sup> (UNFPA)، که آژانس سلامت جنسی و باروری سازمان ملل متحد است، یک پروژه آموزشی در مورد بهداشت باروری در شرایط بحرانی ایجاد کرده است. این پروژه برای کمک به پرسنل کلیدی صندوق جمعیت ملل متحد و سازمان های شریک طراحی شده است تا نیازها و نگرانی های بهداشت باروری جمعیت های درگیر بحران را مطالعه کنند.

بنیاد جمعیت سازمان ملل گزارش ۹ خود را ۳ ژوئیه ۲۰۲۴ صادر کرد<sup>xxvi</sup> و در آن فراخوانی را به این شرح در اختیار سازمان ملل قرار داد:

### فراخوانی برای اقدام

- آتش بس فوری و پایدار بشردوستانه



- پایبندی کامل همه طرف ها به تعهدات خود تحت قوانین بین المللی بشردوستانه، از جمله خودداری از اشغال و حمله به بیمارستان ها، تأسیسات سازمان ملل متحد، مدارس و سایر اماکن غیرنظامی و بشردوستانه.
  - یک محیط توانمند برای واکنش های بشردوستانه در مقیاس وسیع. ایجاد قابل اعتماد و مقیاس پذیر نقاط ورودی برای تدارکات امدادی، بهبود مکانیسم های رفع تعارض، ساده سازی فرآیندهای بازرسی، و دسترسی نامحدود به منابع حیاتی حیاتی و تضمین یک شبکه ارتباطی پایدار و تسهیل ارسال کمک موثر
  - بازگرداندن نظم عمومی و ارائه ضمانت های امنیتی برای ایجاد دسترسی ایمن بشردوستانه، تضمین رسیدن کمک به غیرنظامیان نیازمند
  - بازیابی خدمات ضروری، به ویژه دسترسی به آب پاک و مراقبت های بهداشتی، بازسازی تأسیسات و زیرساخت ها، و تامین سوخت کافی.
  - اولویت دادن به مداخلات بشردوستانه متناسب با سن و جنسیت، تضمین مشارکت و مشارکت سیستماتیک با زنان و جوانان در تمام مراحل اقدام بشردوستانه، از طریق ایجاد فضاهای امن، به اشتراک گذاری اطلاعات و فرآیندهای تصمیم گیری فراگیر در همه سطوح.
- بنیاد جمعیت سازمان ملل قبلاً نیز توضیه های عمومی در پاسخ به درگیری ها خشونت بار بالکان و خصوصاً کوزوو صادر کرده بود که در ذیل این توضیه ها عرضه میشود:

- آژانس‌هایی که مدعی ارائه مراقبت‌های بهداشتی به جمعیت پناهنده و آواره در شرایط اضطراری و پس از اورژانس هستند، باید برای اطمینان از دسترسی زنان، مردان و نوجوانان به خدمات بهداشت باروری پاسخگو باشند.
- باید بر نیاز به همکاری بین سازمانی در سطح میدانی و گنجاندن یک هماهنگ کننده بهداشت باروری در هر محیطی تأکید بیشتری شود.
- زنان باید نمایندگی بیشتری در موقعیت‌های تصمیم‌گیری در آژانس‌های اجرایی و سازمان‌های پناهندگان داشته باشند.
- مشارکت بیشتر نمایندگان جوامع آواره برای اطمینان از ارائه خدمات مناسب و قابل دسترس مورد نیاز است. این ممکن است شامل تجدید یا آموزش اضافی اعضای جامعه باشد.
- برنامه‌ها باید دیدگاه بلندمدتی داشته باشند که در آن زنان در فرآیند توانبخشی و بازسازی نقشی حیاتی بازی می‌کنند.
- افزایش مشارکت مردان برای وضعیت سلامت زنان حیاتی است.
- آموزش گسترده در مراقبت‌های بهداشت باروری برای امدادگران نیز مورد نیاز است.
- ظرفیت‌سازی سازمان‌های محلی باید افزایش یابد.
- آموزش و آگاهی بیشتر کارکنان میدانی از اقدامات عملی حفاظتی برای پیشگیری و پاسخ به خشونت جنسی مورد نیاز است.
- شیوه‌های خوب بهداشت باروری باید در کمپین‌های آگاهی بهداشت عمومی گنجانده شود.
- افزایش منابع مالی و انسانی برای اجرای برنامه‌های جامع بهداشت باروری ضروری است.
- حضور بیشتر زنان در کمیته‌های پناهندگان یا ایجاد کمیته‌های جداگانه زنان باید تقویت شود تا اطمینان حاصل شود که نیازهای خاص زنان پناهنده نادیده گرفته نمی‌شود.
- برای کمک به زنان پناهنده در گزارش آنها از حوادث خشونت جنسی، دسترسی بیشتر به حفاظت و کادر پزشکی زن و مترجمان زن مورد نیاز است.
- آموزش و آگاهی بیشتر کارکنان میدانی از اقدامات عملی حفاظتی برای پیشگیری و پاسخ به خشونت جنسی مورد نیاز است.
- شیوه‌های خوب بهداشت باروری باید در کمپین‌های آگاهی بهداشت عمومی گنجانده شود.
- افزایش منابع مالی و انسانی برای اجرای برنامه‌های جامع بهداشت باروری ضروری است.
- حضور بیشتر زنان در کمیته‌های پناهندگان یا ایجاد کمیته‌های جداگانه زنان باید تقویت شود تا اطمینان حاصل شود که نیازهای خاص زنان پناهنده نادیده گرفته نمی‌شود.
- برای کمک به زنان پناهنده در گزارش آنها از حوادث خشونت جنسی، دسترسی بیشتر به حفاظت و کادر پزشکی زن و مترجمان زن مورد نیاز است.
- آموزش و آگاهی بیشتر در میان کارکنان میدانی در مورد اقدامات حفاظتی عملی برای پیشگیری و پاسخ به خشونت جنسی مورد نیاز است.
- درک بیشتر از ارزش‌های فرهنگی و سنتی جوامع پناهنده برای اطمینان از اینکه خدمات و منابع مناسب فرهنگی در دسترس هستند، مورد نیاز است.
- هماهنگی بیشتر باید بین ارائه‌دهندگان خدمات ترویج شود تا اطمینان حاصل شود که نیازهای بهداشت باروری پناهندگان برآورده می‌شود.
- باید به نیازهای نوجوانان توجه بیشتری شود که لازم است در تمام مراحل توسعه پروژه‌ها از جمله اجرا و ارزیابی مشارکت داشته باشند.
- آموزش حساس‌سازی جنسیتی قبل از کار برای کنشگران اقدامات بشردوستانه مورد نیاز است.
- افزایش حساسیت و کمک به جوامع محلی می‌تواند به کاهش تنش بین جمعیت محلی و پناهنده کمک کند.
- برای تقویت حمایت بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی از خدمات بهداشت باروری در محیط‌های پناهندگان، حمایت بیشتری لازم است.
- برای جلوگیری از فعالیت جنسی ناامن یا اجباری، به حمایت و افزایش آگاهی در میان ارتش و نیروهای مسلح نیاز است. و
- تحقیقات و مطالعات بیشتر در مورد سلامت، رفتار و ویژگی‌های پناهندگان و آوارگان داخلی مورد نیاز است.

<sup>i</sup> نمونه درخشان آن در همین سال گذشته فرماندهی یاسمین مقبلی فضانورد آمریکایی از تبار ایرانی بر ایستگاه فضایی بین المللی است. او فارغ التحصیل موسسه فناوری ماساچوست، دانشکده فوق لیسانس نیروی دریایی و مدرسه خلبانی آزمایشی نیروی دریایی است.

<sup>ii</sup> American Nursing Corps (ANC)

<sup>iii</sup> Stephen Ambrose, D-Day, 488

<sup>iv</sup> Stephen Ambrose, D-Day, 489

<sup>v</sup> Female Engagement Team” (FET)

<sup>vi</sup> <https://www.nationalgeographic.com/culture/graphics/women-war-conflict-nigeria-peru-iraq-philippines-international-day-of-girl>

<sup>vii</sup> <https://newint.org/features/2023/06/05/interview-leila-kaled-palestine>

<sup>viii</sup> اسلامی مبارزان فدایی قبل از انقلاب به ترتیب الفبا از این میان تعدادی در درگیری کشته شده‌اند، برخی زندانی شده و یک نفر نیز موفق به فرار از زندان شده بود: شهین توکلی، سیمین توکلی، مهرنوش ابراهیمی، اشرف دهقانی، روح انگیز دهقانی، رقیه دانشگری، عاطفه جعفری، پوران پدالهی، اعظم السادات روحی آهنگران، زهت السادات روحی آهنگران، شهلا برادران خسرو شاهی، نسرين معاضد، شیرین معاضد، مرضیه احمدی اسکویی، صدیقه صرافت، بهجت محجوبی شین، زهرا آقایی قلهکی، گلرخ (شهرزاد) مهدوی، فاطمه سعیدی (مادر شایگان)، مهوش حاتمی، فریده غروی، عزت غروی، زهرا مدیر شانه چی، میترا بلبل صفت، نسترن آل آقا، فاطمه نهانی، مریم شاهی، فاطمه حسینی، طاهره خرم، ادنا ثابت، زهره پنجه شاهی، نسرين پنجه شاهی، سیمین پنجه شاهی، پردخت (غزال) آیتی، فاطمه ایزدی، صبا بیژن زاده، فردوس آقا ابراهیم، نادره احمد شاهی، ملیحه زهتاب، مریم سطوت، ناهید قجر

<sup>ix</sup> [https://www.bbc.com/persian/iran/2011/02/110204\\_113\\_siahkal\\_nahid\\_gajar](https://www.bbc.com/persian/iran/2011/02/110204_113_siahkal_nahid_gajar)

<sup>x</sup> <https://podcasts.apple.com/us/podcast/intercepted-with-jeremy-scahill/id1195206601?i=1000655652314>

<sup>xi</sup> <https://podcasts.apple.com/us/podcast/intercepted-with-jeremy-scahill/id1195206601?i=1000655652314>

<sup>xii</sup> <https://obgyn.onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1002/ijgo.15596>

<sup>xiii</sup> <https://www.bmj.com/content/383/bmj.p2887.full>

<sup>xiv</sup> Sexual and Reproductive Health (SRH)

<sup>xv</sup> <https://www.reuters.com/world/middle-east/gaza-death-toll-how-many-palestinians-has-israels-campaign-killed-2024-05-14/>

<sup>xvi</sup> [https://www.emro.who.int/images/stories/palestine/oPt\\_Emergency\\_Situation\\_Update\\_-\\_DEC7b.pdf?ua=1](https://www.emro.who.int/images/stories/palestine/oPt_Emergency_Situation_Update_-_DEC7b.pdf?ua=1)

<sup>xvii</sup> <https://www.msf.org/gaza-displaced-pregnant-women-high-risk-amid-dire-conditions-rafah>

<sup>xviii</sup> <https://www.dailysabah.com/world/mid-east/60k-gazan-pregnant-women-languish-in-malnutrition-health-ministry>

<sup>xix</sup> <https://palestine.unfpa.org/en/sexual-reproductive-health>

<sup>xx</sup> <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2024/02/israelopt-un-experts-appalled-reported-human-rights-violations-against>

<sup>xxi</sup> <https://www.rescue.org/press-release/almost-one-million-people-displaced-within-gaza-last-three-weeks-irc-finds-women-and>

<sup>xxii</sup> Gender-based Violence (GBV)

<sup>xxiii</sup> <https://www.thenation.com/article/world/gaza-reproductive-justice-america/>

<sup>xxiv</sup> <https://www.thenation.com/article/world/gaza-reproductive-justice-america/>

<sup>xxv</sup> [United Nations Population Fund Agency](#) [اژانس سلامت جنسی و باروری سازمان ملل متحد](#)

<sup>xxvi</sup> <https://www.unfpa.org/sites/default/files/resource-pdf/UNFPA-Situation-Report-9.pdf>